

مجموعه مطالعات منطقه‌ای و آمایش سرزمین در ایران (۱)  
فرا تحلیل نابرابری منطقه‌ای در ایران

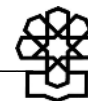
معاونت پژوهش‌های اقتصادی  
دفتر: مطالعات اقتصادی

کد موضوعی: ۲۲۰  
شماره مسلسل: ۱۴۰۳۹  
آذرماه ۱۳۹۳

## به نام خدا

### فهرست مطالب

مقدمه.....	۱
۱. روش تحقیق.....	۴
۲. بررسی آماری مقالات.....	۶
۲-۱. بررسی مقالات برحسب سال مطالعه.....	۶
۲-۲. بررسی مقالات برحسب مبانی نظری به کار گرفته شده.....	۷
۲-۲-۱. رشد متوازن.....	۸
۲-۲-۲. رشد نامتوازن.....	۹
۲-۲-۳. توسعه پایدار.....	۱۱
۲-۲-۴. نظریه واگرایی - همگرایی رشد منطقه‌ای.....	۱۱
۲-۳. بررسی مقالات برحسب تکنیک‌ها و شاخص‌های به کار گرفته شده.....	۱۲
۲-۴. بررسی مقالات برحسب رشته دانشگاهی نویسندگان مقالات.....	۱۳
۲-۵. بررسی مقالات برحسب دانشگاه‌ها و مراکز علمی نویسندگان مقالات.....	۱۳
۲-۶. بررسی مقالات برحسب شاخص‌های توسعه‌ای به کار گرفته شده.....	۱۵
۲. بررسی و گزارش نتایج مقالات.....	۱۷
۳-۱. نابرابری منطقه‌ای از منظر شاخص‌های توسعه در استان‌ها و شهرستان‌های کشور.....	۱۷
۳-۲. نابرابری منطقه‌ای از منظر شاخص‌های توسعه در شهرستان‌ها و دهستان‌های استان‌های کشور.....	۲۰
۳-۳. نابرابری منطقه‌ای از منظر شاخص‌های توسعه سلامت در استان‌های کشور.....	۲۳
۳-۴. تأثیر نابرابری منطقه‌ای بر روند مهاجرت.....	۲۴
۳-۵. تأثیر برنامه‌های توسعه بر همگرایی و واگرایی گروه‌های قومی در ایران.....	۲۵
۳-۶. چالش‌های برنامه‌ریزی توسعه منطقه‌ای با تأکید بر آسیب‌شناسی مدیریت توسعه.....	۲۶
۳-۶-۱. آسیب‌های نظری.....	۲۶
۳-۶-۲. آسیب‌های عملی.....	۲۷
۴. پیشنهادها ارائه شده.....	۳۰
پیوست - خلاصه مقالات مورد بررسی.....	۳۶
منابع و مأخذ.....	۱۱۷



## مجموعه مطالعات منطقه‌ای و آمایش سرزمین در ایران (۱) فرا تحلیل نابرابری منطقه‌ای در ایران

### مقدمه

یکی از مهم‌ترین مشکلات بسیاری از کشورها در مسیر توسعه، بروز نابرابری‌های منطقه‌ای است. در بیشتر مواقع، بروز نابرابری‌های منطقه‌ای موجب به وجود آمدن طیف وسیعی از شرایط ناهمگون زندگی می‌شود و پیامدهای اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی نامطلوبی را به همراه دارد. رشد سریع و نامتوازن از جمله دلایلی است که موجب بروز پدیده نابرابری منطقه‌ای می‌گردد. به‌علاوه احتمال بروز نابرابری منطقه‌ای در کشورهای تک‌پایه‌ای، که بخش پیشرو فاقد ارتباط قوی با سایر بخش‌های اقتصادی است، محتمل‌تر خواهد بود.

براساس مطالعات انجام شده در این زمینه<sup>۱</sup> مشاهده می‌شود، در اغلب موارد در فرآیند رشد نامتوازن به دلیل عدم وجود اثر انتشار لازم، در کنار محدود مراکز رشد، نواحی وسیعی به صورت توسعه‌نیافته باقی می‌مانند و این مسئله می‌تواند زمینه‌ساز بروز دوگانگی اقتصادی و اجتماعی گردد. از منظر اقتصادی، مسئله دوگانگی موجب تمرکز عوامل تولید در مناطق مدرن شده و از منظر اجتماعی نیز به دلیل تفاوت در سطح زندگی و مزد، سبب تسریع و تشدید روند مهاجرت به سمت مناطق توسعه‌یافته می‌گردد. باید توجه داشت در صورت تداوم روند فوق، بروز مشکلات آمایشی، زیست‌محیطی و امنیتی که زمینه‌ساز بحران برای توسعه ملی هستند، دور از انتظار نخواهد بود.

کشور ایران نیز به واسطه گستره جغرافیایی وسیع، تنوع آب و هوایی، اقتصاد عمدتاً تک‌محصولی که بر پایه نفت و گاز شکل گرفته است، تنوع قومیتی و برخورداری از جمعیت بالا،<sup>۲</sup> پتانسیل زیادی برای شکل‌گیری نابرابری‌های منطقه‌ای دارد، لذا توجه به مناطق و توسعه منطقه‌ای در نظام بودجه‌ریزی سالیانه و برنامه‌های توسعه قبل و بعد از انقلاب اسلامی مدنظر قرار گرفته است. البته لازم به ذکر است که میزان و درجه اهمیت مناطق و کاهش نابرابری‌های منطقه‌ای در برنامه‌های ده‌گانه توسعه پیشین از وزن متفاوتی برخوردار بوده است.

برای مثال در برنامه اول عمرانی قبل از انقلاب اسلامی بیان می‌شود نحوه اعتباردهی به استان‌ها باید به گونه‌ای باشد که مجموع بهره‌مندی شهرستان‌های هر استان ظرف هفت سال از یک هزار

۱. مراجعه کنید به نظریه رشد نامتوازن هیرشمن در مقاله:

Albert O. Hirschman, A Dissenter's Confession: "The Strategy of Economic Development" Revisited in G.M. Meier etc, (ed.) Pioneers in development, Oxford University Press 1984.

۲. ایران با داشتن بیش از ۷۷ میلیون نفر جمعیت، هفدهمین کشور پرجمعیت جهان به حساب می‌آید.

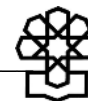
میلیون ریال<sup>۱</sup> کمتر نباشد (ماده (۴)، قانون برنامه اول قبل از انقلاب). در برنامه هفت‌ساله دوم عمرانی، سازمان برنامه به عمران ناحیه‌ای نیز توجه کرده و قسمتی از فعالیت‌های خود را به آن اختصاص داد. بنابراین، ابتدا مناطقی از کشور که به دلیل وفور منابع طبیعی استعداد بالایی برای توسعه و عمران داشتند و سپس مناطقی که با فقر و عقب‌ماندگی شدیدی روبرو بودند، مورد توجه قرار گرفتند. در این دوره سازمان برنامه با استفاده از توانایی کارشناسان خارجی، برنامه‌های خاص عمران ناحیه‌ای را تهیه و به اجرا درآورد. از جمله این موارد می‌توان به برنامه عمران خوزستان، برنامه عمران ناحیه جنوب‌شرقی و برنامه عمران کرمان اشاره کرد (هادی زنوز، ۱۳۸۹).

در برنامه سوم توسعه قبل از انقلاب، عدم تمرکز در تهیه برنامه‌های عمرانی استان‌ها مورد توجه قرار گرفت. به طوری که سازمان برنامه، برنامه‌های عمرانی استان‌ها و فرمانداری‌های کل را باید با توجه به نظر استانداران و فرمانداران کل تهیه می‌کرد (ماده (۱۷) قانون برنامه سوم). به علاوه سازمان برنامه باید هر سال طرح‌هایی مانند راه‌های فرعی، آموزشگاه‌ها، درمانگاه‌ها، امور اجتماعی شهرها، روستاها، آبیاری و کشاورزی را که اجرای آنها در محل بدون احتیاج به مراجعه به مرکز امکان‌پذیر بود را پس از تصویب هیئت وزیران به استانداران و فرمانداران کل ابلاغ می‌کرد، تا ایشان طبق مقررات سازمان برنامه طرح را اجرا کنند (پیشین، ۱۳۸۹).

در ماده (۱۷) برنامه چهارم نیز موارد ماده (۱۷) برنامه سوم تنفیذ شد. به علاوه گسترش شرکت‌های تعاونی روستایی و عمران روستایی از جمله اهداف مهم برنامه بوده و برنامه‌های عمرانی استان‌ها نیز با توجه به نظر نمایندگان آن مناطق در مجلس و استانداران و فرمانداران تهیه شد. در این برنامه پنجم مبلغ ۱۷۰ میلیارد ریال<sup>۲</sup> برای اجرای برنامه‌های خاص ناحیه‌ای اختصاص یافت. در این برنامه برای اولین بار برنامه‌ریزی جامع منطقه‌ای پذیرفته و پیش‌بینی شده بود که در قالب اعتبارات هر ناحیه و از طریق توسعه کمی و کیفی طرح‌های استانی که در برنامه چهارم به اجرا گذاشته شد، برای هر یک از استان‌ها طرح جامعی متشکل از فعالیت‌های مختلف تولیدی و اجتماعی به صورت هماهنگ و متناسب با شرایط خاص استان با عنوان «برنامه توسعه استان» تهیه شود (پیشین، ۱۳۸۹).

برنامه اول بعد از انقلاب اسلامی هر چند بیشتر با دیدگاه بخشی تهیه شده بود، اما در تبصره ماده دوم لایحه، دولت موظف می‌شد تا ظرف سه ماه پس از ابلاغ برنامه، برنامه فضایی توسعه (آمایش سرزمین) استان‌ها را براساس برنامه‌های مصوب بخشی تنظیم و اعلام کند (برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۶۲-۱۳۶۶، جلد اول). در تبصره «۱۱» برنامه توسعه دوم، توسعه روستاهای محروم و ایجاد تعادل‌های منطقه‌ای با تأکید بر خدمات‌رسانی و طرح‌های

۱. هر ریال در سال ۱۳۲۷ قدرت خرید معادل ۱۹۷۶ ریال سال ۱۳۹۱ را داشته است. این رقم از تقسیم شاخص کل بهای کالاها و خدمات مصرفی در سال ۱۳۹۱ به شاخص مشابه در سال ۱۳۲۷ به دست آمده است.  
۲. معادل ۱۲۹۲۴۰ میلیارد ریال در سال ۱۳۹۱.



اشتغال‌زایی مدنظر قرار گرفت. همچنین در تبصره «۲» قانون برنامه دوم، دولت موظف به تمرکززدایی و افزایش نقش استان‌ها شد. البته در این دوره به رغم تلاش‌هایی که برای یافتن روش توزیع عادلانه اعتبارات استانی صورت گرفت، برنامه همچنان با تسلط دیدگاه بخشی و سیاستگذاری منطقه‌ای (به جای دیدگاه فضایی و برنامه‌ریزی منطقه‌ای) شکل گرفت (صرافی، ۱۳۷۹).

موضوع مشارکت استان‌ها در امور اجرایی از اوایل برنامه سوم به صورت ویژه‌ای مورد توجه قرار گرفت و شوراهای اسلامی شهر و روستا فعالیت‌های خود را آغاز کردند. البته قانون تشکیلات شوراهای اسلامی در سال ۱۳۶۱ به تصویب مجلس شورای اسلامی درآمده بود اما به دلایل مشکلاتی مانند جنگ و ... امکان به اجرا در آمدن آن تا سال ۱۳۷۸ فراهم نشد. همچنین در برنامه سوم توسعه، شوراهای برنامه‌ریزی و توسعه استان‌ها به‌منظور برنامه‌ریزی<sup>۱</sup> برای استان‌ها تشکیل شدند (ماده (۷۰) برنامه سوم توسعه).

در برنامه چهارم شوراهای برنامه‌ریزی استان‌ها موظف شدند با همکاری و تعامل کلیه دستگاه‌های استانی، برنامه پنج‌ساله استان را تهیه و پس از تصویب شورای برنامه‌ریزی استان به تصویب نهایی هیئت وزیران برسانند. در قانون برنامه پنجم توسعه نیز بر لزوم تشکیل شورای برنامه‌ریزی و توسعه هر استان به ریاست استاندار و کمیته برنامه‌ریزی شهرستان به ریاست فرماندار، به‌منظور تصمیم‌گیری، تصویب، هدایت، هماهنگی و نظارت در امور برنامه‌ریزی و بودجه استان‌ها و شهرستان‌ها در چارچوب برنامه‌ها و سیاست‌های کلان کشور تأکید شده است (قانون برنامه پنجم توسعه ماده (۱۷۸)).

اکنون با قرار داشتن در آستانه تدوین برنامه ششم، از جمله کلیدی‌ترین سؤالات پیش‌رو این است که تهیه و بعضاً اجرای برنامه‌های توسعه پیشین، تا چه اندازه در توسعه استان‌ها و کاهش نابرابری‌های منطقه‌ای مؤثر بوده‌اند؟ و چرا با وجود یک دولت مرکزی در ایران که نسبت به توسعه تمامی مناطق کشور تعهد دارد و با وجود قوانین یکسان، در عمل تعهدات و قوانین یکسان، کارکردهای متفاوت را در نواحی مختلف کشور داشته‌اند و موجب افزایش نابرابری‌های منطقه‌ای و تشدید بحران آمایش شده‌اند؟ در زمینه نابرابری‌های منطقه‌ای، تاکنون مطالعات متعددی در سطح ملی و استانی صورت گرفته است و از این منظر، ادبیات موضوع نسبتاً غنی و گسترده‌ای در فضای پژوهشی کشور ایجاد شده است. اگرچه گستره مفهومی و آماری در این مطالعات یکسان نیست، اما در مجموع حجم کارهای انجام شده قابل توجه است؛ به طوری که دسته‌بندی علمی آنها می‌تواند تصویر نسبتاً روشنی از وضعیت نابرابری منطقه‌ای در ایران ارائه دهد. بدین ترتیب در گزارش حاضر برای بررسی وضعیت نابرابری منطقه‌ای در

---

۱. ماده (۷۰) در فصل هشتم قانون برنامه سوم توسعه که به مباحث برنامه‌ریزی و بودجه‌ریزی و توسعه استان اختصاص دارد، تشکیل نهاد جدیدی تحت عنوان «شورای برنامه‌ریزی و توسعه استان» را مقرر داشته است. نخستین هدف این شورا ایجاد هماهنگی بین تشکلهای و نهادهای گوناگونی است که تا آن زمان در زمینه برنامه‌ریزی استانی به فعالیت می‌پرداخته‌اند. در قسمت ضمیمه ساختار و وظایف شورای برنامه‌ریزی و توسعه استان آورده شده است.

ایران، تلاش می‌شود با بهره‌گیری از روش فراتحلیل<sup>۱</sup>، مقالات موجود مورد ملاحظه قرار گرفته و با گزارش و بررسی دستاوردهای این پژوهش‌ها، توصیه‌هایی در راستای بهبود عدالت فضایی کشور، جهت به‌کارگیری در تدوین برنامه ششم توسعه ارائه شود.

این مطالعه در پنج بخش تدوین شده است. پس از مقدمه، در بخش دوم روش تحقیق ارائه می‌شود. در بخش سوم جامعه آماری از منظر «سال مطالعه»، «مبانی نظری به‌کار گرفته شده»، «تکنیک‌های مورد استفاده» و «شاخص‌های به‌کار گرفته شده» مورد بررسی قرار می‌گیرد. در بخش چهارم یافته‌های مقالات به صورت طبقه‌بندی شده مورد مطالعه قرار گرفته و در نهایت در بخش پایانی پیشنهادها ارائه می‌گردد.

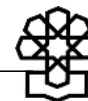
### ۱. روش تحقیق

همان‌طور که بیان شد، در زمینه نابرابری‌های منطقه‌ای در ایران، مطالعات بسیاری انجام شده است. به منظور انجام مطالعات جدید در حوزه نابرابری، بررسی یافته‌های مطالعات پیشین، بازبینی و بازخوانی آنها لازم به نظر می‌رسد. اما سؤال اساسی این است که چگونه می‌توان نتایج مطالعات متنوعی که با شاخص‌ها و روش‌های متفاوت و در زمان‌ها و مکان‌های مختلفی صورت گرفته است را جمع‌بندی و مبتنی بر آنها راهکار ارائه داد؟

یکی از مناسب‌ترین روش‌هایی که در این موارد به‌کار می‌رود، روش فراتحلیل است. فراتحلیل با مرور نظام‌مند منابع<sup>۲</sup> به منظور ترکیب و در صورت نیاز جمع‌بندی آماری، به مقالاتی می‌پردازد که قبلاً پیرامون یک موضوع خاص به رشته تحریر در آمده‌اند. مهم‌ترین مزیت این روش این است که با ادغام نتایج مقالات مختلف، قدرت مطالعه را در جهت یافتن نتایج معنادار افزایش می‌دهد (رضائیان، ۱۳۸۴). فراتحلیل امکان تلفیق نتایج مقالاتی که با استفاده از داده‌ها و روش‌های گوناگون، یک موضوع مشترک را مورد بررسی قرار داده‌اند را فراهم می‌آورد (Zhang, 2012).

نخستین بار واژه فراتحلیل در سال ۱۹۷۶ و توسط گلاس<sup>۳</sup> معرفی شد. بر طبق تعریف وی فراتحلیل، تحلیل یک مجموعه بزرگ از نتایج مربوط به مطالعات مختلف، به‌منظور یکپارچه‌سازی یافته‌های آنهاست. البته برخی محققان اصطلاحات دیگری مانند: پژوهش تلفیقی<sup>۴</sup>، پژوهش ترکیبی<sup>۵</sup>، مرور کمی<sup>۶</sup>، مرور نظام‌مند<sup>۷</sup> و ترکیب اطلاعات را نیز به‌جای فراتحلیل به‌کار برده‌اند، اما تاکنون هیچ

1. Metanalysis
2. Systematic Reviews of the Literature
3. Glass
4. Integration Research
5. Research Synthesis
6. Quantitative Review
7. Systematic Review



یک به اندازه فراتحلیل عمومیت نیافته است (ایزانلو، ۱۳۹۰).

از چند جهت ادعا می‌شود که روش فراتحلیل نسبت به مرور روایتی سنتی برتری دارد که در زیر به صورت خلاصه به آنها اشاره می‌شود:

- فراتحلیل عینی‌تر از روش بازنگری سنتی است و در این روش پژوهشگر با احتمال کمتری به پیش‌داوری‌های ذهنی دچار می‌شود!

- در فراتحلیل به جای داده‌های خام، نتایج مشاهده و خلاصه می‌شود.

- در فراتحلیل صدها پژوهش به صورت نظام‌مند خلاصه و طبقه‌بندی می‌شود. حال آنکه در روش بازنگری سنتی پیشینه تحقیق، اگر تعداد پژوهش‌ها زیاد باشد، نمی‌توان نتایج تمام پژوهش‌های موجود را توصیف یا حتی بیان کرد.

- فراتحلیل مشخص می‌کند که تا چه اندازه موضوع را شناخته‌اید و تا چه اندازه به بحث بیشتری نیاز است.

به طور کلی، می‌توان گفت فراتحلیل مزایایی از قبیل: خلاصه کردن مطالعات پیشین، تعدیل کردن مطالعات و ایجاد ارتباط جدید بین مطالعات را دارد (ایزانلو، ۱۳۹۰).

معمولاً در فرآیند فراتحلیل ابتدا پرسش تحقیق مشخص می‌شود و براساس آن معیار انتخاب مطالعات مشخص می‌گردد. سپس براساس سؤال تحقیق و معیار انتخاب، پژوهش‌های مربوط جمع‌آوری می‌گردد و پس از ارزیابی کیفیت مطالعات، خلاصه‌سازی اطلاعات و داده‌ها انجام می‌شود. در نهایت نیز تحلیل اطلاعات و ارائه نتایج صورت می‌گیرد (Jackson et al, 2004).

موارد مختلفی که در فرآیند انجام یک تحقیق به روش فراتحلیل باید مورد توجه قرار گیرد، به این شرح است:

- در گردآوری مطالعات، موضوع تحقیقات مورد بررسی یا باید یکسان باشد و یا دارای وجوه مشابه باشد.

- موضوع مهم دیگری مسئله جامعه آماری و حجم نمونه است. در حوزه نابرابری مطالعاتی در سطوح مختلفی صورت گرفته است. به عبارت دیگر برخی از مطالعات در سطح ملی و برخی در سطح استانی بوده‌اند. بنابراین در بخش گزارش نتایج این مقالات باید به صورت جداگانه مورد بررسی قرار گرفته و نتایج مطالعات استانی قابل تعمیم به کل کشور نخواهد بود.

- از منظر مبانی نظری به کار گرفته شده در مطالعات مربوط به نابرابری منطقه‌ای نیز، تفاوت‌هایی وجود دارد و محققان با رویکردهای متفاوتی به بررسی این موضوع پرداخته‌اند. البته اکثر مطالعات در حوزه‌های جغرافیا و اقتصاد بوده است و مبانی نظری به کار رفته در آنها به یکدیگر نزدیک است. همچنین از مبانی نظری مربوط به قطب رشد، رشد متوازن و توسعه پایدار بیشتر استفاده شده است.

- لزوماً روش تحقیق و تکنیک‌های به کار رفته در مطالعات با موضوع مشابه، یکسان نیست. اگرچه

نمی‌توان نتایج به دست آمده از روش‌های مختلف را با یکدیگر به صورت آماری مقایسه کرد، اما می‌توان برای تکمیل نتایج و تبیین بهتر موضوع از این تحقیقات بهره برد. باید توجه داشت شاخص‌های انتخاب شده برای سنجش نابرابری، در تمامی مطالعات مورد بررسی یکسان نیستند. بنابراین هنگام مقایسه و تجمیع یافته‌ها نمی‌توان مجموع نتایج یک تحقیق را با دیگر تحقیقات جمع کرد به همین علت بیشتر باید بر نکات مشترک تأکید شود.

## ۲. بررسی آماری مقالات

در این قسمت، مقالات از نظر سال مطالعه، مبانی نظری به کار گرفته شده، تکنیک‌های مورد استفاده، رشته دانشگاهی نویسندگان، دانشگاه‌ها و مراکز علمی نشردهنده و شاخص‌های به کار گرفته شده مورد بررسی قرار می‌گیرند.

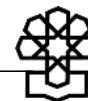
### ۱-۲. بررسی مقالات برحسب سال مطالعه

در این مطالعه ۱۰۷ مقاله مورد بررسی قرار گرفته است. لازم به ذکر است که در گردآوری این مقالات محدودیتی لحاظ نشده و تلاش صورت گرفته است تا تمامی مقالات قابل دسترسی در پایگاه‌های نشریات علمی معتبر ایرانی<sup>۱</sup> که در ارتباط با نابرابری‌های منطقه‌ای در کشور تهیه شده‌اند، مورد بررسی قرار گیرد. برای جستجوی مقالات مذکور از کلیدواژه‌هایی مانند: توسعه منطقه‌ای، نابرابری منطقه‌ای، تعادل منطقه‌ای، نابرابری ناحیه‌ای، قطب رشد، برابری فرصت‌ها، برابری درآمد و ... استفاده شده است.

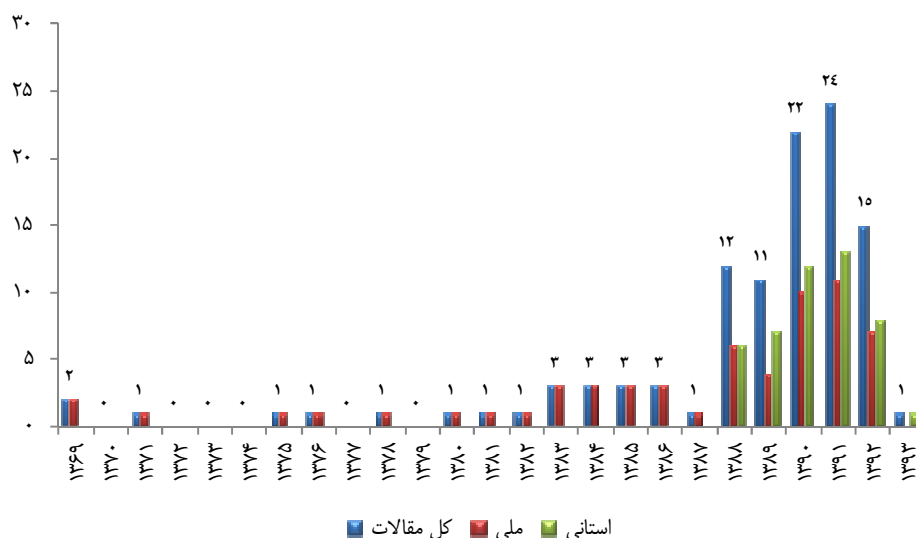
در مقالات مورد بررسی این مطالعه اولین مقاله مربوط به سال ۱۳۶۹ و آخرین مقاله مربوط به سال ۱۳۹۳ بوده است. نمودار زیر فراوانی این مقالات را برحسب سال و سطوح مطالعه (ملی یا استانی) نشان می‌دهد. همان‌طور که مشاهده می‌شود بیشترین فراوانی مقالات مربوط به سال ۱۳۹۱ بوده است. همچنین ۵۶ درصد از مقالات در گستره ملی و ۴۴ درصد از مقالات در گستره استانی به بررسی نابرابری و طبقه‌بندی استان‌ها و شهرستان‌ها برحسب شاخص‌های توسعه پرداخته‌اند.

1. <http://www.sid.ir/>, <http://www.magiran.com/>





### نمودار ۱. فراوانی مقالات مورد بررسی طی سال‌های ۱۳۶۹-۱۳۹۳



مأخذ: یافته‌های تحقیق.

براساس نمودار فوق، بیشتر مطالعات استانی در زمینه نابرابری‌ها از سال ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۳ صورت گرفت است.<sup>۱</sup>

### ۲-۲. بررسی مقالات برحسب مبانی نظری به کار گرفته شده

براساس اصول روش تحقیق انتظار می‌رود نویسندگان مقالات جهت بررسی نابرابری از مبانی نظری مشخصی استفاده کنند، اما مشاهده می‌شود که حدود ۵۶ درصد از مقالات مورد بررسی در این مطالعه، اصلاً بخشی با عنوان مبانی نظری نداشته‌اند و در برخی موارد نیز در بخش مقدمه به صورت ضمنی به مبانی نظری اشاره شده است. باید توجه داشت اغتشاش در روش تحقیق می‌تواند منجر به کاهش اعتبار نتایج مطالعه شود و دستاورد مطالعاتی که در غیاب مبانی و چارچوب نظری مناسب صورت می‌گیرند می‌تواند تصادفی باشد.

در ادامه مبانی نظری مربوط به توسعه منطقه‌ای که در مقالات مورد بررسی بیشترین فراوانی را داشته‌اند مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱. البته باید توجه داشت گردآوری مقالات در مطالعه حاضر در بهار سال ۱۳۹۳ انجام شده و احتمال تهیه و انتشار مقالات در زمینه نابرابری‌های منطقه‌ای تا پایان سال وجود دارد، بنابراین کاهش فراوانی مقالات موجود در این سال می‌تواند از این امر نشئت گرفته باشد.

جدول ۱. مبانی نظری که بیشترین کاربرد را در مقالات مورد بررسی داشته‌اند

ردیف	مبانی نظری	فراوانی
۱	نظریه قطب رشد <sup>(۱)</sup>	۱۸
۲	رشد متوازن <sup>(۲)</sup>	۱۰
۳	توسعه پایدار <sup>(۳)</sup>	۷
۴	الگوی مرکز-پیرامون <sup>(۴)</sup>	۶
۵	رشد نامتوازن <sup>(۵)</sup>	۶
۶	نظریه همگرایی <sup>(۶)</sup>	۶
۷	اثر انتشار <sup>(۷)</sup>	۴

مأخذ: یافته‌های تحقیق.

- (1) Growth Pole
- (2) Balanced Growth Theory
- (3) Sustainable Development
- (4) The periphery. core theory
- (5) Unbalanced Growth Theory
- (6) Convergence
- (7) Spread Effects

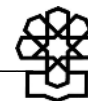
## ۱-۲-۲. رشد متوازن

از جمله نظریه‌پردازان رشد متوازن می‌توان به نورکس<sup>۱</sup> و روزن اشتاین<sup>۲</sup> اشاره کرد. مبانی نظری رشد متوازن بر دو محور اصلی استوار است:

۱. بین بخش‌ها و زیربخش‌ها وابستگی متقابل وجود دارد.
۲. به صرفه‌جویی‌های خارجی<sup>۳</sup> حاصل از ایجاد یا تقویت یک فعالیت اقتصادی، اعتقاد وجود دارد. براساس این نظریه با سرمایه‌گذاری همزمان در فعالیت‌های مختلف اقتصادی می‌توان بر رکود اقتصادی و فقر غلبه کرد. نورکس معتقد است با سرمایه‌گذاری در بخش صنعت و کشاورزی به‌طور همزمان، از یک طرف بازار فروش تولیدات صنعتی تضمین می‌شود و از طرف دیگر با افزایش قدرت خرید در بخش صنعت، بازار تولیدات کشاورزی نیز فراهم می‌گردد. در نهایت نیز گسترش بازار انگیزه‌های لازم را برای سرمایه‌گذاری به وجود می‌آورد. روزن اشتاین نیز با طرح نظریه فشار بزرگ بیان می‌دارد که برای خروج از رکود باید یک حرکت همه‌جانبه، از طریق سرمایه‌گذاری‌های گسترده و همزمان به‌خصوص در طرح‌های زیربنایی، صورت گیرد. با سرمایه‌گذاری همزمان در فعالیت‌های اقتصادی مختلف، تقاضا برای محصولات این سرمایه‌گذاری‌ها فراهم می‌شود که این خود یک صرفه‌جویی خارجی است (زیاری، ۱۳۹۰: ۱۶۵).

1. Nurkse
2. Paul Rosonstein. Rodan
3. External Economies

صرفه‌جویی است که در یک واحد اقتصادی انتفاعی بر اثر توسعه فعالیت‌های خارجی پدید می‌آید.



## ۲-۲-۲. رشد نامتوازن

پرو،<sup>۱</sup> هیرشمن،<sup>۲</sup> فریدمن<sup>۳</sup> و رستو<sup>۴</sup> از مهم‌ترین نظریه‌پردازان این نظریه هستند. حاصل تفکرات این محققان می‌تواند در قالب دو مدل قطب رشد و مرکز - پیرامون طبقه‌بندی شود.

### - قطب رشد

میردال<sup>۵</sup> و هیرشمن جزء اولین کسانی بودند که از طریق ایجاد شناخت مفاهیم توسعه فضایی، اقدام به ایجاد پیوند بین رشد اقتصادی و نظریه توسعه منطقه‌ای کردند. توجه اصلی هیرشمن به رشد اقتصادی معطوف بود. وی معتقد بود توسعه اقتصادی از طریق عدم توازن به وجود می‌آید و رشد نامتوازن و تمرکز فضایی با عقب‌ماندگی نواحی دیگر همراه خواهد بود که نتیجه آن قطب‌بندی منطقه‌ای و گسترش نامتعادل توسعه از نظر جغرافیایی است. راهبردهای هیرشمن در سطح کلان توسعه، سفارش به تمرکز بر چند بخش کلیدی (بخش‌هایی که دارای پیوندهای پیشین و پسین قوی با سایر بخش‌های اقتصادی هستند) داشت و ماهیت تمرکز طلب توسعه اقتصادی در فضا را روند قطبی شدن<sup>۶</sup> نامید. البته وی معتقد بود در مراحل بعدی با غیراقتصادی شدن تمرکز، روند تراوش به اطراف یا رخنه به پایین<sup>۷</sup> رخ خواهد داد (صرافی، ۱۳۷۹: ۱۱۰).

میردال نیز تئوری خود را بر پایه نابرابری‌های منطقه‌ای و تأثیر عوامل خارجی بر آن بنا می‌نهد و برای توصیف این تئوری از مفاهیم آثار بازدارنده و آثار تهییج‌کننده استفاده می‌کند. منظور از آثار بازدارنده تمام تأثیرات منفی است که از نیروهای خارج از سیستم به آن تحمیل می‌شود، نظیر آثار مهاجرت، نوسانات سرمایه و تجارت.<sup>۸</sup> منظور از آثار تهییج‌کننده نیز رشد ایجاد شده در یک منطقه و تأثیر آن بر مناطق دیگر است. وی برخلاف هیرشمن در شرح سازوکار چرخه علیت تراکمی به تشدید قطبی شدن اعتقاد داشت و در نتیجه دخالت دولت در بازار را برای تعادل‌بخشی ضروری می‌دانست (زیاری، ۱۳۹۰: ۱۱۷). براساس نظریه میردال هنگامی که به هر دلیلی رشد یک مرکز شروع شود، از آن پس انباشتی از صرفه‌جویی‌های داخلی و خارجی<sup>۹</sup> به صورت پیوسته رشد آن مرکز را استحکام و تداوم می‌بخشد و جریان‌های نیروی کار، کارآفرینی، بازرگانی و سرمایه را به خود جذب می‌کند. این روند به زیان مراکز دیگر خواهد بود و علیت تراکمی<sup>۱۰</sup> نامیده می‌شود. برخلاف خوش‌بینی هیرشمن نسبت به اتکا به بازار برای آثار رخنه به پایین، میردال آثار رخنه به پایین را به مراحل عادی توسعه اقتصادی نسبت می‌داد.

1. François Perroux
2. Hirschman
3. Friedman
4. Rostow
5. Myrdal
6. Polarization
7. Trickle Down

۸. برای مطالعه بیشتر مراجعه کنید به: کتاب «اقتصاد، رشد و توسعه»، مرتضی قره‌باغیان، نشر نی، سال ۱۳۷۰، ص ۳۶۳.

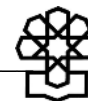
9. Internal & External Economies
10. Cumulative Causation

لازم به ذکر است که قبل از هیرشمن و میردال، اقتصاددان بزرگ فرانسوی به نام فرانسوا پرو از واژه قطب رشد استفاده کرده بود. براساس نظریه پرو، رشد در همه جا و در یک زمان پدیدار نمی‌شود، بلکه در نقاط یا قطب‌های رشدی با شدت‌های متفاوت نمودار شده و سپس از طریق کانال‌های گوناگون با آثار نهایی متغیری، بر تمام اقتصاد تسری می‌یابد. پرو رشد اقتصادی را در گرو تمرکز بر صنایع پیش‌رو مبتنی بر نوآوری می‌دید که توانایی تحرک بقیه اقتصاد را دارند. البته قطب رشد مورد نظر وی مفهومی غیرجغرافیایی و در فضای عملکردهای اقتصادی است (صرافی، ۱۳۷۹: ۱۱۲).

### – الگوی مرکز – پیرامون

در نظریه مرکز – پیرامون نظام فضایی کشور به دو زیرنظام مرکز و پیرامون تقسیم می‌شود که حاصل آن قطبی شدن در مرکز و حاشیه‌ای شدن پیرامون خواهد بود. در این نظریه روند تحکیم تسلط فضای مرکزی بر فضای حاشیه‌ای و آثار بازخورد ناشی از رشد نواحی مرکزی به صورت زیر است:

- اثر سلطه که انتقال منابع از حاشیه به مرکز را باعث می‌شود.
  - اثر اطلاعاتی که تشدید روابط و نوآوری‌ها را در مرکز تسهیل می‌کند.
  - اثر روانی که به دلیل انتظارات بالا و خطر کمتر رشد بالاتر نوآوری‌ها در مرکز رخنه می‌کند.
  - اثر نوسازی که تغییرات نهادی و اجتماعی مناسب نوآوری‌ها را فراهم می‌سازد.
  - اثر زنجیره‌ای که نوآوری‌ها، نوآوری‌های جدید دیگری را پدید می‌آورند.
  - اثر تولیدی که صرفه‌جویی‌های ناشی از مقیاس و تجمع را در فضای مرکز ایجاد می‌کند.
- در واقع در این نظریه ارتباط میان مرکز و پیرامون ماهیتی استعماری داشته و کار، سرمایه، مواد خام و کالاهای واسطه از پیرامون به سمت مرکز جذب می‌شوند و مرکز آهنگ توسعه پیرامون را تعیین می‌کند. نقطه افتراق اصلی مرکز و پیرامون در نقش مرکز به‌عنوان کانون نوآوری است؛ البته این نوآوری در مراحل نخست ثمره‌ای برای پیرامون ندارد (زیاری، ۱۳۹۰: ۱۳۶).
- از آنجا که در سال‌های رواج این نظریات، شهر از محورهای مهم برای توسعه منطقه‌ای شناخته می‌شد، اشاره به نقش وابسته شهرها در سازوکار مرکز – پیرامون به تدریج موجب بروز دیدگاه‌های افراطی ضدشهری شد. در همین راستا لیپتون<sup>۱</sup> مشکل اساسی توسعه‌نیافتگی را جانبداری شهری می‌نامد و بیان می‌کند مهم‌ترین تضاد طبقاتی در کشورهای فقیر جهان تضاد کار و سرمایه نیست، تضاد منافع بیگانه و منافع ملی نیست، بلکه تضاد بین روستا و شهر است. در این راستا راهبرد نیازهای اساسی، چرخش آشکاری از راهبردهای صنعت‌گرا به سمت راهبردی کشاورزی‌مدار بود.



### ۲-۲-۳. توسعه پایدار<sup>۱</sup>

توسعه پایدار در دهه ۱۹۷۰ و با انتشار گزارش «استراتژی حفظ جهان» مورد توجه قرار گرفت و با انتشار گزارش برانتلند<sup>۲</sup> با عنوان «آینده مشترک ما» در سال ۱۹۸۷ و «دستور کار ۲۱» در سال ۱۹۹۲ ارتقای بیشتری پیدا کرد. بنا بر تعریف گزارش برانتلند، توسعه پایدار، توسعه‌ای است که ضمن تأمین نیازهای حال، در راستای برآورده کردن نیازهای آیندگان نیز تلاش می‌کند (ابراهیم‌زاده، ۱۳۹۲). البته تاکنون با عباراتی همچون زیست‌کره پایدار، اکولوژی پایدار، محیط‌زیست پایدار و ...، مفاهیم مختلفی از توسعه پایدار ارائه شده است؛ اما معمولاً تعریف گزارش برانتلند پایه و اساس توسعه پایدار به حساب می‌آید و بر این اساس پایداری بیشتر در سه بُعد اکولوژی، اقتصادی و اجتماعی مورد بررسی قرار می‌گیرد (نظم‌فر، ۱۳۹۲).

### ۲-۲-۴. نظریه واگرایی<sup>۳</sup> - همگرایی<sup>۴</sup> رشد منطقه‌ای

یکی از مهم‌ترین سؤالات در برنامه‌ریزی منطقه‌ای این است که آیا رشد موجب همگرایی مناطق می‌شود و یا شکاف بین آنها را افزایش می‌دهد؟ در پاسخ به این سؤال برخی از نظریات بیان می‌دارند که عدم تعادل‌ها میان مناطق می‌توانند به صورت خود به خود از بین بروند و نیاز به مداخله مستقیم نیست. به‌عنوان نمونه نظریه بخشی بیان می‌کند که زمینه تخصیص مجدد منابع در مناطق فقیر به مراتب بیشتر از مناطق توسعه‌یافته است و در نتیجه این مسئله موجب همگرایی خواهد شد. در مقابل هیرشمن و میردال معتقد به افزایش شکاف بین مناطق از طریق غنی‌تر شدن ثروتمندان و فقیرتر شدن فقرا هستند.

بر طبق نظریه میردال آثار پخشایش نیروهایی هستند که موجب همگرایی میان مناطق فقیر و غنی می‌شوند. یعنی با رشد یک منطقه (منطقه غنی)، تقاضا برای تولیدات مناطق فقیر افزایش یافته و در نتیجه منجر به رشد منطقه فقیر خواهد شد. وی معتقد است اثر پخشایش معمولاً نمی‌تواند منجر به همگرایی شود، زیرا از یک سو افزایش تقاضا برای کالاهای تولید شده در بخش کشاورزی با کشش بسیار پایین عملی می‌شود و از سوی دیگر خروج عواملی نظیر سرمایه و نیروی انسانی متخصص از مناطق فقیر به سمت مناطق غنی، نیز ممکن است منجر به کاهش توان تولید منطقه فقیر شود (زیاری، ۱۳۹۰: ۱۱۵).

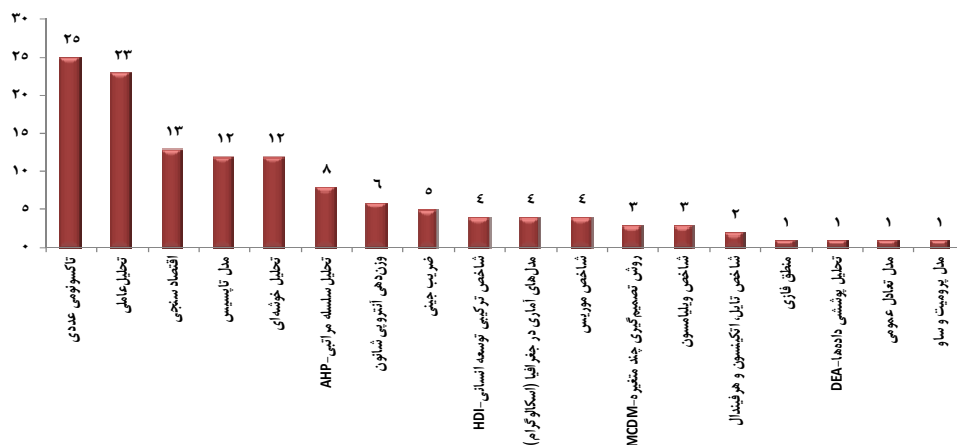
1. Sustainable Development
2. Brundtland Commission
3. Divergence
4. Convergence

### ۲-۳. بررسی مقالات برحسب تکنیک‌ها و شاخص‌های به‌کار گرفته شده

در مقالات مورد بررسی تکنیک‌های مختلفی از قبیل تاکسونومی عددی،<sup>۱</sup> تحلیل عاملی،<sup>۲</sup> اقتصادسنجی، مدل تأسیس،<sup>۳</sup> تحلیل خوشه‌ای،<sup>۴</sup> تحلیل سلسله مراتبی<sup>۵</sup> (AHP)، وزن‌دهی آنتروپی شانون<sup>۶</sup>، روش تصمیم‌گیری چند متغیره (MCDM)،<sup>۷</sup> مدل‌های آماری در جغرافیا (اسکالوگرام)،<sup>۸</sup> منطق فازی،<sup>۹</sup> تحلیل پوششی داده‌ها<sup>۱۰</sup> (DEA)، مدل تعادل عمومی و مدل پرومیت<sup>۱۱</sup> و ساو<sup>۱۲</sup> استفاده شده است. همچنین در برخی مقالات نیز ضریب جینی، شاخص ترکیبی توسعه انسانی (HDI)، شاخص موریس، ویلیامسون،<sup>۱۳</sup> تایل،<sup>۱۴</sup> اتکینسون<sup>۱۵</sup> و هرfindahl<sup>۱۶</sup> به‌کار گرفته شده است.

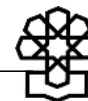
نمودار زیر فراوانی استفاده از این تکنیک‌ها را نشان می‌دهد. همانطور که مشاهده می‌شود بیشترین فراوانی مربوط به تکنیک‌های تاکسونومی عددی (۲۲/۷ درصد) و تحلیل عاملی (۲۰/۹ درصد) بوده است.

نمودار ۲. فراوانی تکنیک‌ها و شاخص‌های به‌کار گرفته شده در ۱۰۷ مقاله مورد بررسی



مأخذ: همان.

1. Numerical Taxonomy
2. Factor analysis
3. Technique for Order Preference by Similarity to Ideal Solution
4. Cluster Analysis
5. Analytical Hierarchy Process
6. Entropy (Information Theory). Shannon
7. Multi Criteria Decision Making
8. Askalvgram
9. Fuzzy Logic
10. Data Envelopment Analysis
11. PROMETHEE
12. SAW
13. Williamson Index
14. Tile Index
15. Atkinson Index
16. Herfindahl Index



#### ۲-۴. بررسی مقالات برحسب رشته دانشگاهی نویسندگان مقالات

جدول زیر نشان می‌دهد بیشترین مطالعات پیرامون نابرابری‌های منطقه‌ای در رشته جغرافیا و زیرشاخه‌های آن صورت گرفته است به طوری که ۶۱ درصد از نمونه مورد بررسی این مطالعه را دربر می‌گیرد. رشته اقتصاد با سهم ۲۷ درصد در جایگاه دوم قرار گرفته است.

جدول ۲. فراوانی نویسندگان مقالات از نظر رشته دانشگاهی

ردیف	رشته دانشگاهی	فراوانی	سهم (درصد)
۱	جغرافیا*	۱۳۴	۶۱/۲
۲	اقتصاد	۵۹	۲۶/۹
۳	مدیریت	۱۱	۵/۰
۴	برنامه‌ریزی محیط زیست	۳	۱/۴
۵	شهرسازی	۳	۱/۴
۶	آمار	۳	۱/۴
۷	توسعه روستایی و کشاورزی	۲	۰/۹
۸	ریاضی	۱	۰/۵
۹	مهندسی صنایع	۱	۰/۵
۱۰	برنامه‌ریزی اجتماعی و توسعه منطقه‌ای	۱	۰/۵
۱۱	بهداشت محیط	۱	۰/۵

مأخذ: همان.

\* شامل رشته‌های جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، جغرافیا، جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، جغرافیای سیاسی، جغرافیای طبیعی و سیستم اطلاعاتی جغرافیا.<sup>۱</sup>

#### ۲-۵. بررسی مقالات برحسب دانشگاه‌ها و مراکز علمی نویسندگان مقالات

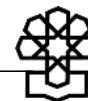
مطالعه نمونه مورد بررسی این مطالعه نشان می‌دهد نویسندگان مقالات پیرامون نابرابری‌های منطقه‌ای در مراکز تحقیقاتی و دانشگاه‌های متنوعی جای دارند، اما بررسی دقیق‌تر فراوانی‌ها نشان می‌دهد دانشگاه اصفهان سهم بالایی را به خود اختصاص داده است. بیش از ۶۰ درصد از مقالات نمونه مورد بررسی در دانشگاه‌های اصفهان، تهران، تبریز، یزد، تربیت مدرس، سیستان و بلوچستان و علامه طباطبایی انجام شده است.

۱. البته لازم به ذکر است که اکثر مقالات بیش از یک نویسنده داشته‌اند و بنابراین جمع فراوانی قسمت‌هایی که مرتبط با نویسندگان مقالات است بیش از تعداد مقالات خواهد بود.

جدول ۳. سهم دانشگاه‌ها و مراکز تحقیقاتی در ارتباط با مطالعات انجام شده در زمینه نابرابری‌های منطقه‌ای در نمونه مورد بررسی

ردیف	دانشگاه - مرکز تحقیقاتی	فراوانی	سهم (درصد)	ردیف	دانشگاه - مرکز تحقیقاتی	فراوانی	سهم (درصد)
۱	دانشگاه اصفهان	۵۲	۲۳/۳	۲۷	دانشگاه یاسوج	۲	۰/۹
۲	دانشگاه تهران	۲۲	۹/۹	۲۸	دانشگاه بیرجند	۲	۰/۹
۳	دانشگاه تبریز	۱۶	۷/۲	۲۹	دانشگاه اردبیل	۲	۰/۹
۴	دانشگاه یزد	۱۴	۶/۳	۳۰	دانشگاه آزاد اسلامی واحد فیروزکوه	۱	۰/۴
۵	دانشگاه تربیت مدرس	۱۱	۴/۹	۳۱	پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی	۱	۰/۴
۶	دانشگاه سیستان و بلوچستان	۱۰	۴/۵	۳۲	پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی جهاد دانشگاهی	۱	۰/۴
۷	دانشگاه علامه طباطبایی	۱۰	۴/۵	۳۳	دانشگاه رازی کرمانشاه	۱	۰/۴
۸	دانشگاه فردوسی مشهد	۷	۳/۱	۳۴	دانشگاه آزاد اسلامی واحد قزوین	۱	۰/۴
۹	دانشگاه شهید چمران اهواز	۵	۲/۲	۳۵	معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهور	۱	۰/۴
۱۰	دانشگاه بوعلی سینا همدان	۴	۱/۸	۳۶	دانشگاه علوم نظامی	۱	۰/۴
۱۱	دانشگاه زابل	۴	۱/۸	۳۷	دانشگاه راتگیرز	۱	۰/۴
۱۲	دانشگاه شهید بهشتی	۴	۱/۸	۳۸	سازمان شهرداری‌های کشور	۱	۰/۴
۱۳	دانشگاه ارومیه	۳	۱/۳	۳۹	دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهر بابک	۱	۰/۴
۱۴	دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهر ری	۳	۱/۳	۴۰	دانشگاه علوم پزشکی کرمان	۱	۰/۴
۱۵	دانشگاه گلستان	۳	۱/۳	۴۱	دانشگاه علوم پزشکی تهران	۱	۰/۴
۱۶	دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان	۳	۱/۳	۴۲	دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی	۱	۰/۴
۱۷	دانشگاه محقق اردبیلی	۳	۱/۳	۴۳	دانشگاه سالزبورگ اتریش	۱	۰/۴
۱۸	دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف‌آباد	۳	۱/۳	۴۴	دانشگاه پیام‌نور واحد اراک	۱	۰/۴





ردیف	دانشگاه - مرکز تحقیقاتی	فراوانی	سهم (درصد)	ردیف	دانشگاه - مرکز تحقیقاتی	فراوانی	سهم (درصد)
۱۹	دانشگاه زنجان	۳	۱/۳	۴۵	دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمان	۱	۰/۴
۲۰	دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات	۲	۰/۹	۴۶	دانشگاه بمبئی	۱	۰/۴
۲۱	دانشگاه علوم اقتصادی	۲	۰/۹	۴۷	دانشگاه باهنر کرمان	۱	۰/۴
۲۲	دانشگاه شیراز	۲	۰/۹	۴۸	دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت	۱	۰/۴
۲۳	دانشگاه الزهرا	۲	۰/۹	۴۹	دانشگاه آزاد اسلامی واحد بروجرد	۱	۰/۴
۲۴	دانشگاه مازندران	۲	۰/۹	۵۰	دانشگاه علوم پزشکی جندی شاپور اهواز	۱	۰/۴
۲۵	دانشگاه پیام نور واحد جهرم	۲	۰/۹	۵۱	دانشگاه ایلام	۱	۰/۴
۲۶	دانشگاه علوم پزشکی ایران	۲	۰/۹	۵۲	دانشگاه گیلان	۱	۰/۴

مأخذ: همان.<sup>۱</sup>

## ۲-۶. بررسی مقالات برحسب شاخص‌های توسعه‌ای به کار گرفته شده

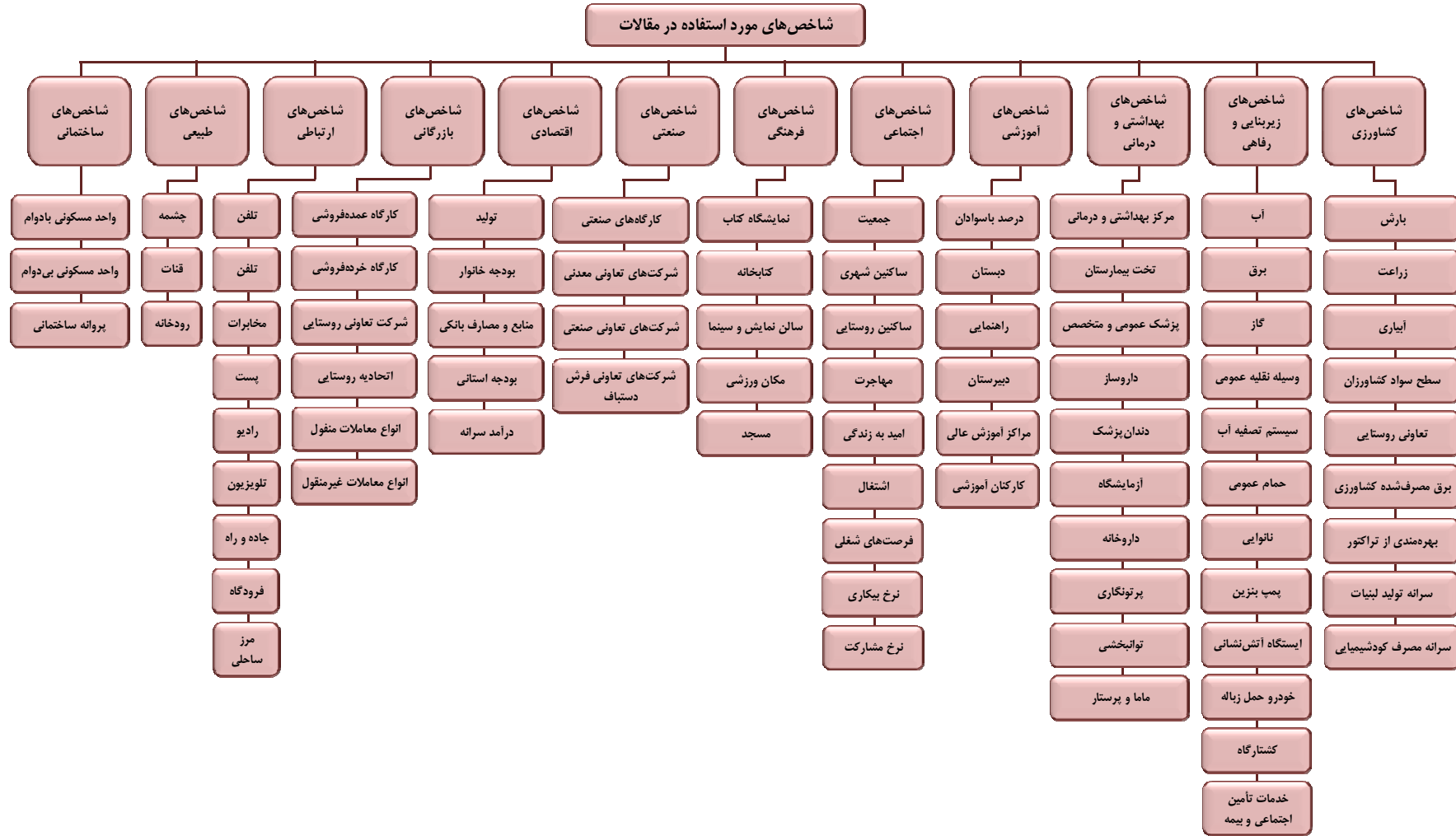
در مقالات مورد بررسی این مطالعه، به منظور سطح‌بندی مناطق یا استان‌ها از منظر توسعه‌یافتگی، از شاخص‌های مختلف کشاورزی، زیربنایی و رفاهی، بهداشتی و درمانی، آموزشی، صنعتی، اقتصادی، اجتماعی، بازرگانی، ارتباطی، ساختمانی، طبیعی و ... استفاده شده است.

در نمودار زیر پرکاربردترین شاخص‌ها در سرفصل‌های کلی نشان داده شده است. لازم به ذکر است که شاخص‌ها کمی بوده و اغلب به ازای هر ده‌هزار نفر جمعیت محاسبه شده است. همچنین مقالات مورد بررسی لزوماً از تمامی شاخص‌های شکل زیر استفاده نکرده‌اند. بدیهی است که در مقالاتی که سرفصل‌های بیشتری مورد توجه قرار گیرد، تصویر ارائه شده از وضعیت نابرابری، از اعتبار بالاتری برخوردار خواهد بود.<sup>۲</sup>

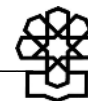
۱. باید توجه داشت که فراوانی مطالعات صورت گرفته در مراکز علمی فوق به معنای مقایسه میزان توانمندی، قدمت و امکانات آنها نیست و تنها می‌تواند میزان توجه آن مراکز را به مباحث نابرابری‌های منطقه‌ای نشان دهد.

۲. در این مطالعه با توجه به اینکه اطلاعات مربوط به مقالات مورد بررسی اغلب به صورت کمی مورد بررسی قرار گرفته است، ابتدا اطلاعات کمی و سپس اطلاعات کیفی ارائه شده است.

نمودار ۳. شاخص‌های به‌کارگرفته شده در مقالات مورد بررسی



مأخذ: همان.



### ۳. بررسی و گزارش نتایج مقالات

با توجه به ابعاد مختلف نابرابری منطقه‌ای که در مطالعات موردنظر این پژوهش، مورد بررسی قرار گرفت، نتایج بسیار متعدد و متنوعی حاصل شده که در این بخش تلاش می‌شود تا خلاصه‌ای از کل یافته‌ها ارائه گردد. بنابراین به منظور ارائه نمای شفاف‌تر، مطالعات انجام شده متناسب با موضوع مورد بررسی ابتدا طبقه‌بندی شده و سپس خلاصه‌ای از یافته‌های آنها گزارش شده است. در اینجا منظور از شاخص‌های توسعه، شاخص‌های مختلف کشاورزی، زیربنایی و رفاهی، بهداشتی و درمانی، آموزشی، صنعتی، اقتصادی، اجتماعی، بازرگانی، ارتباطی، ساختمانی، طبیعی و ... است. لازم به ذکر است اگرچه شاخص‌های توسعه‌ای مورد استفاده در تمامی مقالات یکسان نبوده، اما دارای سرفصل‌های مشترک هستند. بنابراین در این بخش کلیه شاخص‌های فوق‌الذکر با عنوان شاخص‌های توسعه در نظر گرفته شده است.

#### ۳-۱. نابرابری منطقه‌ای از منظر شاخص‌های توسعه در استان‌ها و شهرستان‌های کشور<sup>۱</sup>

براساس مطالعات انجام شده وجود نابرابری بین استان‌های کشور، به خصوص در مقایسه با تهران کاملاً مشهود است (طباطبایی، ۱۳۸۶، بختیاری، ۱۳۸۱ و امیراحمدی، ۱۳۷۵). ازجمله عواملی که موجب بروز نابرابری میان استان‌های کشور می‌شود می‌توان به تمرکزگرایی شدید، نابرابری در فرصت‌ها، سرمایه فیزیکی، انسانی و فاوا، رشد جمعیت، درجه باز بودن اقتصادی، ساختار صنعتی، ویژگی‌های جغرافیایی استان‌ها و دسترسی به دریا به‌عنوان مزیتی برای حمل‌ونقل و تجارت اشاره کرد. همچنین فاصله از مرکز (تهران) نیز به‌عنوان یک عامل اثرگذار بر توسعه استان‌ها شناسایی شده است (محمودزاده و علمی، ۱۳۹۱، زیاری و همکاران، ۱۳۸۹، نیسی، ۱۳۸۹ و اسدی، ۱۳۶۹).

البته برابری فرصت‌ها به تنهایی نمی‌تواند منجر به برابری درآمدی شود، زیرا عوامل ذاتی و غیرذاتی موجود در ساختار جامعه نیز بر روی نابرابری‌ها اثرگذار هستند (کاخکی و همکاران، ۱۳۹۲). بررسی نابرابری درآمدی بین استان‌های کشور نشان می‌دهد استان سیستان و بلوچستان درآمد سرانه‌ای کمتر از ۵۰ درصد متوسط درآمد سرانه کشور دارد. این درحالی است که درآمد سرانه تهران ۱/۷ برابر متوسط کشور است (درویشی و شهیکی‌تاش، ۱۳۹۲).

اگرچه نابرابری‌ها به‌طور کلی طی سال‌های ۱۳۴۵-۱۳۸۵ افزایش داشته<sup>۲</sup> (فطرس و بهشتی‌فر،

۱. پیشنهاد می‌شود در مطالعات آتی نابرابری‌های منطقه‌ای در سطح ملی با ارائه نقشه‌های سه بُعدی مورد بررسی قرار گیرد.

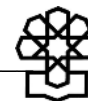
۲. البته اکبری و مؤیدفر (۱۳۸۳) در مقاله خود نشان می‌دهند که بین استان‌های کشور طی سال‌های ۱۳۷۰-۱۳۸۰ همگرایی وجود داشته است. مقاله افشاری (۱۳۷۸) نیز مؤید وجود همگرایی بین استان‌های کشور است. همچنین مطالعه صباغ‌کرمانی (۱۳۸۰) نشان می‌دهد نابرابری بین استان‌های صنعتی و غیرصنعتی طی سال‌های ۱۳۵۳-۱۳۷۶ در حال کاهش بوده است.

(۱۳۸۵) و بر تعداد استان‌های توسعه‌یافته نیافزوده است (توکلی‌نیا و شالی، ۱۳۹۱)، اما مطالعه انجام گرفته بر روی نابرابری‌های درآمدی در مناطق روستایی کشور نشان می‌دهد، بین سال‌های ۱۳۶۸-۱۳۸۸ میزان نابرابری درآمدی در میان خانوارهای روستایی کشور روند نسبتاً کاهشی داشته است، اما میزان این کاهش زیاد نیست (مردانی و کرمی، ۱۳۹۲ و ابونوری و اسنوندی، ۱۳۸۴). لازم به ذکر است که نرخ رشد بالای درآمد لزوماً منجر به کاهش نابرابری‌های درآمدی نمی‌شود (مرتضوی و همکاران، ۱۳۹۰).

از منظر برخورداری از شاخص اشتغال، اختلاف زیادی بین استان‌های کشور وجود دارد. به طوری که استان‌های قم و تهران در سطح بسیار برخوردار و استان‌های کردستان، هرمزگان، مرکزی، قزوین، اردبیل، کرمانشاه، گلستان، لرستان، همدان، زنجان، خراسان شمالی، بوشهر، چهارمحال و بختیاری، یزد، سمنان، ایلام، خراسان جنوبی و کهگیلویه و بویراحمد در سطح محروم قرار می‌گیرند (مسیبی و تقدیسی، ۱۳۹۲). به علاوه روند تغییرات نرخ بیکاری کل کشور در سال‌های ۱۳۸۴-۱۳۸۸ با روند شاخص‌های نابرابری منطقه‌ای رابطه معکوس داشته است. به عبارت دیگر، سیاست‌های کلان اقتصادی برای ایجاد فرصت‌های شغلی و کاهش نرخ بیکاری، همواره به نفع کاهش نابرابری‌های نرخ بیکاری در استان‌های کشور نبوده است (ازوجی، ۱۳۹۰).

بررسی‌ها نشان می‌دهد بین سطوح توسعه‌یافتگی استان‌های مرکزی و مرزی کشور عدم تجانس‌های شدیدی وجود دارد، به طوری که استان‌های مرکزی بسیار توسعه‌یافته‌تر از استان‌های مرزی هستند. به علاوه درون نواحی مرزی و مرکزی نیز نابرابری‌هایی مشاهده می‌شود که حکایت از سطوح مختلف توسعه در این نواحی دارد. باید توجه داشت تا زمانی که عوامل نابرابری درون منطقه‌ای کاهش پیدا نکند، نابرابری‌های برون منطقه‌ای نیز تقلیل نخواهد یافت (ابراهیم‌زاده و همکاران، ۱۳۹۱، توکلی‌نیا و شالی، ۱۳۹۱، تقوایی و وارثی، ۱۳۹۰، توکلی و همکاران، ۱۳۹۰ و سرائی و همکاران، ۱۳۹۰ و شیخ‌بیگللو، ۱۳۹۰ و زیاری و همکاران، ۱۳۸۹). همچنین در صورتی که نابرابری‌های ناحیه‌ای با روند فعلی تداوم یابد، به تضعیف وحدت ملی می‌انجامد و در آینده نابسامانی‌های بیشتر، به ویژه در نواحی مرزی دور از انتظار خواهد بود (جمالی و همکاران، ۱۳۸۸).

براساس مطالعات انجام شده الگوی فضایی مسلط بر کشور الگوی مرکز-پیرامون است (ابراهیم‌زاده و همکاران، ۱۳۹۱، پوراصغر سنگاچین و همکاران، ۱۳۹۱، شیخ‌بیگللو و همکاران، ۱۳۹۱، توکلی‌نیا و شالی، ۱۳۹۱ و عبدالله‌زاده و شریف‌زاده، ۱۳۹۱، تقوایی و وارثی، ۱۳۹۰، تقوایی و وارثی، ۱۳۹۰، سرائی و همکاران، ۱۳۹۰، شیخ‌بیگللو، ۱۳۹۰، قنبری و موسوی، ۱۳۹۰ و زیاری و همکاران، ۱۳۸۹). همچنین در طبقه‌بندی استان‌ها از منظر سطوح توسعه‌یافتگی مشاهده می‌شود استان‌های تهران، اصفهان، خراسان رضوی، فارس، یزد و قم به‌عنوان استان‌های توسعه‌یافته و استان‌های ایلام،



هرمزگان، خراسان جنوبی، بوشهر، خراسان شمالی و سیستان و بلوچستان به عنوان استان‌های محروم یا توسعه نیافته شناسایی شده‌اند (ابراهیم‌زاده و همکاران، ۱۳۹۱ و پوراصغر سنگاچین و همکاران، ۱۳۹۱ و سیف‌اله اسلامی، ۱۳۹۱ و عبدالله‌زاده و شریف‌زاده، ۱۳۹۱ و جمالی و همکاران، ۱۳۸۸، ملکی و شیخی، ۱۳۸۸ و جدیدی میاندشتی، ۱۳۸۳).

بررسی استان‌های کشور از منظر شاخص توسعه انسانی در سال ۱۳۸۵ نیز تقریباً نتایج مشابهی را به دست می‌دهد. به طوری که استان‌های تهران، سمنان، مازندران، یزد، اصفهان و فارس به عنوان استان‌های برخوردار شناسایی شده‌اند و استان‌های سیستان و بلوچستان، کهگیلویه و بویراحمد، خراسان شمالی، آذربایجان غربی، لرستان، هرمزگان، گلستان، کردستان و ایلام استان‌های محروم بوده‌اند (زینل‌زاده و همکاران، ۱۳۹۱، نیسی، ۱۳۸۹ و نوربخش، ۱۳۸۲). علی‌رغم بهبود شاخص توسعه انسانی در همه استان‌ها طی ۱۵ سال گذشته، استان‌های با کمترین و بیشترین مقدار شاخص توسعه انسانی تقریباً تغییر نکرده‌اند (نیسی، ۱۳۸۹).

نتایج محاسبه کارایی توسعه (حداکثر توسعه‌یافتگی با حداقل امکانات) در استان‌های کشور نیز با نتایج طبقه‌بندی توسعه‌ای استان‌ها همپوشانی دارد، به طوری که استان‌های مازندران و خراسان رضوی در ابتدای طیف کارایی توسعه و استان‌های لرستان، کهگیلویه و بویراحمد، آذربایجان غربی، سیستان و بلوچستان و کردستان در انتهای طیف رتبه‌بندی کارایی توسعه قرار گرفته‌اند (زیاری و همکاران، ۱۳۸۹).

بررسی توسعه‌یافتگی بخش کشاورزی در استان‌های کشور، نشان می‌دهد به طور کلی طی دوره ۱۳۷۲-۱۳۸۲ وضعیت توسعه بخش کشاورزی در استان‌های کشور بهبود یافته و از دوگانگی بین آنها کاسته شده است. براساس مطالعه انجام شده در این زمینه، استان‌های شمال کشور مانند گیلان و مازندران جزء استان‌های توسعه‌یافته بوده‌اند (فطرس و بهشتی‌فر، ۱۳۸۸ و تقوایی و پورطباطبایی، ۱۳۸۵) و در مقابل استان‌های هرمزگان، بوشهر و خوزستان که در جنوب کشور واقع شده‌اند، جزء استان‌های توسعه نیافته و کمتر توسعه یافته بوده‌اند. همچنین استان‌های غربی و شمال غربی کشور مانند ایلام، کردستان، چهارمحال و بختیاری، کهگیلویه و بویراحمد و اردبیل با وجود شرایط اقلیمی مناسب، جزء استان‌های توسعه نیافته و کمتر توسعه یافته بوده‌اند (همان).

براساس مطالعه انجام شده در زمینه شاخص رفاه، بین استان‌های کشور عدم تعادل‌های معناداری مشاهده می‌شود. به طوری که استان‌های تهران، اصفهان، بوشهر و مرکزی از بیشترین سطح رفاه برخوردار بوده و در مقابل استان‌های سیستان و بلوچستان، کردستان، کهگیلویه و بویراحمد، لرستان، کرمانشاه، ایلام و آذربایجان غربی دارای کمترین سطح رفاهی در کشور بوده و از متوسط رفاه نیز بسیار فاصله داشته‌اند. البته باید توجه داشت به منظور افزایش سطح رفاه در استان‌های مختلف، راه‌حل‌های متفاوتی وجود دارد. به عنوان مثال در برخی استان‌ها می‌توان از طریق افزایش درآمد سرانه و در برخی

دیگر با کاهش سطح نابرابری درون‌استانی، نابرابری‌ها را کاهش داد و به وضعیت رفاه بهبود بخشید (شهیکی‌تاش و همکاران، ۱۳۹۲). باید توجه داشت که اگرچه طی سال‌های ۱۳۷۹-۱۳۸۶ رفاه در بین خانوارهای شهری و روستایی کشور افزایش یافته و به عبارت دیگر از شدت فقر کاسته شده است، اما در همین زمان نابرابری‌های درآمدی افزایش یافته است. این افزایش به معنای افزایش اختلاف طبقاتی و متعاقباً افزایش فقر نسبی است (فرهمند و همکاران، ۱۳۹۱ و مولایی، ۱۳۸۶).

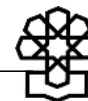
بررسی توسعه‌یافتگی فضاهای سیاسی-اداری کشور طی برنامه‌های اول تا سوم توسعه بعد از انقلاب اسلامی نشان می‌دهد شتاب توسعه (میزان تغییر درجه توسعه‌یافتگی استان‌های کشور در سال پایانی برنامه توسعه نسبت به سال ابتدایی همان برنامه)، در همه استان‌های کشور مثبت نبوده است. به طوری که درجه توسعه‌یافتگی ۲ استان (سیستان و بلوچستان و چهارمحال و بختیاری) در برنامه اول، ۱۵ استان (آذربایجان شرقی، آذربایجان غربی، ایلام، تهران، چهارمحال و بختیاری، خوزستان، زنجان، سمنان، سیستان و بلوچستان، کردستان، گیلان، مازندران، مرکزی، همدان، یزد) در برنامه دوم و ۱۷ استان (آذربایجان غربی، اصفهان، ایلام، تهران، خراسان، خوزستان، زنجان، سمنان، قم، کردستان، کرمان، کرمانشاه، کهگیلویه و بویراحمد، لرستان، مازندران، هرمزگان و همدان) در برنامه سوم، در سال پایان برنامه نسبت به سال آغاز آن از وضعیت بدتری برخوردار بوده است (احمدی‌پور و همکاران، ۱۳۸۶).

همچنین بررسی سیاست‌های دولت در راستای تسریع همگرایی‌های منطقه‌ای نشان می‌دهد که سیاست‌های مذکور ناموفق بوده است (رحمانی و عسگری، ۱۳۸۴ و رحمانی، ۱۳۸۳).

## ۲-۳. نابرابری منطقه‌ای از منظر شاخص‌های توسعه در شهرستان‌ها و دهستان‌های استان‌های کشور

شهرستان‌های هر استان در مطالعات انجام گرفته در زمینه نابرابری معمولاً از منظر سطوح توسعه‌یافتگی حداکثر تا پنج سطح کاملاً برخوردار، برخوردار، نیمه برخوردار، محروم و کاملاً محروم طبقه‌بندی شده‌اند. البته در برخی مقالات به جای واژه برخوردار از توسعه‌یافته و به جای واژه محروم از توسعه‌نیافته استفاده شده است.

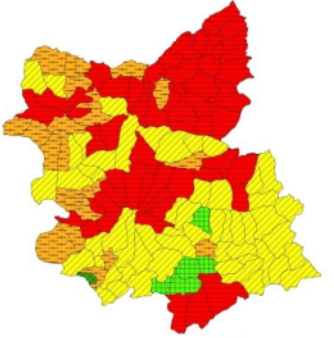



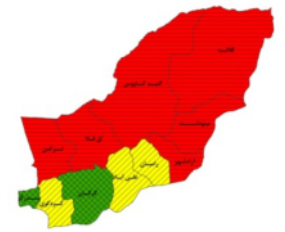

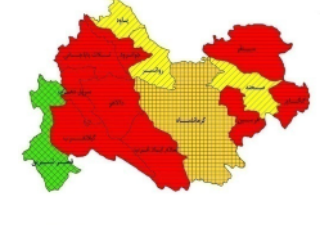
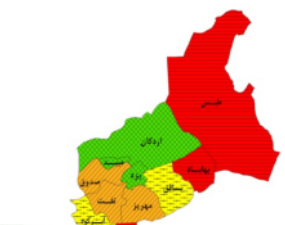
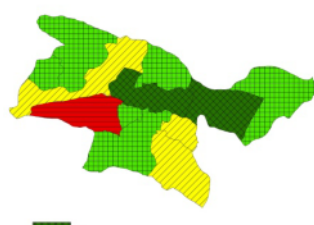
مطالعه انجام شده در ارتباط با سطوح توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان زنجان حکایت از وجود نابرابری در سطوح توسعه شهرستان‌های این استان دارد و الگوی توسعه‌ای حاکم بر این استان مرکز-پیرامون است. بر طبق این الگو مرکز از طریق جذب فرصت‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، امکانات، ثروت و نیروی کار متخصص از نواحی پیرامون، توسعه و گسترش فراوانی یافته است و تأثیرات پراکنشی و فضایی مفیدی را بر توسعه نواحی پیرامونی خود از لحاظ توسعه نداشته و چه بسا بر محرومیت آنها افزوده است (جلالی و همکاران، ۱۳۹۲). همچنین عواملی مانند دوری از مراکز



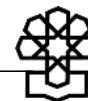
شهرستان‌ها و مرکز استان و فاصله از مسیر خطوط راه‌آهن و فاصله از مناطق جلگه‌ای و حاصلخیز، موجب افزایش محرومیت و عدم توسعه‌یافتگی می‌گردد (صفری و بیات، ۱۳۹۲، سرور و همکاران، ۱۳۸۹ و شالی و رضویان، ۱۳۸۹).

در مطالعات مشابه برای سطوح توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان خوزستان (ابراهیم‌زاده و همکاران، ۱۳۹۲، امانپور و همکاران، ۱۳۹۱ و نصرالهی و همکاران، ۱۳۹۰)، دهستان‌ها و شهرستان‌های استان آذربایجان شرقی (صفری و بیات، ۱۳۹۲ و زنگی‌آبادی و همکاران، ۱۳۹۰ و زیاری و همکاران، ۱۳۸۹ و سرور و همکاران، ۱۳۸۹ و جمالی و همکاران، ۱۳۸۹ و شالی و رضویان، ۱۳۸۹ و جمالی و همکاران، ۱۳۸۸)، شهرستان‌های استان همدان (تقوایی و صالحی، ۱۳۹۲)، دهستان‌ها و شهرستان‌های استان یزد (قائدرحمتی و همکاران، ۱۳۹۲ و بختیاری و همکاران، ۱۳۹۱)، شهرستان‌های استان چهارمحال و بختیاری (نظم‌فر و پادروندی، ۱۳۹۲)، شهرستان‌های استان تهران (جمعه‌پور، ۱۳۹۲)، شهرستان‌های استان کرمانشاه (توکلی، ۱۳۹۱ و پورمحمدی و همکاران، ۱۳۹۱)، شهرستان‌های استان آذربایجان غربی (فیضی‌زاده و همکاران، ۱۳۹۱ و حاتمی‌نژاد و همکاران، ۱۳۹۰ و داداش‌پور و همکاران، ۱۳۹۰)، شهرستان‌های استان مازندران (تقوایی و بهاری، ۱۳۹۱ و میرکتولی و کنعانی، ۱۳۹۰ و ضربایی و تبریزی، ۱۳۹۰)، شهرستان‌های استان مرکزی (حسینی و غفاری، ۱۳۹۱)، شهرستان‌های استان هرمزگان (تقوایی و صبوری، ۱۳۹۱)، شهرستان‌های استان خراسان رضوی (رهنما و آقاجانی، ۱۳۹۱ و زیاری و همکاران، ۱۳۸۹ و یاسوری، ۱۳۸۸)، شهرستان‌های استان لرستان (محمدی و همکاران، ۱۳۹۱)، شهرستان‌های استان اردبیل (معصومی و اثنی‌عشری، ۱۳۹۱)، شهرستان‌های استان کردستان (احدنژاد روشتی و همکاران، ۱۳۹۱)، مناطق روستایی استان سیستان و بلوچستان (ابراهیم‌زاده و رئیس‌پور، ۱۳۹۰ و قائدرحمتی و همکاران، ۱۳۸۹)، شهرستان‌های استان فارس (رضایی و عطار، ۱۳۹۰ و زنگی‌آبادی و اکبری، ۱۳۹۰، افشاری، ۱۳۸۸)، شهرستان‌های استان اصفهان (برقی و همکاران، ۱۳۹۰ و مؤمنی، ۱۳۸۸)، شهرستان‌های استان زنجان (لطیفی و سجاسی قیداری، ۱۳۹۰)، شهرستان‌های استان بوشهر (تقوایی و همکاران، ۱۳۹۰)، شهرستان‌های استان کرمان (اسدی، ۱۳۸۹) و شهرستان‌های استان گلستان (نسترن و فتاحی، ۱۳۸۸)، وجود نابرابری بین شهرستان‌های استان مربوطه و الگوی مرکز-پیرامون مورد تأیید قرار گرفته است.

نقشه نابرابری از منظر شاخص‌های توسعه در شهرستان‌های استان‌های کشور

سطوح توسعه یافتگی شهرستان‌های استان آذربایجان شرقی	سطوح توسعه یافتگی شهرستان‌های استان خوزستان	سطوح توسعه یافتگی شهرستان‌های استان زنجان
 <p>کاملاً توسعه یافته توسعه یافته گستر توسعه یافته محروم</p>	 <p>توسعه یافته توسعه یافته محروم کاملاً محروم</p>	 <p>توسعه یافته توسعه یافته گستر توسعه یافته محروم</p>
سطوح توسعه یافتگی شهرستان‌های استان چهارمحال و بختیاری	سطوح توسعه یافتگی شهرستان‌های استان گلستان	سطوح توسعه یافتگی شهرستان‌های استان همدان
 <p>توسعه یافته توسعه یافته محروم</p>	 <p>توسعه یافته توسعه یافته محروم</p>	 <p>توسعه یافته توسعه یافته محروم</p>
سطوح توسعه یافتگی شهرستان‌های استان کرمانشاه	سطوح توسعه یافتگی شهرستان‌های استان یزد	سطوح توسعه یافتگی شهرستان‌های استان تهران
 <p>توسعه یافته توسعه یافته گستر توسعه یافته توسعه یافته</p>	 <p>توسعه یافته توسعه یافته توسعه یافته محروم</p>	 <p>۱ ۲ ۳ ۴</p>





سطوح توسعه یافتگی شهرستان‌های استان هرمزگان	سطوح توسعه یافتگی شهرستان‌های استان خراسان رضوی	سطوح توسعه یافتگی شهرستان‌های استان مازندران
سطوح توسعه یافتگی شهرستان‌های استان آذربایجان غربی	سطوح توسعه یافتگی شهرستان‌های استان اردبیل	سطوح توسعه یافتگی شهرستان‌های استان لرستان
سطوح توسعه یافتگی شهرستان‌های استان زنجان	سطوح توسعه یافتگی شهرستان‌های استان بوشهر	سطوح توسعه یافتگی شهرستان‌های استان سیستان و بلوچستان

مأخذ: (جلالی و همکاران، ۱۳۹۲)، (ابراهیم‌زاده و همکاران، ۱۳۹۲)، (صفری و بیات، ۱۳۹۲)، (تقوایی و صالحی، ۱۳۹۲)، (نظم‌فر و پادروندی، ۱۳۹۲)، (پورمحمدی و همکاران، ۱۳۹۱)، (بختیاری و همکاران، ۱۳۹۱)، (تقوایی و بهاری، ۱۳۹۱)، (تقوایی و صبوری، ۱۳۹۱)، (محمدی و همکاران، ۱۳۹۱)، (معصومی و اثنی‌عشری، ۱۳۹۱)، (ابراهیم‌زاده و رئیس‌پور، ۱۳۹۰)، (داداش‌پور و همکاران، ۱۳۹۰)، (تقوایی و همکاران، ۱۳۹۰).

### ۳-۳. نابرابری منطقه‌ای از منظر شاخص‌های توسعه سلامت در استان‌های کشور

سلامت مقوله‌ای است که بر توسعه منطقه‌ای تأثیرگذار است و از آن نیز تأثیر می‌پذیرد. اولین گام جهت توسعه سلامت و کاهش شکاف سلامت میان مناطق و دستیابی به یک شناخت نسبتاً کامل از

وضعیت سلامت در مناطق است. مطالعات انجام شده در زمینه شاخص توسعه سلامت در کشور نشان می‌دهد که در بین استان‌های کشور نابرابری وجود دارد. از این منظر استان‌های ایلام، کهگیلویه و بویراحمد، خراسان جنوبی، سیستان و بلوچستان، اردبیل و بوشهر به‌عنوان استان‌های محروم و استان‌های تهران، خراسان رضوی و اصفهان به‌عنوان استان‌های برخوردار شناسایی شده‌اند (ضرابی و شیخ‌بیگلو، ۱۳۹۱ و طهارتی مهرجردی و همکاران، ۱۳۹۱). همچنین مشاهدات نشان می‌دهد میانگین هزینه‌های مربوط به بخش سلامت در استان‌های مرزی کمتر از استان‌های مرکزی است (واقعی و همکاران، ۱۳۹۰).

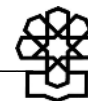
نتایج مطالعات انجام شده در زمینه توسعه سلامت در استان بوشهر، نشان می‌دهد اختلاف و شکاف زیادی در بهره‌مندی شهرستان‌ها از شاخص‌های ساختاری بهداشت و درمان وجود دارد. به طوری که تنها یک شهرستان در سطح نسبتاً توسعه‌یافته، پنج شهرستان در سطح کمتر توسعه‌یافته و سه شهرستان در سطح توسعه‌نیافته قرار گرفته‌اند.

البته باید توجه داشت برخورداری یک شهرستان از شاخص‌های ساختاری بهداشت و درمان، دلیلی بر بالا بودن کیفیت خدمات ارائه شده نیست و این برخورداری تنها نشان می‌دهد که شهرستان مذکور از لحاظ کمی با مشکل امکانات و تسهیلات سلامت مواجه نیست. همچنین در سایر مطالعات انجام شده بر روی بخش سلامت برای استان‌های کرمانشاه، اصفهان، گلستان، کرمان، آذربایجان غربی و گیلان نیز نتایج مشابهی در مورد شکاف بهره‌مندی از شاخص‌های بهداشت و درمان حاصل شده است (صادقی‌فر و همکاران، ۱۳۹۳ و تقدیسی و همکاران، ۱۳۹۱).

#### ۳-۴. تأثیر نابرابری منطقه‌ای بر روند مهاجرت

یکی از ویژگی‌های ساختار اقتصادی-اجتماعی ایران، پیشرفت چند منطقه از مجموعه مناطق کشور است. توان تولیدی و قابلیت‌های اقتصادی این مناطق موجب انتقال سرمایه‌های فیزیکی و انسانی به آنها می‌شود. این در حالی است که سایر مناطق از منافع توسعه بی‌بهره می‌مانند. این ناهماهنگی دارای عوارضی نظیر نابرابری‌های درآمدی و محرومیت‌های اقتصادی-اجتماعی بخش‌هایی از کشور است که منجر به مهاجرت‌های بی‌رویه می‌گردد.

همچنین تفاوت‌ها و نابرابری‌های چشمگیر میان شهری و روستا موجب افزایش مهاجرت روستا به شهر و افزایش نرخ شهرنشینی شده است. این شهرگرایی سریع، خود مسائل زیادی را به صورت بیکاری، مشکل مسکن، حاشیه‌نشینی در شهرها و ... به وجود آورده است. براساس آمار سرشماری سال‌های ۱۳۴۵ تا ۱۳۸۵، روند مهاجرت‌ها و مقصد آنها به صورت زیر بوده است (زمانی، ۱۳۸۸):



شهر مهاجر پذیر	تعداد مهاجران (میلیون نفر)	سال
مرکزی	۲	۱۳۳۵
مرکزی،* خوزستان و مازندران	۳،۲	۱۳۴۵
مهاجرت بیشتر در داخل استان‌ها بوده و مراکز استان‌ها به صورت جاذب جمعیت عمل کرده‌اند	۱۱	۱۳۶۵
اغلب مهاجرت‌ها به مناطق شهری	۸	۱۳۷۵
تهران،** خراسان رضوی، فارس، خوزستان، مازندران	۱۲	۱۳۸۵

\* استان تهران فعلی در آن زمان جزء استان مرکزی نامیده می شد و ۶۷ درصد کل مهاجران را به خود اختصاص داده است.

\*\* ۴۱ درصد از مهاجرت‌ها از استان به استان بوده که تهران بیشترین سهم را داشته است و ۵۹ درصد مهاجرت‌ها داخل استان‌ها شکل گرفته است.

به‌طور کلی، تهران با در نظر گرفتن مهاجران وارد شده و مهاجران خارج شده، بیشترین میزان خالص مهاجرت سالیانه را در طی دهه اخیر دارا بوده است. استان‌های یزد، قم و بوشهر بعد از تهران بیشترین میزان خالص مهاجرت سالیانه را داشته‌اند. استان‌های کرمانشاه، همدان، اردبیل، کردستان و لرستان نیز به ترتیب کمترین میزان خالص مهاجرت را دارند.

اهمیت استان تهران به‌عنوان مقصد مهاجرت همچنان در حال افزایش است. با توجه به تمرکز امکانات و مزایا در این استان و محرومیت نسبی سایر مناطق، می‌توان روند افزایش مهاجرت به پایتخت و سایر کلان‌شهرها را در آینده نیز پیش‌بینی کرد (زمانی، ۱۳۸۸).

به‌علاوه براساس مطالعات انجام شده در زمینه نابرابری، مشاهده می‌شود با افزایش مهاجرت به سمت شهرهای بزرگ (به دلیل اوضاع نامطلوب اقتصادی، اجتماعی و ... در مناطق توسعه‌نیافته و کمتر توسعه‌یافته) معمولاً روستاها و شهرهای کوچک از نیروی کار متخصص خالی شده‌اند که این خود می‌تواند روند توسعه مناطق کمتر توسعه‌یافته را با مشکلات اساسی روبرو سازد (تقوایی و صالحی، ۱۳۹۲ و فائدرحمتی و همکاران، ۱۳۹۲ و زیوار و فرجی ملائی، ۱۳۹۱ و زیاری و همکاران، ۱۳۸۹ و سرور و همکاران، ۱۳۸۹ و جمالی و همکاران، ۱۳۸۸ و تقوایی و رضایی، ۱۳۸۷).

### ۵-۳. تأثیر برنامه‌های توسعه بر همگرایی و واگرایی گروه‌های قومی در ایران

جامعه‌ای که دارای گروه‌های قومی متنوعی است در مقایسه با جامعه‌ای که از تنوع قومی برخوردار نیست، به شیوه تدوین برنامه متفاوتی نیاز دارد، لذا اگر برنامه‌های توسعه به صورت مناسب و صحیح تدوین شوند، عامل همگرایی اجتماعی و فرهنگی گروه‌های قومی جامعه خواهند بود.

در تدوین برنامه‌های توسعه باید توجه داشت که توسعه فقط به معنی به کار بردن نظریه‌های توسعه و مدل‌های رشد نیست، بلکه توسعه محصول است و دستیابی به این محصول به سخت‌کوشی،

خلاقیت، ابتکار و صرف وقت نیاز دارد. توسعه فرآیندی تحولی است و از این رو شناخت مردم، فرهنگ، تاریخ، مذهب، اعتقادات، نگرش‌ها و احساساتشان مسئله بسیار مهمی است. به‌لحاظ تاریخی گروه‌های قومی متفاوتی در ایران استقرار یافته‌اند که بعضاً با اقوامی در کشورهای همسایه فعلی رابطه تاریخی، قومی و فرهنگی دارند. وضعیت موجود گروه‌های قومی در ایران بیانگر معضلات و مشکلاتی در مناطق قومی است. به طوری که توجه بیشتر به شهرهای بزرگ در مناطق مرکزی و مغفول ماندن نواحی مرزی، موجب نابرابری در دستیابی به امکانات و فرصت‌ها میان مناطق قومی و توسعه نامتوازن و محرومیت آنها شده است (سیف‌اللهی، ۱۳۸۸).

### ۳-۶. چالش‌های برنامه‌ریزی توسعه منطقه‌ای با تأکید بر آسیب‌شناسی مدیریت توسعه

بررسی فرآیند توسعه کشور نشان‌دهنده وجود آسیب‌هایی در حوزه مدیریت است که می‌تواند آنها را به دو دسته کلی تقسیم کرد:

۱. آسیب‌های نظری: آسیب‌هایی که ناشی از اندیشه و تفکر و یا به عبارت دقیق‌تر، ناشی از نظریه‌ها، مبانی نظری و رویکردهای انتخاب شده برای توسعه کشور است.
۲. آسیب‌های عملی (اجرایی): آسیب‌ها و ناهنجاری‌های اجرایی و عملیاتی توسعه.

#### ۱-۳-۶. آسیب‌های نظری

##### - نبود مکتب فکری معین علمی

یکی از مهم‌ترین مسائلی که توسعه و مدیریت آن را آسیب‌پذیر می‌کند، نبود مکتب فکری معین و شفاف برای توسعه کشور است. از مهم‌ترین موانع توسعه این است که اصالت فکر و اندیشه وجود نداشته باشد. جامعه زمانی می‌تواند مشکلات خود را حل کند که دارای سازمان‌ها و نهادهایی برای نظریه‌پردازی و ایجاد مکتب فکری باشد. این اصالت تفکر و اندیشه به معنای ایجاد مکتبی اندیشه‌ای است<sup>۱</sup> و ضعف آن بر فرآیند توسعه و مدیریت توسعه تأثیری منفی می‌گذارد (ترابی، ۱۳۸۴، شیخی، ۱۳۷۶ و سیف‌الدینی و پناهنده‌خواه،<sup>۲</sup> ۱۳۸۹).

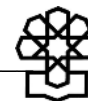
#### - انتخاب چارچوب نظری نامطمئن برای توسعه کشور توسط سیاستگذاران و تصمیم‌گیرندگان (مدیران)

مطالعات انجام شده نشان می‌دهد که برنامه‌های توسعه قبل از انقلاب متأثر از مکتب وابستگی بوده است.<sup>۳</sup> پس از انقلاب نیز به رغم تلاش‌های نخبگان سیاسی، مدیران دچار نوعی بحران تصمیم‌گیری و

۱. ترابی (۱۳۸۴) به نقل از حسین عظیمی.

۲. سیف‌الدینی و پناهنده‌خواه (۱۳۸۹)، در مطالعه خود از این موضوع با عنوان چالش مفهومی یاد کرده‌اند.

۳. شیخی (۱۳۶۹) در مطالعه خود نابرابری‌های منطقه‌ای را نتیجه اجرای طرح میسرا و قطبی‌شدن اقتصاد کشور می‌داند.



انتخاب برای جایگزینی رویکردی جدید بودند و ناچار به سمت مکتب وابستگی سوق پیدا کردند (ترابی، ۱۳۸۴).

### – عدم اجماع نظر نخبگان سیاسی و تصمیم‌گیرندگان کشور

در ایران عدم اجماع نظر قابل قبول و اختلاف شدید در ابعاد مختلف پدیده توسعه میان نخبگان فکری و سیاسی وجود دارد (ترابی، ۱۳۸۴).

### – تمرکزگرایی سیاسی – اداری

به علت وجود سیستم برنامه‌ریزی مرکزی و تسلط برنامه‌ریزی کلان اقتصادی، برنامه‌ریزی منطقه‌ای همواره تحت تأثیر برنامه‌های کلان و بخشی قرار داشته و در جهت آن هدایت شده است (سیف‌الدینی و پناهنده‌خواه، ۱۳۸۹).

### – بخشی‌نگری در برنامه‌ریزی‌ها

اجرای بخشی و دیدگاه رشد اقتصادی در تهیه تمامی برنامه‌های میان‌مدت توسعه کشور طی ۵۰ سال گذشته مانعی بزرگ برای مشارکت برنامه‌های منطقه‌ای در روند تهیه برنامه بوده است. در نظام بخشی‌نگر، مناطق (استان‌ها) در تهیه و تنظیم برنامه‌های توسعه کشور مشارکت جدی و سازمان‌یافته ندارند. به همین دلیل برنامه‌های توسعه فارغ از توانمندی‌ها، ظرفیت‌ها و محدودیت‌های مناطق کشور تهیه شده‌اند و بنابراین، برنامه‌های مذکور، نمی‌توانند متضمن توسعه و رشد برای کشور باشند (همان).

### – ابهام در جایگاه قانونی برنامه‌ریزی منطقه‌ای

برنامه‌ریزی منطقه‌ای در ایران، چه از جنبه نهادی و روند برنامه‌ریزی و چه از جنبه نظری و محصول برنامه‌ریزی، در پیوند با برنامه‌ریزی‌های ملی (عمدتاً با دیدگاه بخشی) و برنامه‌ریزی‌های محلی (عمدتاً با دیدگاه‌های کالبدی) دارای جایگاه قانونی و نقش کارآمدی نیست. ابهام در جایگاه قانونی، مسئولیت و نحوه تهیه و نظارت طرح‌های منطقه‌ای و آمایشی و فقدان تقسیم کار مشخص بین دستگاه‌های ذی‌ربط عملاً در برخورد با رقابت بین‌دستگاهی موجب شکل‌گیری حرکت موازی در تهیه طرح‌ها و برنامه‌های منطقه‌ای شده است، به نحوی که گاه با اهدافی نسبتاً مشترک و با صرف هزینه و نیروی فراوان، دو یا چند دستگاه، بدون ارتباط با یکدیگر و بی‌توجهی به نتایج طرح‌های تهیه شده یا در دست تهیه، طرح‌های منطقه‌ای واحدی تهیه کرده و هر یک به نتایج دلخواه خود رسیده‌اند (همان).

### ۲-۶-۳. آسیب‌های عملی

#### – ضعف، کاستی و خامی در برنامه‌ریزی

یکی از آسیب‌های مهم مدیریت توسعه، اشکالات موجود در راهبرد و برنامه‌ریزی توسعه است که متناسب با شرایط و ویژگی‌های بومی جامعه ایران طراحی نشده است. برنامه‌های توسعه باید از پنج ویژگی برخوردار باشند که در کشور ما این پنج ویژگی تحقق نیافته است:

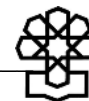
۱. برنامه باید با ارائه ترازنامه انسانی<sup>۱</sup> جامع آغاز شود و برای آن باید سرمایه‌گذاری کافی صورت گیرد. یعنی برآورد شود چه منابع انسانی در کشور وجود دارد؟ وضعیت آموزش نیروهای انسانی چگونه است؟ چه مهارت‌هایی وجود دارد؟ فقر و توزیع درآمد چگونه است؟ میزان بیکاری و اشتغال چگونه است؟ وضعیت دموگرافیکی جمعیت چگونه است؟
۲. جهت‌گیری‌های برنامه باید با توجه به نیازهای بنیادین انسانی تبیین شوند و سپس به جهت‌گیری‌های مادی و فیزیکی تولید بپردازند. به بیان دیگر باید معین شود که کشور با درآمد سرانه فعلی و میزان رشد پیش‌بینی شده در چه سطحی می‌تواند تأمین‌کننده نیازهای اساسی جامعه مردم باشد.
۳. برنامه توسعه باید متناسب با آنچه کشور تولید می‌کند، نحوه توزیع مبتنی بر عدالت تولید ملی را تعیین کند و جهت‌گیری برنامه به سمت تأمین نیازهای اقشار مستضعف و فقیر جامعه و همچنین، ایجاد اشتغال حرکت کند.
۴. برنامه توسعه باید از مشارکت‌های مردمی، بخش عمومی جامعه، بخش غیردولتی و جامعه مدنی برخوردار باشد.
۵. برنامه توسعه باید توانایی نمایش دادن رشد شاخص‌های بهره‌مندی مردم و کاهش ضریب فقر را داشته باشد و بتواند نشان دهد که مردم به چه میزان از رشد دست یافته‌اند (ترابی، ۱۳۸۴ و ایزانلو و خداپرست،<sup>۲</sup> ۱۳۹۰).

### – عدم کارآیی لازم برخی مدیران و تصمیم‌گیران

- اگر مدیر فردی باشد که در مورد به دست آوردن بهترین بازده، در خصوص ترکیب عوامل تولید تصمیم می‌گیرد، در این صورت سازمان‌های دولتی به دلایل زیر در مدیریت نقش اساسی خود را ایفا نمی‌کنند:
۱. تخصیص منابع در کل جامعه براساس معیار عقلانیت فنی و اخلاقی انجام نمی‌پذیرد.
  ۲. کارآمدی مدیریت عمده‌تاً در حد پایین قرار دارد.
  ۳. مدیریت ابزار لازم را برای اعمال مدیریت در اختیار ندارد.
- متأسفانه مشاهده می‌شود مدیران کمتر برمبنای شاخص‌های علمی و شایسته‌سالاری منصوب می‌شوند و متغیرهایی نظیر شاخص‌های فامیلی، جناحی، سیاسی و ... بر سایر شاخص‌ها غلبه دارد. علاوه بر این چندشغله بودن مدیران نیز می‌تواند در عدم کارآیی آنها اثرگذار باشد (ترابی، ۱۳۸۴ و سیف‌الدینی و پناهنده‌خواه،<sup>۳</sup> ۱۳۸۹).

#### 1. Human Balance Sheet

۱. ایزانلو و خداپرست (۱۳۹۰)، در مقاله خود در این ارتباط به ضعف سرمایه انسانی اشاره کرده‌اند.
۲. سیف‌الدینی و پناهنده‌خواه (۱۳۸۹)، از این مسئله با عنوان فقدان فرهنگ برنامه‌ریزی و برنامه‌پذیری در سطح مدیریتی کشور و کمبود نیروی متخصص یاد کرده‌اند.



### – سازمان دولتی ضعیف و وجود فساد اداری

انجام تغییرات سریع و شتابزده گروهی و جناحی در ساختار سازمان‌های دولتی و همچنین تغییرات و جابجایی‌های گسترده در سطوح مدیران با تغییر وزیر و یا مسئول اصلی، از آفات سازمان‌های دولتی به شمار می‌روند که تأثیری اساسی بر مدیریت توسعه کشور دارد. انتصاب‌های توصیه‌ای که رنگ و بوی قبيله‌گرایانه و قومیت‌مدارانه دارند، زمینه‌ساز پیدایش فساد اداری و سوءمدیریت و ناکارآمدی سازمان‌های اجرایی دولتی می‌شوند (ترابی، ۱۳۸۴).

### – ضعف در نظارت و کنترل

نظارت یکی از عوامل مهم و مؤثر بر اثربخشی فرآیند مدیریت توسعه است. در ایران فرآیند نظارت ضعف‌ها و کاستی‌های جدی دارد. به‌طوری که حتی نظارت‌هایی که باعث عزل برخی مدیران ناشایست و ناکارآمد گردیده، اثربخش نبوده و بعضاً مدیر خاطی به شکل دیگری در سایر بخش‌های دولتی به کار گرفته شده است. در کشور ما اگر مسئول متخلفی بازخواست شود، با سیاسی شدن موضوع، اصل مسئله فراموش می‌شود و نتیجه اینکه گویی مسئولان از مصونیت قضایی بالایی برخوردارند! و در عمل کمتر بازخواست و تنبیه می‌شوند! (ترابی، ۱۳۸۴؛ ایزانلو و خداپرست، ۱۳۹۰).

### – تضعیف بخش خصوصی و فساد اقتصادی

بررسی تاریخ معاصر کشور نشان‌دهنده بی‌رونقی بخش خصوصی و ضعف اساسی آن در کشور است. تمرکززدایی و سپردن بخش‌هایی از امور اقتصادی به بخش خصوصی، رشد قابل توجهی نداشته است و فضای رانتی در مدیریت صنعتی و اقتصادی کشور مانع از شفاف‌سازی فعالیت‌های اقتصادی بخش خصوصی و دولتی در فرآیند توسعه می‌شود (ترابی، ۱۳۸۴ و ایزانلو و خداپرست، ۱۳۹۰).

### – ضعف سرمایه‌های آماری و اطلاعاتی

زمانبر بودن فرآیندها، عدم تبیین شاخص‌های کلیدی اقتصادی، مالی، عملکردی بخش‌های اقتصادی استان و پایش آنها، نبود زیرساخت الکترونیکی آماری جامع بخش‌های اقتصادی استان جهت پایش سریع تغییرات، ارائه آمار بخش‌های اقتصادی استان به شکل ناکارآمد و عدم یکپارچگی آنها، عدم وجود شاخص‌های کلیدی نظارتی دستگاه‌های متولی نظارت بر بازارهای استان و متعاقباً عدم آگاهی از ماهیت عملکرد آن دستگاه‌ها بر افزایش و یا کاهش تخلفات (ایزانلو و خداپرست، ۱۳۹۰ و سیف‌الدینی و پناهنده‌خواه، ۱۳۸۹).

### – ضعف سرمایه‌های مالی

روند افزایش بدهی‌های معوق واحدهای تولیدی، بالاتر بودن شاخص نسبت مصارف به منابع بانکی، نسبت بحرانی مصارف به منابع بانکی استانی، جمع‌آوری خروج سپرده‌های خرد استانی توسط مؤسسات مالی و اعتباری و انتقال به خارج از استان، عدم عزم و اراده دستگاه‌های استانی به لزوم

جذب سرمایه‌گذاران، عدم وجود توانمندی مدیران استانی جهت هزینه‌کرد کارآمد اعتبارات تخصیصی و عدم وجود توانمندی جهت جذب اعتبارات و منابع متمرکز ملی یا استفاده از ظرفیت‌های قانونی حمایتی مبنی بر لزوم برخورداری از بودن استان‌های محروم‌تر (ایزانلو و خداپرست، ۱۳۹۰).

#### – ضعف سرمایه‌های توزیعی

تولیدمحور نبودن استان‌های محروم و وارداتی بودن اغلب کالاهای مصرفی، عدم وجود شبکه توزیعی کارآ و اثربخش ارتباط‌دهنده بخش تولید و مصرف، وجود واسطه‌گران و دلالان فراوان در زنجیره تولید به مصرف و متعاقباً افزایش چشمگیر قیمت محصولات مصرفی ناشی از افزایش هزینه مبادله، بالاتر بودن سطح عمومی قیمت‌ها از میانگین کشوری و دارا بودن سطوح بالاتر از میانگین کشوری شاخص سطح عمومی قیمت‌ها (همان).

#### – وابستگی به درآمدهای نفتی

وابستگی بخش بزرگی از درآمد ملی کشور به نفت و گاز و فرآورده‌های جانبی آنها، باعث افزایش میزان آسیب‌پذیری نظام برنامه‌ریزی کشور شده است، به طوری که ماهیت، عملکرد و تحقق بسیاری از برنامه‌های توسعه اقتصادی و اجتماعی (چه قبل و چه بعد از انقلاب) به شدت تحت تأثیر نوسانات قیمت در بازارهای جهانی بوده است. وابستگی به درآمدهای نفتی در بودجه جاری، حقوق و مزایا، پاداش‌ها و اضافه‌کاری‌های بی‌حساب و کتاب نیز پیش رفته است (سیف‌الدینی و پناهنده‌خواه، ۱۳۸۹ و اسدی، ۱۳۶۹).

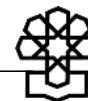
همچنین ضعف مدیریتی در برخی موارد موجب عدم استفاده از ظرفیت‌های بخش‌های مختلف اقتصادی از جمله بخش کشاورزی می‌شود. این امر می‌تواند منجر به بروز نابرابری‌های منطقه‌ای شود (توکلی، ۱۳۹۲).

#### ۴. پیشنهاد‌های ارائه شده

به منظور کاهش نابرابری‌های منطقه‌ای در ایران لازم است سیاست‌های زیر در سطوح مختلف به اجرا درآید (پیشنهاد‌های زیر توسط برخی محققان و با توجه به مجموع مقالاتی که در این مطالعه مورد بررسی قرار گرفته، ارائه شده است):

۱. برای دستیابی به تعادل‌های منطقه‌ای در شهرستان‌های یک استان، باید نوعی عدم تمرکز در ارائه خدمات، سرمایه‌گذاری‌های نوین و ایجاد زیرساخت‌ها، مورد توجه سیاستگذاران، برنامه‌ریزان و مدیران ارشد استان قرار گیرد (جلالی و همکاران، ۱۳۹۲ و پورمحمدی و همکاران، ۱۳۹۱ و تقوایی و بهاری، ۱۳۹۱ و محمدی و همکاران، ۱۳۹۱ و احدنژاد روستی و همکاران، ۱۳۹۱ و زیاری و همکاران، ۱۳۸۹ و اسدی، ۱۳۸۹).





۲. علاوه بر تمرکززدایی در سطح کلان، در سطح خرد نیز می‌توان از طریق تقویت مراکز شهری کوچک و شهرهای میانی در تقویت و توسعه نواحی محروم گام برداشت (جلالی و همکاران، ۱۳۹۲ و تقوایی و صالحی، ۱۳۹۲ و جمعه‌پور، ۱۳۹۲ و قنبری و موسوی، ۱۳۹۰ و اسدی، ۱۳۸۹ و جمالی و همکاران، ۱۳۸۸ و تقوایی و رضایی، ۱۳۸۷).
۳. برای کاهش نابرابری‌های منطقه‌ای، احداث مراکز آموزش‌های فنی و حرفه‌ای می‌تواند به‌عنوان راهکار بلندمدت، اصلاح بافت و ساختار راه‌های ارتباطی و تسریع و تسهیل خدمات‌رسانی به دهستان‌ها و شهرستان‌ها از این طریق، به‌عنوان برنامه میان‌مدت و استفاده از بذره‌های اصلاح شده، استفاده از ماشین‌آلات کشاورزی مدرن و آبیاری تحت فشار و توسعه صنایع تبدیلی به‌عنوان برنامه کوتاه‌مدت مورد توجه قرار گیرد (صفری و بیات، ۱۳۹۲ و توکلی، ۱۳۹۱ و محمودزاده و علمی، ۱۳۹۱ و احدنژاد روشتی و همکاران، ۱۳۹۱ و جمالی و همکاران، ۱۳۸۸).
۴. افزایش تولیدات دانش‌محور و استفاده از تکنولوژی‌های نوین در تولید، می‌تواند به‌عنوان یک راهبرد اساسی جهت دستیابی به توسعه متوازن در سطح استان مورد توجه قرار گیرد (تقوایی و صالحی، ۱۳۹۲ و محمودزاده و علمی، ۱۳۹۱ و زیاری و همکاران، ۱۳۸۹).
۵. گسترش و توسعه امکانات و خدمات گردشگری در نواحی مستعد طبیعی و میراث فرهنگی استان‌ها و توسعه صنایع‌دستی می‌تواند موجب توسعه استان‌ها و کاهش نابرابری گردد (تقوایی و صالحی، ۱۳۹۲ و قائدرحمتی و همکاران، ۱۳۹۲ و نظم‌فر و پادروندی، ۱۳۹۲ و مسیبی و تقدیسی، ۱۳۹۲ و حاتمی‌نژاد و همکاران، ۱۳۹۰ و قنبری و موسوی، ۱۳۹۰ و زیاری و همکاران، ۱۳۸۹ و جمالی و همکاران، ۱۳۸۸).
۶. به دلیل مهاجرت به سمت شهرهای بزرگ، معمولاً روستاها و شهرهای کوچک از نیروی متخصص خالی شده‌اند. عمده‌ترین علت این مهاجرت‌ها اوضاع نامناسب اقتصادی، نابرابری‌های مزد در شهر و روستا، عدم برخورداری از امکانات و خدمات شهری مطلوب و بیکاری بوده است. بنابراین به منظور کاهش نابرابری‌های منطقه‌ای در سطح استان، ضروری است تمهیداتی جهت بهبود شرایط در مناطق مذکور و کاهش مهاجرت‌های شهری، اندیشیده شود (تقوایی و صالحی، ۱۳۹۲ و قائدرحمتی و همکاران، ۱۳۹۲ و زیوار و فرجی ملائی، ۱۳۹۱ و زیاری و همکاران، ۱۳۸۹ و سرور و همکاران، ۱۳۸۹ و جمالی و همکاران، ۱۳۸۸ و تقوایی و رضایی، ۱۳۸۷).
۷. ساماندهی و تقویت تشکلهای دولتی و غیردولتی در زمینه توسعه منطقه‌ای در سطح استان و واگذاری امور به آنها در چارچوب قانون می‌تواند در کاهش نابرابری‌های منطقه‌ای مؤثر باشد (پورمحمدی و همکاران، ۱۳۹۱ و یاسوری، ۱۳۸۸).
۸. به‌منظور کاهش نابرابری‌ها در سطح استان باید تقویت زیرساخت‌های زیربنایی، ارتباطی،

رفاهی و بهداشتی در اولویت قرار گیرد (تقوایی و صبوری، ۱۳۹۱ و عبدالله‌زاده و شریف‌زاده، ۱۳۹۱ و محمدی و همکاران، ۱۳۹۱ و معصومی و اثنی‌عشری، ۱۳۹۱، احدنژاد روشتی و همکاران، ۱۳۹۱ و حاتمی‌نژاد و همکاران، ۱۳۹۰ و ابراهیم‌زاده و رئیس‌پور، ۱۳۹۰ و زنگی‌آبادی و همکاران، ۱۳۹۰ و برقی و همکاران، ۱۳۹۰ و زنگی‌آبادی و اکبری، ۱۳۹۰ شیخ‌بیگللو، ۱۳۹۰ و واقعی و همکاران، ۱۳۹۰ و داداش‌پور و همکاران، ۱۳۹۰ و زیاری و همکاران، ۱۳۸۹ و اسدی، ۱۳۸۹ و سرور و همکاران، ۱۳۸۹ و جمالی و همکاران، ۱۳۸۹ و شالی و رضویان، ۱۳۸۹ و جمالی و همکاران، ۱۳۸۸ و مؤمنی، ۱۳۸۸ و اسدی، ۱۳۷۱).

۹. ایجاد واحدهای کوچک‌مقیاس صنعتی با سرمایه‌گذاری‌های مستقیم و یا مشارکت بنگاه‌های بزرگ اقتصادی دولتی و بخش عمومی در شهرستان‌های کمتر توسعه‌یافته می‌تواند از شکاف نابرابری در استان‌ها بکاهد (حاتمی‌نژاد و همکاران، ۱۳۹۰ و تقوایی و رضایی، ۱۳۸۷).

۱۰. اعطای تسهیلات و معافیت‌های لازم و حمایت‌های مالیاتی و بانکی مؤثر برای تشویق سرمایه‌گذاری بخش خصوصی می‌تواند منجر به افزایش تولید و در نتیجه کاهش نابرابری‌ها گردد (حاتمی‌نژاد و همکاران، ۱۳۹۰ و زیاری و همکاران، ۱۳۸۹ و سرور و همکاران، ۱۳۸۹ و شیخی، ۱۳۷۶ و اسدی، ۱۳۶۹).

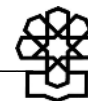
۱۱. تقویت تجارت مرزی می‌تواند منجر به توسعه شهرستان‌های مرزی شده و از این طریق از شکاف نابرابری در استان بکاهد (حاتمی‌نژاد و همکاران، ۱۳۹۰ و سرور و همکاران، ۱۳۸۹ و قائد رحمتی و همکاران، ۱۳۸۹).

۱۲. جهت دستیابی به نتیجه مطلوب و کاهش نابرابری‌های منطقه‌ای، استراتژی‌های اتخاذ شده جهت برنامه‌ریزی باید با شرایط مختلف شهرستان‌های استان تطابق داشته باشد. همچنین به منظور فراهم‌سازی زمینه کلی توسعه استان ضرورت دارد تا از وجود منابع متعدد طبیعی و انسانی در جای جای استان بهره‌برداری بهینه گردد (تقوایی و همکاران، ۱۳۹۰ و سرور و همکاران، ۱۳۸۹ و یاسوری، ۱۳۸۸).

۱۳. به‌کارگیری سیاست‌های اشتغال‌زایی در مناطق محروم می‌تواند از شدت نابرابری‌های منطقه‌ای بکاهد (زیاری و همکاران، ۱۳۸۹).

۱۴. پیشنهاد می‌شود سرمایه‌گذاری‌های دولتی و حمایت از بخش خصوصی براساس اصول عدالت اجتماعی و در جهت کاهش نابرابری‌های منطقه‌ای ناموجه در استان، به نفع شهرستان‌های محروم و توسعه‌نیافته صورت گرفته و تلاش در جهت رفع نابرابری‌ها به عمل آید (شالی و رضویان، ۱۳۸۹).

۱۵. به‌منظور کاهش نابرابری‌ها پیشنهاد می‌شود که در سیاست‌های فقرزدایی کشور به عوامل کاهش‌دهنده میزان نابرابری به تفکیک مناطق شهری و روستایی و پرداخت هدفمند یارانه‌ها توجه شود (افشاری، ۱۳۸۸).



۱۶. هماهنگی فعالیت‌های بازتوزیعی دستگاه‌های اجرایی، بانک‌ها، مؤسسات خیریه و غیره به‌منظور کاهش نابرابری‌های درآمدی و تخصیص بهینه منابع، می‌تواند در کاهش نابرابری‌های منطقه‌ای مؤثر باشد (همان).

۱۷. پیشنهاد می‌شود در اعمال سیاست‌ها و برنامه‌های توسعه کشور، در تخصیص منابع به استان‌هایی که مناطق روستایی آنها از نابرابری بیشتری رنج می‌برند، تلاش بیشتری شود. همچنین نظارت مناسبی بر روی تخصیص کارآمد منابع بین مناطق شهری و روستایی صورت گیرد (مردانی و کرمی، ۱۳۹۲).

۱۸. با توجه به تأثیر برابری فرصت‌های آموزشی در توازن اجتماعی، به نظر می‌رسد لازم است سیاستگذاران امر آموزش به مقوله ایجاد برابری آموزشی در استان‌ها اهتمام ویژه‌ای داشته باشند و از این طریق بر توزیع درآمد اثر بگذارند (کاخکی و همکاران، ۱۳۹۲ و امانپور و همکاران، ۱۳۹۱ و تقوایی و صبوری، ۱۳۹۱ و زینلزاده و همکاران، ۱۳۹۱ و ازوجی، ۱۳۹۰ و زنگی‌آبادی و اکبری، ۱۳۹۰ و شیخی، ۱۳۷۶).

۱۹. در ایران شهرهای بزرگ، به خصوص تهران، کانون فعالیت‌های اقتصادی هستند و این امر به خاطر صرفه‌های ناشی از تجمع منجر به گسترش و تمرکز مراکز تجاری و صنعتی بزرگ و فعالیت‌های خدماتی وابسته به آن شده است. این مسئله نه تنها ثروت و سرمایه را از استان‌های دیگر خارج می‌کند، بلکه مهاجرت را تسریع می‌کند و افراد در جستجوی کار به‌سوی این مناطق سرازیر می‌شوند. این امر می‌تواند منجر به افزایش واگرایی بین استان‌ها شود. از دیگر آثار سوء این مسئله زاغه‌نشینی، آلودگی‌های زیست‌محیطی، مشکلات ترافیکی، تورم، افزایش جرم و بزهکاری و ... است، لذا تمرکززدایی اقتصادی از پایتخت و شهرهای بزرگ می‌تواند موجب کاهش نابرابری‌های منطقه‌ای شود (مسیبی و تقدیسی، ۱۳۹۲ و عبدالله‌زاده و شریف‌زاده، ۱۳۹۱ و تقوایی و وارثی، ۱۳۹۰ و رحمانی، ۱۳۹۰ و سرائی و همکاران، ۱۳۹۰ و شیخ‌بیگلو، ۱۳۹۰).

۲۰. بهسازی و توسعه خدمات زیربنایی به‌ویژه شبکه‌های ارتباطی زمینی و هوایی در نواحی پیرامون، می‌تواند در کاهش نابرابری‌های منطقه‌ای مؤثر باشد. به‌علاوه استفاده از دولت الکترونیک و ظرفیت فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات می‌تواند برخی از محدودیت‌های مزمن ارتباطی در مناطق حاشیه‌ای را کمرنگ کند. این مسئله نیازمند برنامه‌ریزی راهبردی برای توسعه شبکه‌های ارتباطی مبتنی بر کاربست فناوری اطلاعات و ارتباطات در مناطق حاشیه‌ای است (عبدالله‌زاده و شریف‌زاده، ۱۳۹۱).

۲۱. توسعه شبکه ریلی کشور و توسعه و احیای راه‌های استانی و ملی می‌تواند در ارتقای شبکه ارتباطی کشور و خروج مناطق مرزی و حاشیه‌ای از انزوا و توسعه آنها مؤثر واقع گردد (عبدالله‌زاده و شریف‌زاده، ۱۳۹۱ و جمالی و همکاران، ۱۳۸۸).

۲۲. انجام مطالعات جمعیت‌شناسی و پویایی‌های جمعیت (زادوولد، مهاجرت، پیرگرایی، هرم‌های

سنی، جنسی و قومی) در هر منطقه و برنامه‌ریزی آینده‌نگر بر مبنای آن می‌تواند موجب کاهش نابرابری‌های منطقه‌ای شود (عبدالله‌زاده و شریف‌زاده، ۱۳۹۱).

۲۳. برنامه‌ریزی توسعه عادلانه، برابری و آمایش سرزمین ایجاد می‌کند که سطوح توسعه نه تنها در بین استان‌ها، بلکه در هر استان و در بین شهرستان‌های مختلف مورد بررسی قرار گیرد. از این رو انجام چنین مطالعاتی به منظور شناخت مسئله و برنامه‌ریزی برای برون‌رفت از آن توصیه می‌شود (عبدالله‌زاده و شریف‌زاده، ۱۳۹۱ و ازوجی، ۱۳۹۰ و زیاری و همکاران، ۱۳۸۹ و زمانی، ۱۳۸۸ و مؤمنی، ۱۳۸۸).

۲۴. با توجه به اهمیت پایداری در توسعه، تدوین شاخص‌های پایداری و توسعه پایدار و ساخت شاخص ترکیبی برای سنجش و سطح‌بندی توسعه پایدار در بین و درون استان‌ها پیشنهاد می‌شود (عبدالله‌زاده و شریف‌زاده، ۱۳۹۱).

۲۵. با توجه به اهمیت شاخص توسعه انسانی در تحقق سند چشم‌انداز و توسعه همگن و پایدار کشور، نیاز به محاسبه شاخص توسعه انسانی به تفکیک استان‌ها از سوی سازمان‌هایی مانند مرکز آمار ایران، نهاد ریاست جمهوری و ... است (زینل‌زاده و همکاران، ۱۳۹۱).

۲۶. به منظور کاهش نابرابری‌های منطقه‌ای در کنار اهداف دولت برای دستیابی به رشد و توسعه بیشتر مناطق، بهبود بازار کار نیز از اهمیت بالایی برخوردار است (ازوجی، ۱۳۹۰).

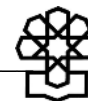
۲۷. تلاش در جهت رفع نارسایی نظام برنامه‌ریزی و انطباق آن با برنامه‌ریزی ناحیه‌ای، به همراه پر کردن خلأ و ضعف‌های قانونی و اصلاح و تعدیل برخی از قوانین در جهت تمرکززدایی از نظام برنامه‌ریزی و بسترسازی جهت توزیع سلسله‌مراتبی خدمات و زیرساخت‌ها در پهنه سرزمین، می‌تواند در کاهش نابرابری‌های منطقه‌ای بسیار اثربخش باشد (قنبری و موسوی، ۱۳۹۰ و زیاری و همکاران، ۱۳۸۹).

۲۸. ارائه مکانیسم فرصت برابر برای تمامی نواحی مطابق با توان محیطی و نیازهای جمعیتی آنها می‌تواند نابرابری‌های منطقه‌ای را کاهش دهد (قنبری و موسوی، ۱۳۹۰).

۲۹. مبنا قرار دادن کارایی برای برنامه‌ریزی‌های کشور، شیوه مطمئن‌تر و منطقی‌تری است. بنابراین سودمند خواهد بود اگر کارایی استان‌های کشور در سال‌های مختلف محاسبه و مقایسه شود و پس از آن کارایی استان‌ها در استفاده از مواهب طبیعی و اعطایی از سوی دولت، به‌عنوان یکی از شاخص‌های توزیع امکانات و منابع مادی و غیرمادی مورد توجه قرار گیرد (زیاری و همکاران، ۱۳۸۹).

۳۰. اولویت قائل شدن به عوامل توسعه (تکنولوژی و انسان) در برنامه‌های توسعه می‌تواند موجب کاهش نابرابری‌های منطقه‌ای گردد (سیف‌اللهی، ۱۳۸۸ و آزرده، ۱۳۸۸).

۳۱. به نظر می‌رسد برای بهبود روند توسعه کشاورزی در استان‌های کمتر توسعه‌یافته و توسعه‌نیافته، حرکت در جهت افزایش سهم اراضی آبی (با در نظر گرفتن همه ملاحظات بوم‌شناختی و



- زیست‌محیطی) راهکاری مناسب است (فطرس و بهشتی‌فر، ۱۳۸۸).
۳۲. به‌منظور کاهش نابرابری‌های منطقه‌ای ضروری به نظر می‌رسد که الگوی توسعه برمبنای آمایش سرزمین و با استناد به توازن منطقه‌ای و افزایش استانداردهای رفاهی دنبال شود (شهیک‌تاش و همکاران، ۱۳۹۲).
۳۳. تعدیل موانع توسعه منطقه‌ای در کشور مستلزم تغییر نظام و ساختار برنامه‌ریزی است. ساختار برنامه‌ریزی باید به گونه‌ای باشد که قدرت تصمیم‌گیری مردم و نمایندگان را در بُعد منطقه‌ای، به منظور تعیین سرنوشت و وضعیت حال و آینده خود ارتقا دهد (سیف‌الدینی و پناهنده‌خواه، ۱۳۸۹).
۳۴. طرح‌های کالبدی منطقه‌ای با هدف برنامه‌ریزی توسعه پایدار سکونتگاه‌ها و مدیریت خردمندان سرزمین به انجام می‌رسد و اطلاعات ارزشمندی را در اختیار مسئولین برنامه‌ریزی کشور قرار می‌دهد. بنابراین پیشنهاد می‌شود از نتایج این طرح‌ها به‌عنوان طرح‌های بالادستی در برنامه‌های توسعه منطقه‌ای مورد استفاده قرار گیرد (قاجار خسروی، ۱۳۸۹).
۳۵. به منظور کاهش نابرابری‌ها و بهبود وضعیت توسعه مناطق قومی، پیشنهاد می‌شود گروه‌های قومی در عرصه‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی مشارکت پررنگ‌تری داشته باشند (سیف‌اللهی، ۱۳۸۸).
۳۶. برای کاهش شکاف بهداشتی موجود میان شهرستان‌ها و توزیع عادلانه خدمات بهداشتی درمانی، تدوین یک برنامه جامع و هماهنگ برای گذر از مقیاس کلان برنامه‌ریزی با رویکرد متمرکز و از بالا به پایین و رسیدن به یک برنامه‌ریزی خُرد و محلی در فضایی با مقیاس کوچک الزامی است (صادقی‌فر و همکاران، ۱۳۹۳ و تقدیسی و همکاران، ۱۳۹۱).
۳۷. استقرار سرمایه‌مدیریتی کارآمد و اثربخش در استان‌های محروم به منظور بهبود مدیریت بخش عمومی و افزایش کیفیت عملکردی دستگاه‌های اجرایی با انتخاب مدیران اقتصادی دستگاه‌های اجرایی براساس شاخص‌های شایسته‌سالارانه از قبیل تخصص، تعهد، سوابق تجربی، عقلانیت و روحیه همکاری جمعی، موجب بهبود روند توسعه استان‌ها و کاهش نابرابری می‌گردد (ایزانلو و خداپرست، ۱۳۹۰ و معصومی و اثنی‌عشری، ۱۳۹۱).
۳۸. تخصیص سهم بیشتری از اعتبارات کشوری و متعاقباً احداث و استقرار زیرساخت‌های پیش‌برنده اقتصادی در استان‌های محروم کشور می‌تواند از میزان نابرابری‌ها بکاهد (ایزانلو و خداپرست، ۱۳۹۰).
۳۹. به‌منظور کاهش نابرابری‌های منطقه‌ای در بخش کشاورزی پیشنهاد می‌شود، برنامه‌ریزی در جهت نهادسازی، توسعه تشکل‌ها، تعاونی‌ها، مراکز خدمات دولتی و غیردولتی و صنایع تکمیلی کشاورزی، در اولویت قرار گیرد. همچنین از طریق به‌کارگیری کارشناسان ستادی و میدانی متخصص و ارائه خدمات آموزشی - ترویجی و ... به تقویت بُعد نیروی انسانی بخش کشاورزی توجه شود (توکلی، ۱۳۹۲).

## پیوست - خلاصه مقالات مورد بررسی

در این قسمت خلاصه ۱۰۷ مقاله مورد بررسی به همراه اطلاعات مربوط به نویسندگان و محل انتشار آنها ارائه می‌گردد. لازم به ذکر است که مقالات برحسب سال انتشار مرتب شده‌اند.

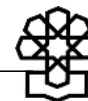
شماره	عنوان مقاله	نویسندگان	محل انتشار
۱	تعیین درجه توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان بوشهر از نظر شاخص‌های بهداشتی درمانی با استفاده از روش تاکسونومی عددی	جمیل صادقی‌فر - مرکز تحقیقات مدیریت بیمارستانی، دانشگاه علوم پزشکی ایران سیدحسام سیدین - مرکز تحقیقات علوم مدیریت و اقتصاد سلامت، دانشگاه علوم پزشکی ایران مینا انجم شعاع - تحقیقات مدیریت ارائه خدمات سلامت، پژوهشکده آینده‌پژوهی در سلامت، دانشگاه علوم پزشکی کرمان سیدمیثم موسوی - گروه علوم مدیریت و اقتصاد بهداشت، دانشکده بهداشت دانشگاه علوم پزشکی تهران بهرام آرمون - بهداشت عمومی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی	مجله علوم پزشکی رازی، دوره ۲۱، ش ۱۱۸، سال ۱۳۹۳، صص ۸۰-۹۰
روش تحقیق: توصیفی، تاکسونومی عددی			

هدف از این مطالعه تعیین درجه توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان بوشهر از نظر شاخص‌های بهداشتی درمانی با استفاده از روش تاکسونومی عددی است. بدین منظور ۲۱ شاخص بهداشتی و درمانی مورد استفاده قرار گرفته است. این مقاله بخش مبانی نظری نداشته و تنها در مقدمه به تعریف توسعه می‌پردازد. همچنین در قسمتی از مقدمه بیان می‌شود، بهترین مفهوم توسعه رشد همراه با عدالت اجتماعی است و عدم توازن بین مناطق در جریان توسعه، موجب ایجاد شکاف و تشدید نابرابری منطقه‌ای می‌شود که خود مانعی در مسیر توسعه است.

## نتایج

نتایج به‌دست آمده از این پژوهش حاکی از وجود اختلاف و شکاف زیاد در بهره‌مندی از شاخص‌های ساختاری بهداشت و درمان، بین شهرستان‌های مختلف استان بوشهر است.

شماره	عنوان مقاله	نویسندگان	محل انتشار
۲	مدیریت بخش عمومی: چالش استراتژیک توسعه منطقه‌ای ایران	قاسم ایزانلو - دانشجوی دکترای اقتصاد پردیس بین‌الملل دانشگاه فردوسی مشهد مهدی خداپرست مشهدی - دانشیار اقتصاد، دانشگاه فردوسی مشهد	همایش بهبود فضای کسب‌وکار در ایران، ۱۳۹۲
روش تحقیق: توصیفی - تحلیلی			



این مقاله به سبقه آمال دستیابی به توسعه در ایران و اسناد و قوانین توسعه‌ای در این ارتباط (مانند سند چشم‌انداز و برنامه‌های چهارم و پنجم توسعه) اشاره شده است. این تحقیق به دنبال پاسخگویی به این سؤال است که چه اندازه قوانین فوق در کاهش و شکاف منطقه‌ای مؤثر بوده‌اند. کلیدی‌ترین شاخص‌های اقتصادی مورد بررسی عبارتند از: تولید ناخالص داخلی، بودجه خانوار، وضعیت منابع و مصارف بانکی، سطح عمومی قیمت‌ها و بودجه استانی.

## نتایج

۱. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد تفاوت در سطوح مدیریت بخش عمومی و کیفیت عملکرد دستگاه‌های اجرایی در استان‌های کشور عاملی کلیدی در ایجاد و گسترش شکاف‌های اقتصادی بین استانی است.

۲. ضعف سرمایه‌های انسانی، سازمانی، آماری و اطلاعاتی، مالی، توزیعی و اجتماعی عواملی کلیدی در عدم توسعه‌یافتگی استان‌های محروم و افزایش شکاف اقتصادی این استان‌ها با میانگین کشوری و استان‌های برخوردارتر است.

- **ضعف سرمایه‌های انسانی:** عدم آموزش کارآ و اثربخش فعالان اقتصادی، عدم آموزش‌های کاربردی و نوین مدیران، عدم استقرار مراکز آموزشی کاربردی متناسب با مزیت‌های اقتصادی استان.  
- **ضعف سرمایه‌های سازمانی:** عدم وجود گروه‌های تحلیلگر و پایش‌کننده مستمر وضعیت اقتصادی استان، عدم تدوین برنامه جامع و استراتژیک بخش‌های اقتصادی استان، عدم وجود یکپارچگی و تعامل حداکثری میان دستگاه‌های استانی مسئول در بخش‌های اقتصاد، وجود نهادهای موازی مسئول در مدیریت امور اقتصادی استان (ستاد سرمایه‌گذاری مرکز خدمات سرمایه‌گذاری استان و ستاد تسهیل سرمایه‌گذاری، کارگروه‌های اقتصادی و اشتغال، کمیته بهبود کسب‌وکار استانی و...)

- **ضعف سرمایه‌های آماری و اطلاعاتی:** سنتی و زمانبر بودن فرآیندها، عدم تبیین شاخص‌های کلیدی اقتصادی - مالی - عملکردی بخش‌های اقتصادی استان و پایش آنها، نبود زیرساخت الکترونیک آماری جامع بخش‌های اقتصادی استان جهت پایش لحظه‌ای تغییرات، ارائه آمار بخش‌های اقتصادی استان به شکل سنتی و عدم یکپارچگی آنها، عدم وجود شاخص‌های کلیدی نظارتی دستگاه‌های متولی نظارت بر بازارهای استان متعاقباً عدم آگاهی از ماهیت عملکرد آن دستگاه‌ها بر افزایش یا کاهش تخلفات.

- **ضعف سرمایه‌های مالی:** روند افزایش بدهی‌های معوق واحدهای تولیدی، بالاتر بودن شاخص نسبت مصارف به منابع بانکی استان از میانگین کشوری، نسبت بحرانی مصارف به منابع بانکی استانی، جمع‌آوری خروج سپرده‌های خرد استانی توسط مؤسسات مالی و اعتباری و انتقال به خارج از استان،

عدم عزم و اراده دستگاه‌های استانی به لزوم جذب سرمایه‌گذاران، عدم وجود توانمندی مدیران استانی جهت هزینه‌کرد کارآمد اعتبارات تخصیصی و نیز عدم وجود توانمندی جهت جذب اعتبارات و منابع متمرکز ملی با استفاده از ظرفیت‌های قانونی حمایتی مبنی بر لزوم برخورداری از استان‌های محروم‌تر.

- **ضعف سرمایه‌های توزیعی:** تولیدمحور نبودن استان‌های محروم و وارداتی بودن اغلب کالاهای مصرفی، عدم وجود شبکه توزیعی کارآ و اثربخش ارتباط‌دهنده بخش تولید و مصرف، وجود واسطه‌گران و دلالان فراوان در زنجیره تولید به مصرف و متعاقباً افزایش چشمگیر قیمت محصولات مصرفی ناشی از افزایش هزینه مبادله، بالاتر بودن سطح عمومی قیمت‌ها از میانگین کشوری و دارا بودن سطوح بالاتر از میانگین کشوری شاخص سطح عمومی قیمت‌ها.

- **ضعف سرمایه‌های اجتماعی:** ضعف مشارکت‌های مردمی و روحیه کار جمعی، کاهش شاخص‌های اجتماعی کاهنده هزینه‌های مبادله اقتصادی از قبیل اعتماد، ایثار، نوع‌دوستی، عدم باور به وجود توانمندی و قابلیت‌های اقتصادی مردمی و تأثیرگذاری آن بر توسعه استانی.

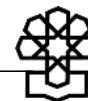
- **ضعف مدیریتی:** ضعف شدید سرمایه مدیریتی را می‌توان در مواردی از قبیل بی‌ثباتی در مدیریت‌های کلیدی اقتصادی استان‌های محروم، عدم وجود زیرساخت مدیریتی منسجم و قوی پیشین در برخی استان‌های محروم، شروع به کار دولت غیرشایسته‌سالار دولت نهم از سال ۱۳۸۴ و متعاقباً انتصاب افراد غیربومی، بی‌تخصص و بی‌تجربه بر مصدر امور مدیریتی استانی، چینی و انتخاب افراد برای پست‌های سازمانی مدیریت‌های میانی سازمان‌ها و دستگاه‌های اجرایی استان‌های محروم براساس شاخص‌هایی بجز شایسته‌سالاری و نهایتاً استقرار زنجیره قوی و منسجم مدیران ناکارآمد در سطوح عالی، میانی و رده‌های پایین سازمان‌ها و دستگاه‌های دولتی استان‌های محروم.

۳. در این راستا راهکارهای پیشنهادی جهت خروج استان‌های ضعیف و کمتر برخوردار از محرومیت‌های ایجاد شده و کاهش شکاف‌های اقتصادی میان این استان‌ها با میانگین کشوری و استان‌های برخوردارتر به صورت زیر ارائه شده است:

- استقرار سرمایه مدیریتی کارآمد و اثربخش در استان‌های محروم به منظور بهبود مدیریت بخش عمومی و افزایش کیفیت عملکردی دستگاه‌های اجرایی با انتخاب مدیران اقتصادی دستگاه‌های اجرایی براساس شاخص‌های شایسته‌سالارانه از قبیل تخصص، تعهد، سوابق تجربی، عقلانیت و روحیه همکاری جمعی.

- تخصیص سهم بیشتری از اعتبارات کشوری و متعاقباً احداث و استقرار زیرساخت‌های پیش‌برنده اقتصادی در استان‌های محروم کشور حسب مواد قانونی برنامه پنجم توسعه شامل ماده (۸۰) (ایجاد اشتغال پایدار، توسعه کارآفرینی، کاهش عدم تعادل منطقه‌ای و توسعه مشاغل نو)، ماده (۸۴) (موظف شدن دولت





به توزیع منابع صندوق توسعه ملی بین بخش‌ها و استان‌های کشور به منظور حصول توسعه متوازن)، ماده (۱۸۰) (توزیع منابع عمومی و یارانه سود تسهیلات با رویکرد استفاده متوازن از امکانات کشور و توزیع عادلانه و رفع تبعیض و ارتقای سطح مناطق کمتر توسعه یافته و تحقق پیشرفت و عدالت) و ماده (۲۲۴) (توزیع عادلانه مازاد درآمد استانی جهت تعادل بخشی و ارتقای شاخص‌های توسعه یافتگی بین استان‌ها).

شماره	عنوان مقاله	نویسندگان	محل انتشار
۳	ارزیابی بسترهای طبیعی - مدیریتی توسعه در شهرستان‌های استان کرمانشاه	جعفر توکلی - دکترای جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، عضو هیئت علمی دانشگاه رازی کرمانشاه	فصلنامه علمی - پژوهشی فضای جغرافیایی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهر، سال سیزدهم، ۱۳۹۲، ش ۴۲، صص ۲۵۳-۲۷۲
روش تحقیق: اسنادی			

در این مطالعه بر روی توسعه بخش کشاورزی تأکید شده است. نویسنده این مقاله معتقد است توسعه کشاورزی می‌تواند در نهایت منجر به توسعه ملی و منطقه‌ای گردد. در راستای محاسبه میزان توسعه یافتگی کشاورزی در مناطق مختلف استان، از ۸ شاخص توان‌های طبیعی و ۲۱ شاخص مدیریتی (زیرساختی، نهادی و نیروی انسانی بخش کشاورزی) استفاده شده است.

## نتایج

۱. بخش قابل توجهی از نابرابری‌های توسعه کشاورزی شهرستان‌ها ناشی از عوامل انسانی و مدیریتی، توزیع نامتوازن امکانات و سرمایه‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی تمرکزگراست.
۲. برنامه‌ریزی توسعه کشاورزی استان نیازمند توجه به تمرکززدایی، برنامه‌ریزی ناحیه‌ای، تخصیص متوازن منابع، سرمایه‌گذاری‌ها و اعتبارات است.
۳. توجه به استعدادسنجی، تخصص‌گرایی در تولید، مشارکت مردم و کارشناسان بومی و جذب سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی می‌تواند راهگشا باشد.

شماره	عنوان مقاله	نویسندگان	محل انتشار
۴	راهبرد قطب‌های رشد در برنامه‌ریزی منطقه‌ای مطالعه موردی تجربه یونان در این زمینه	محمدحسن حسینی - کارشناس تعاون اداره تعاون، کار و رفاه اجتماعی شهرستان طارم سیدغفور شفیعی - کارشناس مسکن اداره راه و شهرسازی شهرستان طارم سمیه رجبی - دانشجوی کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی محمدجعفر روحانی - معاون پشتیبانی اداره کل تعاون، کار و رفاه اجتماعی استان زنجان	هشتمین سمپوزیوم پیشرفت‌های علوم و تکنولوژی، مشهد، سال ۱۳۹۲
روش تحقیق: توصیفی			

در این مطالعه با استفاده از اسناد کتابخانه‌ای به بررسی مدل توسعه در یونان پرداخته شده است. مبانی نظری این مطالعه بر مدل قطب‌های رشد، پخشایش رشد و مدل توسعه درونی- محلی تأکید دارد.

بر طبق مطالب این مقاله مدل توسعه یونان در سال ۱۹۷۰ مبتنی بر قطب رشد بوده است و شهرهای بزرگ مانند آتن و سالونیکا به‌عنوان دو قطب رشد فعالیت می‌کردند، اما پس از گذشت زمان و بروز نابرابری‌های منطقه‌ای به‌خصوص در مناطق حاشیه‌ای، از اواخر ۱۹۹۰ تلاش‌هایی در راستای وارد کردن حمایت‌های اجتماعی به مدل‌های رشد و توسعه صورت گرفت. در سال‌های ۲۰۰۷-۲۰۱۳ برنامه توسعه استراتژیک ملی در یونان تهیه شد که تأکید بر عدالت فضایی داشت.

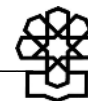
### نتایج

استفاده از نظریه‌های قطب رشد به تنهایی نمی‌تواند راهگشا باشد و توصیه می‌شود این نظریه با ترکیب با سایر نظریات مورد استفاده قرار گیرد.

شماره	عنوان مقاله	نویسندگان	محل انتشار
۵	تحلیل عدم تعادل فضایی خدمات اقتصادی، اجتماعی شهرستان‌های استان زنجان	جلال تبریزی- استادیار جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه تربیت مدرس اکرم قاسمی- کارشناس ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه تربیت مدرس سهراب مؤذن- دانشجوی کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه تربیت مدرس	مجله پژوهش و برنامه‌ریزی شهری، سال چهارم، ش ۱۳، سال ۱۳۹۲، صص ۱۹-۳۴
روش تحقیق: مدل‌های آماری در جغرافیا (مدل اسکالوگرام)			

این مطالعه بیان می‌کند نظام فضایی استان زنجان دچار دگرگونی‌هایی شده است که مهم‌ترین تأثیرات این دگرگونی‌ها، رشد شتابان جمعیت شهرنشین استان و تعدد سکونتگاه‌های شهری و تمرکز جمعیت شهرنشین در چند نقطه شهری از یک‌سو و روند پرشتاب مهاجرت‌های روستایی و تخلیه نقاط روستایی از سوی دیگر بوده است. به‌علاوه ترکیب اشتغال استان نیز دستخوش تغییرات زیادی شده است. در قسمت مبانی نظری این مقاله، به نظریات نئوکینزی یا پایه اقتصادی<sup>۱</sup> نظریه قطب رشد و الگوی مرکز- پیرامون اشاره شده و برای سنجش میزان نابرابری‌های شهرستان‌های استان زنجان از ۲۷ شاخص اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی استفاده شده است.

۱. این نظریه فعالیت‌های اقتصادی منطقه را به دو بخش پایه و غیرپایه تقسیم می‌کند و موتور رشد و نیروی فعالیت‌های اقتصاد منطقه را درآمد ناشی از بخش صادرات می‌داند.



## نتایج

۱. بر طبق نتایج به دست آمده از این تحقیق، شهرستان‌های زنجان و ابهر توسعه یافته هستند و سایر شهرستان‌های استان توسعه یافتگی رو به پایین و یا محرومیت دارند.
۲. شهرستان زنجان، از طریق جذب فرصت‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، امکانات، رفاه، ثروت و نیروی انسانی ماهر و متخصص از نواحی پیرامون، توسعه و گسترش فراوانی یافته است و تأثیرات پراکنشی و فضایی مفید را بر توسعه نواحی پیرامونی از لحاظ توسعه نداشته است.
۳. ساختار فضایی استان زنجان، تابع نظام مرکز- پیرامون است.

شماره	عنوان مقاله	نویسندگان	محل انتشار
۶	تحلیل فضایی شاخص‌های توسعه و وضعیت‌سنجی نماگرهای آن در استان خوزستان	عیسی ابراهیم‌زاده- دانشیار گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی دانشگاه سیستان و بلوچستان محمود اکبری- دکترای جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری از دانشگاه اصفهان سیدعلی موسوی- کارشناس ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری از دانشگاه سیستان و بلوچستان	فصلنامه علمی- پژوهشی فضای جغرافیایی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهر، سال سیزدهم، ش ۴۲، سال ۱۳۹۲، صص ۷۵-۵۷
روش تحقیق: تحلیلی- توصیفی			

در این مطالعه برای بررسی میزان نابرابری در شهرستان‌های استان خوزستان از ۴۵ شاخص در سرفصل‌های کلی ارتباطی، بازرگانی، بهداشتی و درمانی، آموزشی و فرهنگی، مسکونی و اقتصادی استفاده شده است. در قسمت مبانی نظری نیز بر نظریه توسعه پایدار تأکید شده است.

## نتایج

۱. نتایج حاکی از وجود نابرابری بین شهرستان‌های استان خوزستان است.
۲. تعداد شهرستان‌های موجود در سطح بسیار برخوردار یک (اهواز)، در سطح برخوردار یک (دزفول)، در سطح تاحدودی برخوردار ۴، در سطح محروم ۱۰ و در سطح بسیار محروم ۴ عدد بوده است.

شماره	عنوان مقاله	نویسندگان	محل انتشار
۷	تعیین سطوح توسعه‌یافتگی نواحی روستایی استان آذربایجان شرقی با استفاده از تکنیک آماری تحلیل عامل و تحلیل خوشه‌ای	رباب صفری- کارشناس ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، مدرس دانشگاه پیام نور مرکز جهرم مقصود بیات- کارشناس ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، کارشناس امور کشوری و مدنی استانداری فارس و مدرس دانشگاه پیام نور جهرم	نشریه تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی، سال سیزدهم، ش ۲۸، سال ۱۳۹۲، صص ۴۸-۳۱
روش تحقیق: تحلیل عاملی- تحلیل خوشه‌ای			

این مطالعه به دنبال پاسخ به این سؤال است که آیا بین توزیع جغرافیایی خدمات و امکانات روستایی در سطح دهستان‌ها با عقب‌ماندگی این مناطق رابطه‌ای وجود دارد یا خیر؟ بدین منظور از روش تحلیل عاملی و تحلیل خوشه‌ای استفاده شده است.

## نتایج

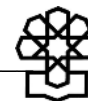
۱. از لحاظ سطح توسعه‌یافتگی بین دهستان‌های استان تفاوت و نابرابری وجود دارد، توزیع خدمات و امکانات در سطح دهستان‌ها براساس عدالت فضایی صورت نگرفته است.
۲. بر طبق نتایج از لحاظ سطح توسعه‌یافتگی دهستان گاو‌دول غربی برخوردارترین و دهستان قوریچان غربی محروم‌ترین دهستان استان شناخته شده است.
۳. در مجموع از ۱۴۱ دهستان استان آذربایجان شرقی یک دهستان کاملاً برخوردار، ۵ دهستان برخوردار، ۵۵ دهستان تا حدی برخوردار، ۲۴ دهستان محروم و ۵۶ دهستان بسیار محروم شناسایی شده‌اند.
۴. دهستان‌های محروم و بسیار محروم اغلب در فاصله دورتری از مراکز شهرستان‌ها و مرکز استان قرار دارند.
۵. در پایان نیز پیشنهادهایی از قبیل: اولویت دادن به دهستان‌های محروم در طرح‌های توسعه، تشکیل شورای اسلامی در برخی دهستان‌ها، گسترش فعالیت‌های کشاورزی مکانیزه، آموزش، توسعه صنایع تبدیلی کشاورزی و ... ارائه شده است.

شماره	عنوان مقاله	نویسندگان	محل انتشار
۸	سنجش سطوح توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان همدان (با تأکید بر رویکرد تحلیل منطقه‌ای)	مسعود تقوایی - دانشیار گروه جغرافیا، دانشگاه اصفهان مریم صالحی - کارشناس ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه اصفهان	فصلنامه علمی - پژوهشی برنامه‌ریزی منطقه‌ای، سال ۱۳۹۲، سال سوم، ش ۱۱، صص ۱۹-۳۰
روش تحقیق: توصیفی - تحلیلی، مدل‌های تاکسونومی عددی، مورس، تحلیل خوشه‌ای			

هدف این مقاله تعیین درجه توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان همدان و تحلیل نابرابری‌های منطقه‌ای در این استان است. بدین منظور از ۳۹ شاخص در سرفصل‌های بهداشتی - درمانی، آموزشی، فرهنگی - اجتماعی، اقتصادی، صنعتی، کالبدی و زیربنایی استفاده شده است.

در بخش مبانی نظری این مطالعه نظریات توسعه در چهار سطح مورد بررسی قرار گرفته است:

۱. نظریه‌هایی که اولویت را به عامل فرهنگی می‌دهند (ویر و ...)
۲. نظریه‌هایی که روی عوامل اقتصادی تأکید بیشتری دارند (مارکس، روستو، لویز و ...)



۳. نظریه‌هایی که برای عوامل سیاسی اولویت قائل هستند (نظریه‌های رادیکالی وابستگی، فرانک و ...)
۴. نظریه‌هایی که بر انفکاک و تخصصی شدن ساختار نظام اجتماعی تمرکز می‌کنند (وبر، دورکهایم، اسپنسر و ...)

### نتایج

۱. در بین شهرستان‌های استان، همدان در گروه برخوردار قرار می‌گیرد.
۲. الگوی حاکم بر ساختار فضایی استان همدان، الگوی مرکز- پیرامون است.
۳. اکثریت شهرستان‌های استان در طبقه محروم قرار می‌گیرند.
۴. در پایان نیز پیشنهادهایی مبنی بر گسترش صنایع وابسته به کشاورزی، توسعه صنایع دستی، توسعه گردشگری، به‌کارگیری سیاست‌های اشتغال‌زایی در مناطق محروم، ایجاد زمینه‌های لازم جهت گسترش بهره‌برداری از معادن استان، جلوگیری از مهاجرت‌های شهری و ... ارائه شده است.

شماره	عنوان مقاله	نویسندگان	محل انتشار
۹	بررسی نابرابری درآمدی در مناطق روستایی ایران	یاسر مردانی - دانشجوی کارشناسی ارشد مدیریت توسعه روستایی دانشگاه یاسوج آیتا... کرمی - استادیار گروه مدیریت توسعه روستایی دانشگاه یاسوج	مجله تحقیقات اقتصاد کشاورزی، ش ۱۷، ۱۳۹۲، صص ۴۷-۶۳
روش تحقیق: توصیفی- تحلیلی و ضریب جینی			

این مقاله با هدف بررسی وضعیت توزیع درآمد در مناطق روستایی ایران، به تفکیک استان‌های مختلف کشور، طی سال‌های ۱۳۶۸ تا ۱۳۸۸، یعنی از شروع برنامه اول توسعه تا پایان برنامه چهارم تدوین شده است. بدین منظور از آمارهای سرشماری مرکز آمار ایران استفاده شده است.

### نتایج

۱. تغییر نابرابری در مناطق روستایی کشور که با استفاده از ضریب جینی محاسبه شده است، روندی نسبتاً کاهشی داشته است.
۲. میزان نابرابری‌ها در سال‌های اول پژوهش بیشتر بوده که این می‌تواند ناشی از آثار جنگ تحمیلی باشد.
۳. بیشترین میزان نابرابری مربوط به سال ۱۳۶۹ و کمترین آن مربوط به سال ۱۳۸۲ بوده است.
۴. طی برنامه اول توسعه، بیشترین و کمترین مقدار نابرابری به ترتیب مربوط به استان‌های کرمان و بوشهر در سال ۱۳۷۱ است.
۵. در برنامه دوم، در سال ۱۳۷۶ استان‌های یزد بیشترین و کرمانشاه کمترین مقدار نابرابری را داشته‌اند.

۶. در برنامه سوم استان کهگیلویه و بویراحمد در سال ۱۳۸۲ کمترین مقدار نابرابری را داشته است. در این دوره بیشترین مقدار نابرابری مربوط به استان همدان در سال ۱۳۷۹ بوده است.

۷. کمترین مقدار ضریب جینی در طول برنامه چهارم مربوط به مناطق روستایی استان لرستان در سال ۱۳۸۶ و بیشترین مقدار مربوط به مناطق روستایی استان کهگیلویه و بویراحمد در سال ۱۳۸۵ بوده است.

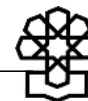
در انتها نیز نویسندگان مقاله پیشنهادهایی را مبنی بر تخصیص منابع به استان‌هایی که مناطق روستایی آنها از نابرابری بیشتری رنج می‌برند و اجرای هدفمندی یارانه‌ها به معنای واقعی آن و پرداخت یارانه به قشرهای آسیب‌پذیر ارائه می‌کنند.

شماره	عنوان مقاله	نویسندگان	محل انتشار
۱۰	تحلیل شاخص‌های توسعه و سطح‌بندی دهستان‌های استان یزد	دکتر صفر قائدرحمتی - استادیار جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری دانشگاه یزد دکتر رضا مستوفی الممالکی - استادیار جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری دانشگاه یزد مهدی براری - دانشجوی کارشناسی‌ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری دانشگاه یزد	فصلنامه جغرافیا و توسعه، ش ۳۰، بهار ۱۳۹۲، صص ۷۱-۸۶
روش تحقیق: توصیفی - تحلیلی با استفاده از روش تحلیل عاملی			

هدف از این مطالعه بررسی میزان توسعه‌یافتگی مناطق روستایی استان یزد و طبقه‌بندی مناطق روستایی استان از نظر توسعه‌یافتگی است. بدین منظور از ۳۹ شاخص در زمینه‌های زیربنایی، فرهنگی، ورزشی، آموزشی، اقتصادی و جمعیتی استفاده شده است. در قسمت مبانی نظری نیز نظریه‌های مختلفی از جمله نظریه‌های اقتصادی رشد و توسعه، نظریه جامعه‌شناختی نوسازی، نظریه‌های مارکسیست و نئومارکسیست، نظریه پسا ساختارگرایی، نظریه پساتوسعه‌گرایی، نظریه پسااستعمارگرایی، نظریه توسعه منطقه‌ای میردال، نظریه قطب رشد پرو و نظریه مرکز-پیرامون فریدمن مورد بررسی قرار گرفته‌اند.

## نتایج

۱. طبق نتایج این تحقیق، دهستان‌های استان یزد از لحاظ سطح توسعه‌یافتگی از تعادل متناسبی برخوردار نیستند به طوری که تنها ۱۹/۶ درصد دهستان‌ها در وضعیت مطلوبی قرار دارند.
۲. نظریه مرکز - پیرامون در الگوی توسعه دهستان‌های استان صادق است.
۳. در نهایت پیشنهادهایی از قبیل اتخاذ سیاست‌های عدم تمرکز در ارائه خدمات روستایی، انجام سرمایه‌گذاری و ایجاد زیرساخت و ... به منظور دستیابی به تعادل‌های منطقه‌ای در مناطق روستایی استان ارائه شده است.



شماره	عنوان مقاله	نویسندگان	محل انتشار
۱۱	سنجش رفاه استان‌های ایران: رهیافت تابع رفاه غیرپارتویی و تجزیه‌پذیر نسبت به جمعیت	محمدنبی شهیکی تاش - استادیار اقتصاد دانشگاه سیستان و بلوچستان مجتبی شهیکی تاش - دانشجوی کارشناسی ارشد اقتصاد الهام شیوایی - دانشجوی کارشناسی ارشد اقتصاد	فصلنامه مدل‌سازی اقتصادی، ش ۲۳، پاییز ۱۳۹۲، صص ۳۱-۴۶
روش تحقیق: تحلیلی - توصیفی، ضریب جینی			

در این مقاله برای ارزیابی رفاه اجتماعی در استان‌های ایران از شاخص کاردینالی سن و کشش تابع رفاه اجتماعی نسبت به برابری و کارآیی استفاده شده است.

### نتایج

۱. نتایج نشان می‌دهد بیشترین سطح رفاه در استان‌های ایران مربوط به استان تهران با ضریب رفاهی ۸۰/۹۳، استان بوشهر با ضریب رفاهی ۵۸/۱۲ و استان مرکزی با ضریب رفاهی ۴۷/۷۶ بوده است.
۲. همچنین کمترین سطح رفاه مربوط به استان سیستان و بلوچستان با ضریب رفاهی ۵/۵۹ و کردستان با ضریب رفاهی ۸ است.
۳. بسیار از استان‌های کشور نسبت به متوسط کشور از وضعیت رفاهی مطلوبی برخوردار نیستند و عدم تعادل منطقه‌ای معناداری بین استان‌های کشور مشاهده می‌شود.
۴. نویسندگان این مقاله معتقدند برای افزایش سطح رفاه در استان‌های مختلف، راهکارها متفاوت است. در برخی استان‌ها افزایش درآمد سرانه و در برخی دیگر کاهش نابرابری درون‌استانی می‌تواند مفید واقع گردد.

شماره	عنوان مقاله	نویسندگان	محل انتشار
۱۲	بررسی و تحلیل سطح برخورداری شهرستان‌های استان چهارمحال و بختیاری از شاخص‌های توسعه با استفاده از مدل تاپسیس فازی	حسین نظم‌فر - استادیار جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه محقق اردبیلی بهزاد پادروندی - کارشناس ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه محقق اردبیلی	فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی شهری، ش ۱۴، پاییز ۱۳۹۲، صص ۱۰۳-۱۲۲
روش تحقیق: اسنادی - تحلیلی با استفاده از مدل تاپسیس و تکنیک AHP			

در این مطالعه شهرستان‌های استان چهارمحال و بختیاری با استفاده از ۱۱ مؤلفه توسعه (از قبیل جمعیت، نیروی انسانی، بهزیستی، فرهنگی، بازرگانی، کشاورزی، صنعت، بهداشتی و درمانی، آب و برق، ساختمان و آموزشی)، در قالب ۵۰ شاخص و با استفاده از مدل‌های کمی برنامه‌ریزی از جمله مدل تصمیم‌گیری چندمعیاره و وزن‌دهی شاخص‌ها با تکنیک AHP، سطح‌بندی و میزان نابرابری‌های

موجود در آنها مورد بررسی قرار گرفته است. همچنین مبانی نظری مورد استفاده در این پژوهش بیشتر بر توسعه پایدار متمرکز شده است.

## نتایج

۱. براساس نتایج این مطالعه شهرستان شهرکرد در سطح برخوردار و شهرستان لردگان در سطح عدم برخوردار قرار دارند.

۲. یافته‌ها نشان می‌دهد لزوم توجه به برنامه‌ریزی غیرمتمرکز براساس منابع و محدودیت‌ها به منظور نیل به توسعه و پیشرفت متعادل و یکپارچه منطقه‌ای، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است.

۳. در نهایت نیز نویسندگان این مقاله پیشنهادهایی را مبنی بر افزایش اشتغال و کاهش بیکاری در شهرستان‌های محروم، تهیه طرح‌های توسعه و عمران منطقه‌ای و ناحیه‌ای با تأکید بر برنامه‌ریزی‌های یکپارچه توسعه شهری و روستایی، سرمایه‌گذاری و اقدامات اساسی در جهت ارتقای استان در ابعاد مختلف اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و ... ارائه می‌دهند.

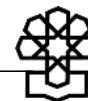
شماره	عنوان مقاله	نویسندگان	محل انتشار
۱۳	تحلیل سطح توسعه منطقه‌ای و عدم تعادل نواحی در استان تهران با تأکید بر نقش شهرهای کوچک و میانی	دکتر محمود جمعه‌پور - دانشیار برنامه‌ریزی اجتماعی و توسعه منطقه‌ای، دانشگاه علامه طباطبایی	فصلنامه علوم اجتماعی، ش ۶۱، تابستان ۱۳۹۲، صص ۱۱۱-۱۴۳
روش تحقیق: توصیفی-تحلیلی، روش تاکسونومی عددی، ضریب همبستگی و ضریب اختلاف ویلیامسون			

این مطالعه به دنبال بررسی سطح توسعه و عدم تعادل نواحی در استان تهران است. بدین منظور از شاخص‌های اجتماعی-جمعیتی، شاخص‌های اقتصادی (تولیدی، زیربنایی، سرمایه‌ای)، شاخص‌های فرهنگی-آموزشی و شاخص‌های رفاهی-بهداشتی استفاده شده است. همچنین در قسمت مبانی نظری نظریات توسعه‌ای میردال و هیرشمن، تئوری‌های منطقه غالب و مکان مرکزی و التراکریستال و تئوری‌های قطب رشد لوش و پرو مورد بررسی قرار گرفته است.

## نتایج

۱. به طور کلی با وجود اینکه استان تهران از قابلیت‌های بالای اکولوژیک به نسبت پهنه سرزمین ملی برخوردار است، ولی به هیچ عنوان بین پتانسیل‌های اکولوژیک و طبیعی منطقه، با تمرکز و تراکم‌های شدید اجتماعی و اقتصادی آن تناسب و تعادل وجود ندارد. این عدم تناسب در تمرکز و تراکم درون منطقه‌ای در مقیاس ملی و بین منطقه‌ای نیز میان تهران با سایر مناطق سرزمینی وجود دارد که





به تشدید روند انباشت و تمرکز در استان می‌انجامد.

۲. دور باطل تراکم و تمرکز شدید، عدم تعادل و نابرابری اجتماعی و فضایی عمدتاً نتیجه عمل نیروهای اجتماعی، اقتصادی و سیاسی است و راه‌حل آن نیز بازنگری در این کارکردها از طریق برنامه‌ریزی منطقه‌ای است.

۳. در ایران بیشتر منابع مالی و سرمایه‌ای در اختیار دولت است و ایجاد هر فعالیتی به‌طور عمده از سوی دولت سازمان می‌یابد. توجه نامتعادل دولت به بخش فعالیت‌ها یا مناطق کشور، تمرکز سرمایه و فعالیت را در بخش یا منطقه خاصی به وجود می‌آورد که تمرکز جمعیت پیامد ناگزیر آن خواهد بود. جمعیتی که متقاضی تأمین خدمات بیشتری از سوی دولت است.

۴. عرضه متمرکز خدمات، فعالیت و جمعیت، همراه با یکدیگر، تمرکز را تشدید می‌کنند و فوق تمرکز پدید می‌آورند و در زنجیره علت و معلولی و دور نامطلوب تمرکز شدید، عدم تعادل اجتماعی فضایی و نابرابری جایگزین همدیگر می‌شوند.

۵. اقدامات بعدی دولت برای تأمین تقاضاهای روزافزون در بخش اشتغال و خدمات، زمینه رتبه‌بندی مناطق را از دیدگاه تنگناها و امکانات یا محرومیت و برخورداری فراهم می‌آورد. به عبارتی دولت خود نیز در دام این دور باطل و روند نامطلوب عدم تعادل گرفتار می‌شود.

۶. در مجموعه شهری تهران، تراکم بالا و عدم تناسب بین تراکم‌ها و قابلیت‌های اکولوژیک باعث کاهش کیفیت زندگی و سطح توسعه شده است در حالی که در نواحی حاشیه کلان‌شهر تهران، عدم تناسب میان تراکم‌ها و امکانات در کنار کارکردهای وابسته و انگلی این نواحی و از بین رفتن کارکردهای محلی و طبیعی آنها باعث تنزل کیفیت زندگی در این نواحی شده است.

۷. البته با وجود مرکزیت شدید، شهرهایی مانند دماوند، فیروزکوه، ساوجبلاغ و نظرآباد بوده‌اند که از طریق حفظ تنوع کارکردهای محلی و رابطه درون ناحیه‌ای به منزله شهرهای کوچک و میانی توانسته‌اند شرایط و کیفیت مناسبی از زندگی و سطح توسعه را فراهم کنند.

۸. در پایان نویسنده مقاله پیشنهادهایی را مبنی بر تقویت نقش شهرهای کوچک و میانی با تأکید بر حفظ روابط درون ناحیه‌ای و تقویت خودتکایی و هویت درون ناحیه‌ای، افزایش دسترسی به امکانات و بهبود شاخص‌های اجتماعی - اقتصادی در نواحی حاشیه‌ای و توجه به برنامه‌ریزی منطقه‌ای در جهت توقف روند عدم تعادل و اصلاح الگوی توزیع جمعیت، فعالیت و سکونت در سطح منطقه ارائه می‌کند.

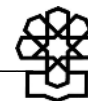
شماره	عنوان مقاله	نویسندگان	محل انتشار
۱۴	رابطه برابری فرصت و برابری درآمد در مناطق ایران: مدلسازی تعادل عمومی	مرتضی مرتضوی کاخکی - دانشجوی دکترای علوم اقتصادی دانشگاه فردوسی مشهد ایمان حقیقی - عضو هیئت علمی دانشگاه تخصصی علوم اقتصادی محمدحسین مهدوی عادل - دانشیار دانشکده علوم اداری و اقتصادی دانشگاه فردوسی مشهد	دو فصلنامه اقتصاد و توسعه منطقه‌ای، ش ۵، بهار و تابستان ۱۳۹۲، صص ۶۹-۹۵
روش تحقیق: مدل تعادل عمومی محاسبه‌پذیر			

این پژوهش به بررسی رابطه میان نابرابری‌های درآمدی با نابرابری در فرصت‌ها پرداخته شده است. بدین منظور از مدل تعادل عمومی محاسبه‌پذیر استفاده شده است.

### نتایج

- نتایج نشان می‌دهد بین نابرابری فرصت‌ها و نابرابری درآمد ناشی از کار، رابطه مستقیمی وجود دارد و اگر برابری در فرصت‌ها تأمین شود، نابرابری‌های درآمدی نیز به میزان بسیاری کاهش یافته و جامعه به توازن اجتماعی نزدیک می‌شود.
- بین مناطق محروم و برخوردار تفاوت‌های آموزشی بسیاری وجود دارد.
- براساس مدل ارائه شده در صورت تحقق برابری فرصت‌ها، شاخص توزیع درآمد بهبود یافته و ضریب جینی بین استانی از ۰/۲۵ به ۰/۱۱ کاهش خواهد یافت. در این بین استان‌های سیستان و بلوچستان، کردستان، لرستان، آذربایجان غربی، گلستان و خراسان شمالی شاهد بیشترین افزایش درآمد سرانه خواهند بود.
- در نهایت نویسندگان مقاله بیان می‌دارند که علاوه بر تخصیص اعتبارات و تأمین زیرساخت‌ها و سخت‌افزارهای آموزشی که مقدمه‌ای واجب برای برابری فرصت‌های هستند، باید به عوامل کیفی از قبیل تبعیضات قومی، جنسیتی و نیز کیفیت آموزش ارائه شده در مناطق محروم و برخوردار نیز توجه شود.

شماره	عنوان مقاله	نویسندگان	محل انتشار
۱۵	اثر تولید و رشد بخشی بر فقر و رفاه اجتماعی در استان‌های ایران (۸۶-۱۳۷۹)	شکوفه فرهمند - استادیار گروه اقتصاد دانشگاه اصفهان سیدکمیل طیبی - استاد گروه اقتصاد دانشگاه اصفهان محسن کریمی - دانشجوی کارشناسی ارشد گروه اقتصاد، دانشگاه اصفهان	فصلنامه جامعه‌شناسی کاربردی، ش ۵۰، تابستان ۱۳۹۲، صص ۱۲۷-۱۴۲
روش تحقیق: اقتصادسنجی			



این مطالعه به بررسی وضعیت فقر و رفاه خانوارها در دوره زمانی ۱۳۷۹-۱۳۸۶، به تفکیک استان‌های کشور پرداخته است. بدین منظور مدل تصریح شده از طریق GMM تخمین زده شده است.

### نتایج

نتایج به دست آمده حاکی از آن است که هر چند با رشد بخش‌های اقتصادی رفاه کل در کشور افزایش پیدار کرده است، اما این رشد همراه با افزایش نابرابری در بین خانوارها در بیشتر استان‌های کشور بوده است.

شماره	عنوان مقاله	نویسندگان	محل انتشار
۱۶	سنجش نابرابری درآمدی در بین استان‌های ایران (رویکرد عینی و قیاسی از شاخص‌های ایستای ناپارامتریک)	باقر درویشی - استادیار اقتصاد دانشگاه ایلام محمدنبی شهیکی‌تاش - استادیار دانشکده اقتصاد دانشگاه سیستان و بلوچستان	مجله نامه مفید، ش ۹۶، تابستان ۱۳۹۲، صص ۱۳۷-۱۵۶
روش تحقیق: تحلیلی، با استفاده از ضریب جینی، ضریب تایل و شاخص هرفیندال			

در این مقاله میزان نابرابری درآمد با استفاده از شاخص‌های ناپارامتریک در بین استان‌های کشور محاسبه شده است. برای این منظور از داده‌های مربوط به تولید ناخالص داخلی سرانه حقیقی بدون نفت در دوره زمانی ۱۳۸۰-۱۳۸۶ استفاده شده است. همچنین در قسمت مبانی نظری به شاخص‌های عینی و قیاسی توزیع درآمد و اصول پایه‌ای در شاخص‌های نابرابری که به اصول دالتون معروفند اشاره شده است.

### نتایج

- نتایج نشان می‌دهد که در ۲۰ استان درآمد سرانه پایین‌تر از متوسط کشور است. در حالی که درآمد سرانه استان تهران ۱/۷ برابر متوسط کشور است.
- در ۱۶ استان درآمد سرانه پایین‌تر از ۵۰ درصد درآمد سرانه استان تهران است.
- درآمد سرانه استان سیستان و بلوچستان پایین‌تر از ۲۵ درصد درآمد سرانه استان تهران است.
- بیشترین نابرابری در سال‌های ۱۳۸۰ و ۱۳۸۲ وجود داشته است.

شماره	عنوان مقاله	نویسندگان	محل انتشار
۱۷	تحلیل فضایی و سطح‌بندی شاخص‌های اشتغال در استان‌های کشور (با به‌کارگیری تحلیل عاملی و خوشه‌ای)	سمانه مسیبی - دانشجوی دکترای جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه اصفهان احمد تقدیسی - استادیار دانشکده علوم جغرافیا و برنامه‌ریزی، دانشگاه اصفهان	دو فصلنامه آمایش سرزمین، سال پنجم، ش ۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۲، صص ۳۶۱-۳۸۳
روش تحقیق: توصیفی - تحلیلی، با به‌کارگیری مدل تحلیل خوشه‌ای			

هدف این مقاله بررسی نابرابری‌های اجتماعی- اقتصادی استان‌ها در زمینه اشتغال بوده است. برای این منظور از ۵۵ شاخص در سرفصل‌های کشاورزی، صنعت و ساخت، خدماتی، جمعیتی و بهداشتی استفاده شده است. در بخش مبانی نظری این مطالعه به انتظارات عقلایی و اشتغال کامل اشاره شده است.

## نتایج

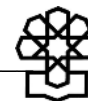
۱. نتایج نشان می‌دهد عدم تعادل‌های شدیدی در سطح کشور وجود دارد، به طوری که استان‌های تهران و قم بهترین شرایط را از لحاظ شاخص‌های اشتغال داشته و در سطح اول، یعنی بسیار برخوردار هستند و استان خراسان جنوبی در ردیف آخر یعنی محروم قرار می‌گیرد.

شماره	عنوان مقاله	نویسندگان	محل انتشار
۱۸	تحلیل فضایی نابرابری‌های منطقه‌ای میان مناطق مرزی و مرکزی ایران	دکتر عیسی ابراهیم‌زاده- دانشیار جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه سیستان و بلوچستان دکتر میرنجف موسوی- استادیار جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه ارومیه شمس‌الله کاظمی‌زاد- کارشناس ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه سیستان و بلوچستان	فصلنامه ژئوپلیتیک- سال هشتم، ش ۱، بهار ۱۳۹۱، صص ۲۱۴-۲۳۵
روش تحقیق: روش توصیفی- تحلیلی، SPSS، روش وزن‌دهی آنتروپی شانون، مدل تاپسیس، آزمون T-test و تحلیل خوشه‌ای K میانگین			

نویسندگان این مقاله بر این باورند که پس از فروپاشی نظام کمونیستی شوروی و قوت یافتن عامل اقتصاد و انرژی، مسائل مربوط به جغرافیای اقتصادی نیز اهمیت یافت. در گذشته اغلب کشورها سرمایه‌گذاری‌ها و ظرفیت‌های اقتصادی خود را به‌دلیل ملاحظات امنیتی بر مناطق مرکزی متمرکز می‌کردند. ادبیات تحقیق این مطالعه بیشتر معطوف به تفکرات نظریه‌های مکان مرکزی به‌ویژه نظریه والتر کریستالر<sup>۱</sup> است. در ایران توسعه مناطق مرزی به سال‌های بعد از جنگ به‌ویژه برنامه‌های عمرانی بر می‌گردد. وجود بی‌عدالتی‌های جغرافیایی و توسعه ناموزون بخش‌های جغرافیایی کشور ممکن است موجب آسیب همبستگی ملی شده و منجر به بروز تحرکات واگرایانه به‌ویژه در مناطق قومی شود که این مسئله تأثیر سوئی بر امنیت و در نتیجه توسعه کشور دارد.

در این مطالعه توسعه در سه رویکرد تحت عنوان «رویکرد سنتی مکان»، «رویکرد همکاری‌های

۱. والتر کریستالر مدعی شد مناطق مرزی به‌دلیل اینکه فضاهای مکمل را از یکدیگر جدا می‌کنند، آسیب‌پذیرند.



بین‌مرزی» و «رویکرد مردمی» مورد بررسی قرار گرفته است. همچنین برای بررسی میزان نابرابری از حدود ۳۰ شاخص اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و صنعتی مربوط به سال ۱۳۸۵ استفاده شده است.

## نتایج

۱. روند تحولات جمعیتی در مناطق مرزی و مرکزی ایران: براساس داده‌های سال ۱۳۸۵، میزان ۵۰/۷ درصد جمعیت در استان‌های مرزی و ۴۹/۳ درصد در استان‌های مرکزی سکنی گزیده‌اند و ۷۷/۱ درصد ساکنین مناطق مرکزی ایران شهرنشین و ۲۲/۹ درصد روستانشین هستند. این رقم برای مناطق مرزی به ترتیب معادل ۶۰/۹ و ۳۹/۹ درصد است. ضریب شهرنشینی در مناطق مرکزی به میزان ۸/۶ درصد نسبت به ضریب شهرنشینی کشور بالاتر بوده است. بخشی از این نابرابری در تراکم جمعیت به دلیل نابرابری‌هایی است که تا اندازه زیادی به‌طور جبری در بنیاد زیستی کشور وجود دارد، علاوه بر آن نابرابری در تجمع امکانات طبیعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی در مناطق خاص، زمینه مهاجرت‌های صورت گرفته را فراهم کرده و به‌صورت مانعی جدی در تحقق استعدادهای ذاتی منطقه‌ای به شمار می‌آید. همچنین تحولات نرخ رشد حاکی از بالاتر بودن نرخ رشد جمعیت در مناطق مرکزی کشور است.

۲. عدم تعادل‌های منطقه‌ای میان مناطق مرزی و مناطق مرکزی: طبق یافته‌های این پژوهش تهران با میزان توسعه ۰/۶۷ به‌عنوان توسعه‌یافته‌ترین استان و ایلام با میزان توسعه ۰/۰۸ به‌عنوان محروم‌ترین استان شناخته شده است. فاصله زیاد توسعه‌یافته‌ترین و محروم‌ترین استان ایران نشان می‌دهد که نابرابری‌های منطقه‌ای در ساختار فضایی ایران بسیار بالا بوده است.

۳. سهم استان تهران در محصول ناخالص داخلی در جمعیت کشور ۱۸/۷ درصد (بیشترین میزان) و سهم استان ایلام در شاخص مذکور ۰/۸ درصد (کمترین میزان) بوده است. در زمینه صنعت، نسبت پروانه‌های صادر شده توسط وزارت صنایع و معادن برای کارگاه‌های صنعتی به تعداد آن در کل کشور، در استان اصفهان ۱۰ درصد (بیشترین میزان) و در استان خراسان جنوبی و خراسان شمالی به ترتیب ۰/۴ و ۰/۳ درصد (کمترین میزان) بوده است. کمترین میزان جمعیت فعال کشور از نظر اقتصادی متعلق به استان سیستان و بلوچستان (۲۵ درصد) بوده است. سرانه ارزش‌افزوده بخش معدن در حال بهره‌برداری در استان کرمان و یزد بیشترین میزان (به ترتیب ۲/۲ و ۲/۸) و در استان اردبیل و خوزستان کمترین میزان (۰/۰۱) بوده است. مقایسه‌هایی از این دست نشان می‌دهد که در واقع، تقسیم کار تخصصی بین استان‌های مرزی و استان‌های مرکزی کشور براساس مزیت‌های نسبی در هر منطقه برای دستیابی به توسعه صورت نگرفته است. انحصاری کردن ابزار تولید در چند شهر بزرگ مناطق مرکزی به ویژه تهران، مردم دیگر نقاط ایران به خصوص مناطق مرزی را در امور اقتصادی به حاشیه رانده است.

۴. شاخص ضریب پراکندگی در این مطالعه نشان می‌دهد، میزان نابرابری و عدم تجانس بین مناطق مرزی و مرکزی ایران بسیار بالاست. تقریباً می‌توان گفت مناطق مرکزی در ایران حدود ۳ برابر بیشتر از مناطق مرزی توسعه یافته‌اند. البته مسائلی از قبیل قومی - سیاسی، جنگ تحمیلی در مناطق غرب و شمال غرب و چالش‌های امنیتی مناطق شرق، به محرومیت مناطق مرزی دامن زده است.

۵. نتایج این مطالعه نشان می‌دهد علاوه بر اینکه میان توسعه در مناطق مرزی و مرکزی ایران نابرابری و تفاوت وجود دارد، بلکه میان درون مناطق، چه در مناطق مرزی و چه در مناطق مرکزی تفاوت‌های فاحش و چشمگیری وجود دارد و تا زمانی که عوامل نابرابری درون منطقه‌ای کاهش پیدا نکند، نابرابری‌های برون منطقه‌ای نیز تقلیل نخواهند یافت.

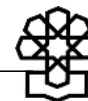
۶. الگوی فضایی توسعه ایران مرکز- پیرامون است. زیرا مناطق مرکزی از نظر توسعه نسبت به مناطق مرزی و پیرامونی شرایط بسیار بهتری دارند و این الگو نشان می‌دهد که هر چقدر به مناطق مرکزی ایران نزدیک‌تر شویم، استان‌ها توسعه یافته‌تر می‌شوند.

شماره	عنوان مقاله	نویسندگان	محل انتشار
۱۹	برنامه‌ریزی منطقه‌ای و تعادل شبکه شهری در ایران	پروانه زیویار- استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهر ری امین فرجی ملاتی- پژوهشگر پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی جهاد دانشگاهی و دانشجوی دکترای جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری دانشگاه تهران	فصلنامه علمی- پژوهشی جغرافیا (برنامه‌ریزی منطقه‌ای) سال دوم، ش ۲، سال ۱۳۹۱، صص ۱۷۷-۱۹۲
روش تحقیق: تحلیلی - توصیفی			

مطالب این مقاله با بررسی روند شهرنشینی در ایران شروع می‌شود و بیان می‌کند که شهرنشینی در سال‌های ۱۳۳۵-۱۳۸۵ روند رو به رشدی را تجربه کرده است. همچنین الگوی توسعه شهری در ایران نیز یک الگوی بزرگ سر و نامتوازن است. در اواخر دوره قاجار، خواست حضور هر چه بیشتر دولت مرکزی در ایالات و ولایات منجر شده است که توزیع جمعیت شهری به سمت تمرکز حرکت کند.

در این مطالعه بیان می‌شود که ۶ برابر شدن جمعیت شهری یک کشور در طی ۴۰ سال و دو برابر شدن متوسط جمعیت شهرها و سه برابر شدن تعداد شهرها، همگی حاکی از تغییر و تحول سنگین و همه‌جانبه در ترکیب جمعیت، موقعیت و میزان استقرار آن است. چنین تحول و دگرگونی جمعیت در سطح ملی باعث مشکلات اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و حتی امنیتی است.

در ادامه به روند برنامه‌ریزی در ایران پرداخته شده است. نویسندگان مقاله بیان می‌دارند که تمرکزگرایی و بخش‌گرایی محصول یگانه برنامه‌های عمرانی اول و دوم است. در این دوره فقدان زیرساخت مناسب، سرمایه را بیش از پیش به پایتخت و چند کلان‌شهر کشور سوق داد و همچنان



شکاف توسعه برجای بود. در برنامه سوم، جرقه‌های برنامه‌ریزی منطقه‌ای مشاهده شد و در برنامه چهارم اقدامات مؤثری در زمینه تمرکززدایی صورت گرفت. برنامه پنجم با افزایش قیمت نفت و افزایش درآمدهای نفتی همراه شد. در این برنامه مسئله آمایش سرزمین مورد توجه قرار گرفت. بعد از انقلاب نیز آمایش در برنامه‌ریزی مورد توجه قرار گرفت. برنامه دوم با محوریت عدالت اجتماعی و تقسیم بهینه منابع و امکانات عمومی تهیه شد و برنامه سوم نیز یکی از جامع‌ترین برنامه‌ها از دیدگاه برنامه‌ریزی منطقه‌ای است.

از نظر نویسندگان این اثر، برنامه‌ریزی در قبل از انقلاب محصولی جز تهران و کویر ایران نداشته است. به‌طور کلی در هر اقتصاد دولتی، اقدامات و تصمیمات دولت نقش اساسی را در تحولات شهر و روستا دارد. چنانچه در نظام شهری ایران تصمیمات دولت به تمرکز، منجر به گسیختگی شبکه شهری در ایران شده است.

## نتایج

۱. بررسی برنامه‌ریزی توسعه در ایران نشان می‌دهد که به‌رغم دستیابی به رشد اقتصادی در چند بخش و حتی افزایش درآمد سرانه، در پیشبرد اهداف توسعه با مشکلاتی مواجه شد. ریشه این مشکلات عمدتاً ناشی از تنظیم برنامه‌ریزی توسعه با نگرش صرف اقتصادی و بدون توجه به بازتاب‌های اجتماعی و منطقه‌ای آن بوده که به نابرابری‌های اجتماعی، اقتصادی و منطقه‌ای به شدت دامن زده و مانع از برخوردی متعادل همه مناطق از مواهب توسعه شده و به موازات آن مهاجرت گسترده را شکل داده است.

۲. مکانیسم تقویت شهرهای متوسط و تبدیل روستاها به شهر از روند مهاجرتی نیروی کار و در عین حال سرمایه به مراکز استان جلوگیری می‌کند.

شماره	عنوان مقاله	نویسندگان	محل انتشار
۲۰	سنجش توسعه‌یافتگی کشاورزی شهرستان‌های استان کرمانشاه	جعفر توکلی - استادیار جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه رازی کرمانشاه	جغرافیا و پایداری محیط، ش ۵، سال ۱۳۹۱، صص ۱۱۱-۱۲۶
روش تحقیق: تحلیل عاملی			

در این مطالعه بیان می‌شود که حاکمیت راهبردهای برنامه‌ریزی متمرکز و از بالا به پایین و برنامه‌های بخشی، مانعی جدی در مسیر دستیابی به توسعه پایدار بوده و یکی از پیامدهای بارز آن، بی‌عدالتی فضایی در عرصه سرزمین است. هر چند بخشی از تفاوت‌های بین نواحی، محصول تنوع طبیعی است که بیشتر به ساختار منطقه مانند شرایط اقلیم و خاک باز می‌گردد، اما نابرابری بیشتر

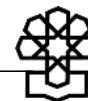
بیانگر تأثیر عوامل انسانی، به‌ویژه شیوه مدیریت منابع است. همچنین توسعه نامتوازن موجب مهاجرت افراد از مناطق محروم به سمت مناطق برخوردار می‌شود.

## نتایج

۱. برنامه‌ریزی منطقه‌ای تک‌بعدی نبوده و در یک چارچوب سیستمی، توسعه همه بخش‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، رفاهی و ... را در یک فرآیند هماهنگ دنبال می‌کند.
۲. برنامه‌ریزی منطقه‌ای توسعه کشاورزی، باید در هماهنگی با سایر بخش‌های اقتصادی (صنعت و خدمات) صورت گیرد.
۳. تهیه برنامه‌ریزی منطقه‌ای توسعه کشاورزی و کسب شناخت و آگاهی از وضعیت موجود برای ترسیم شرایط مطلوب، ضروری است.
۴. نتایج این مطالعه نشان می‌دهد تفاوت و اختلاف بین شهرستان‌های استان در زمینه شاخص‌های ترکیبی نهادی، نیروی انسانی و زیرساختی زیاد است.
۵. بیشترین اختلاف بین شهرستان‌های استان در مورد شاخص ترکیبی نهادی است. بنابراین پیشنهاد می‌شود برنامه‌ریزی برای نهادسازی، توسعه تشکله‌ها، تعاونی‌ها، مراکز خدمات دولتی و غیردولتی و نیز صنایع بخش کشاورزی که نقش اساسی در توسعه سایر زیربخش‌های کشاورزی دارند، در اولویت قرار گیرد.
۶. ملاحظه می‌شود که بخش قابل توجهی از نابرابری توسعه کشاورزی در بین شهرستان‌های استان در زمینه‌های زیرساختی، نهادی و نیروی انسانی وجود دارد. از این رو پیشنهاد می‌شود در نظام برنامه‌ریزی توسعه استان در مقیاس کلان و برنامه‌ریزی توسعه کشاورزی به‌عنوان زیرمجموعه آن، راهبرد اساسی مبتنی بر تمرکززدایی، برنامه‌ریزی ناحیه‌ای و محلی، تخصیص متوازن منابع، سرمایه‌گذاری‌ها و اعتبارات باشد. در این راستا توجه به مطالعات استعدادسنجی، تخصیص‌گرایی در تولید، مشارکت مردم و کارشناسان بومی، جذب سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی می‌تواند راهگشا باشد.

شماره	عنوان مقاله	نویسندگان	محل انتشار
۲۱	سنجش سطح توسعه‌یافتگی استان‌های کشور ایران با رویکرد تحلیل عاملی	فرزام پوراصغر سنگاچین - دانش‌آموخته دکترای برنامه‌ریزی محیط زیست، دانشگاه تهران اسماعیل صالحی - دانشیار دانشکده محیط زیست دانشگاه تهران مرتضی دیناروندی - دانشجوی دوره دکترای برنامه‌ریزی محیط زیست، دانشگاه تهران	مجله علمی - پژوهشی آمایش سرزمین، دوره چهارم، ش ۲، سال ۱۳۹۱، صص ۲۶-۵
روش تحقیق: توصیفی تحلیلی، تحلیل عاملی، SPSS			





این مطالعه بیان می‌کند که نبود توازن در جریان توسعه بین مناطق گوناگون موجب شکاف و تسریع نابرابری منطقه‌ای می‌شود که خود مانعی در مسیر توسعه است. در این پژوهش ۱۳ شاخص اقتصادی، اجتماعی و محیط زیستی از ۲۸ استان کشور در سال ۱۳۸۵ مورد بررسی قرار گرفته‌اند. از بین شاخص‌های مذکور ۱۲ مورد با اهداف توسعه پایدار همسو بوده‌اند.

## نتایج

۱. براساس یافته‌های تحقیق، سطح‌بندی استان‌ها نشان می‌دهد که استان‌های کشور در شرایطی ناهمگون و نامتوازن قرار گرفته‌اند. براساس این نتایج، تهران و سمنان به ترتیب در رتبه‌های اول و دوم و استان‌های کردستان، سیستان و بلوچستان و همدان به ترتیب در رتبه‌های آخر قرار گرفته‌اند.

۲. تفاوت در وجود منابع مانند وجود جنگل‌ها، مناطق تحت حفاظت و مجموعه‌ای از سیاست‌های دولت در گذشته از جمله ایجاد قطب‌های رشد و توجه بیش‌تر به بهداشت و آموزش در این قطب‌ها، در بروز این تفاوت‌ها و تفاوت در سطوح توسعه پایدار استان‌ها تاثیر گذاشته است.

۳. سطح‌بندی استان‌ها نشان می‌دهد، استان‌هایی که در انتهای فهرست قرار دارند با مجموعه‌ای از محرومیت‌های اقتصادی- اجتماعی مانند فقر، بهداشت و آموزش روبرو هستند و از دوگانگی توسعه پایدار در ایران حکایت دارد (کردستان، سیستان و بلوچستان، همدان، اردبیل و زنجان به ترتیب رتبه‌های ۲۸-۲۴ را به خود اختصاص داده‌اند).

شماره	عنوان مقاله	نویسندگان	محل انتشار
۲۲	تحلیل فضایی محرومیت و نابرابری‌های توسعه در شهرستان‌های ایران	رعنا شیخ بیگلو- دکترای جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه شیراز مسعود تقوایی- دکترای جغرافیا، دانشگاه اصفهان حمیدرضا وارثی- دکترای جغرافیا، دانشگاه اصفهان	فصلنامه علمی- پژوهشی رفاه اجتماعی، سال دوازدهم، ش ۴۶، سال ۱۳۹۱، صص ۲۱۵-۲۴۵
روش تحقیق: توصیفی، اسنادی و تحلیلی، روش‌های MCDM			

این مطالعه بیان می‌دارد، مسئله نابرابری در بسیاری از کشورها چالشی اساسی در مسیر توسعه است، به ویژه برای آن دسته از کشورها که قلمرو حاکمیت آنها مناطق جغرافیایی وسیعی را شامل می‌شود. در ایران تفاوت‌ها و نابرابری‌های ناحیه‌ای با نرخ نگران‌کننده‌ای در حال افزایش بوده است، این وضعیت، به بروز مشکلات جدی نظیر مهاجرت از مناطق محروم به نواحی برخوردار و توسعه یافته‌تر منجر شده است.

سیاست‌های توسعه منطقه‌ای نقش مهمی را در تقویت فعالیت‌های اقتصادی و توسعه مناطق

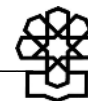
محروم و به دنبال آن، کاهش تفاوت‌های منطقه‌ای ایفا می‌کند. تخصیص منطقه‌ای سرمایه‌گذاری‌های عمومی گامی برای کاهش نابرابری‌های منطقه‌ای و تحقق توسعه متعادل به شمار می‌رود. مبانی نظری مورد تأکید در این مطالعه بیشتر معطوف به رشد متوازن بوده و برای محاسبات ۳۳۶ شهرستان کشور در سال ۱۳۸۵ با ۵۴ شاخص توسعه مربوط به بخش‌های کشاورزی، اجتماعی-فرهنگی، درمانی، آموزشی، مسکن، اقتصادی و زیربنایی تدوین شده است.

## نتایج

۱. در این مطالعه شهرستان‌های کشور از نظر سطح توسعه‌یافتگی به پنج گروه توسعه‌یافته، نسبتاً توسعه‌یافته، متوسط، نسبتاً محروم و محروم دسته‌بندی شدند که به ترتیب ۸، ۹۹، ۱۵۲، ۶۴ و ۱۳ شهرستان در گروه‌های مذکور قرار گرفتند.
۲. براساس یافته‌های این مطالعه، شهرستان‌های شمیرانات، تهران، اصفهان، دماوند، گرمسار، سمنان، رامسر و کاشان به ترتیب به‌عنوان توسعه‌یافته‌ترین شهرستان‌های کشور شناخته شدند.
۳. ۱۳ شهرستان در این گروه قرار می‌گیرند. قابل توجه است که ۱۰ شهرستان این گروه در قسمت جنوب شرق کشور (سیستان و بلوچستان و کرمان) واقع شده‌اند.
۴. مطالعه پراکنش فضایی شهرستان‌های کشور براساس سطح توسعه‌یافتگی، تا حد زیادی وجود نظام مرکز-پیرامون را در میزان برخورداری مناطق از امکانات و خدمات مختلف تأیید می‌کند.

شماره	عنوان مقاله	نویسندگان	محل انتشار
۲۳	نابرابری و رشد اقتصادی در استان‌های کشور	محمود محمودزاده- استادیار اقتصاد دانشگاه آزاد اسلامی واحد فیروزکوه سیامک علمی- دانشجوی دکتری علوم اقتصادی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران	فصلنامه پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی، سال بیستم، ش ۶۴، سال ۱۳۹۱، صص ۱۳۱-۱۴۸
روش تحقیق: مدل گسترش یافته (سنجی)			

این مطالعه به بررسی نابرابری و رشد اقتصادی در استان‌های کشور پرداخته است. در قسمت پیشینه تحقیق عواملی مانند انباشت سرمایه‌گذاری فیزیکی، رشد نیروی کار، تنوع منابع مالی، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، ساختار رقابتی بازار، سرمایه انسانی، تحقیق و توسعه، تغییرات نهادی، زیرساخت حمل‌ونقل، دسترسی به فناوری اطلاعات و ارتباطات، گردشگری، نرخ پس‌انداز، بهره‌وری اولیه، نرخ رشد جمعیت، آزادی‌های اقتصادی، باز بودن اقتصاد و دخالت‌های دولت به‌عنوان عوامل اقتصادی مهم اثرگذار بر نابرابری‌های منطقه‌ای مطرح می‌شوند. علاوه بر این، موقعیت‌های جغرافیایی استان‌ها از لحاظ جذب گردشگری داخلی و خارجی، جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، همسایگی



با کشورهای دارای اقتصاد باز و دسترسی به ساحل در نابرابری‌های رشد اقتصادی مؤثر بوده‌اند. برتری‌های منطقه‌ای باعث می‌شود مسئولان دولتی برای بهره‌برداری از آنها تصمیمات مساعد بگیرند و این موضوع به رشد اقتصادی استان‌ها کمک می‌کند.

## نتایج

۱. سرمایه فیزیکی، فاوا و انسانی تأثیر مثبت و رشد جمعیت تأثیر منفی بر رشد اقتصادی استان‌ها داشته است.
۲. باز بودن اقتصاد استان‌ها (نسبت صادرات به تولید ناخالص داخلی هر استان) و ساختار صنعتی (اشتغال بخش غیرکشاورزی به کل اشتغال) آثار مثبت و معنادار بر رشد اقتصادی استان‌ها دارند.
۳. با توجه به اینکه سرمایه‌گذاری فیزیکی کل کشور محدود به چند استان بوده، لذا به تبعیت از این موضوع، صادرات در بین استان‌های کشور نیز محدود به همین چند استان است. اگرچه بسیاری از استان‌های کشور در تولید محصولات کشاورزی تخصص دارند، اما به دلیل نداشتن صنایع تبدیلی و تکمیلی، قادر به صادرات محصولات خود نیستند. با توجه به تحقق نیافتن سرمایه فیزیکی در اکثر استان‌های کشور و نبود صنایع و کارخانجات در این استان‌ها، طبیعتاً اشتغال در بخش صنعت نیز در این استان‌ها کاهش می‌یابد. دو عامل باز بودن اقتصاد و ساختار صنعتی که با توجه به نتایج اقتصاد سنجی تأثیر مستقیم بر رشد اقتصادی استان‌ها دارند، محدود به چند استان بوده و رشد سایر استان‌ها به واسطه این عوامل کم است.
۴. ویژگی‌های جغرافیایی استان (میزان بارندگی) اثر اندک ولی معنادار بر رشد استان‌ها دارد. همچنین نتایج نشان می‌دهد دوری از مرکز (تهران) تأثیر منفی بر رشد اقتصادی استان‌ها دارد. این نتیجه تأکیدی بر تمرکزگرایی و وابستگی اقتصاد استان‌ها به اقتصاد استان تهران است.
۵. نامنی و بی‌ثباتی کشورهای همسایه ایران تأثیر منفی بر سرمایه‌گذاری و رشد اقتصادی در استان‌های مرزی ایران دارد. استان سیستان و بلوچستان با وجود مرزی بودن و دسترسی به آب‌های آزاد، از رشد پایینی برخوردار است که این موضوع به دلیل نامنی در مرزهای این استان و وجود ریسک بالا برای سرمایه‌گذاری در این استان است.
۶. مهمترین یافته کلیدی این تحقیق این است که رشد اقتصادی استان‌ها تحت تأثیر عامل واحد نیست، بلکه عوامل مختلفی در شکل‌گیری رشد اقتصادی استان‌ها مؤثرند و نمی‌توان این فرضیه را پذیرفت که منشأ رشد اقتصادی استان‌ها، بودجه عمومی دولت است، بلکه قابلیت‌های صنعتی و جغرافیایی استان‌ها و همچنین زیرساخت‌های عمومی بر رشد اقتصادی استان‌ها آثار قابل ملاحظه‌ای دارند.

شماره	عنوان مقاله	نویسندگان	محل انتشار
۲۴	تعیین درجه توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان خوزستان از نظر شاخص آموزشی با استفاده از روش تاکسونومی عددی	سعید امانپور - استادیار جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری دانشگاه شهید چمران اهواز اعظم اسماعیلی - کارشناس شهرسازی اداره کل راه و شهرسازی استان خوزستان سجاد جوکار - کارشناس ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری دانشگاه شهید چمران اهواز	فصلنامه آمایش محیط، ش ۱۷، سال ۱۳۹۱، صص ۴۲-۶۱
روش تحقیق: تاکسونومی عددی			

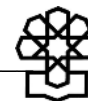
هدف از این مطالعه تعیین درجه توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان خوزستان با به‌کارگیری شاخص‌های آموزشی است. بدین منظور از تکنیک تاکسونومی عددی استفاده شده است.

### نتایج

۱. نتایج نشان می‌دهد که در دوره ۱۳۷۹-۱۳۸۹ وضعیت شهرستان‌های خرمشهر و آبادان از نظر شاخص آموزشی بهبود یافته و وضعیت امیدیه و شوشتر به مراتب بدتر شده است.
۲. با توجه به اینکه شهرستان‌هایی مانند اهواز و شوشتر از بودجه مطلوب‌تری برخوردارند، پایین بودن سطح توسعه‌یافتگی آموزشی در این شهرستان‌ها می‌تواند با تراکم جمعیت بالا و مهاجرت‌های بی‌رویه توضیح داده شود.

شماره	عنوان مقاله	نویسندگان	محل انتشار
۲۵	تحلیل توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان کرمانشاه	محمدرضا پورمحمدی - عضو هیئت علمی گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری دانشگاه تبریز بهزاد رنجبرنیا - دانشجوی کارشناسی ارشد رشته جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری دانشگاه اصفهان کیومرث ملکی - کارشناس ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری دانشگاه تبریز آرزو شفاعتی - کارشناس ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری دانشگاه تبریز	مجله علمی تخصصی برنامه‌ریزی فضایی، سال دوم، ش ۱، سال ۱۳۹۱، صص ۱-۲۶
روش تحقیق: مدل TOPSIS			

هدف این مطالعه تحلیلی توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان کرمانشاه است. بدین منظور از شاخص‌های بهداشتی - درمانی، فرهنگی - اجتماعی، گردشگری، مذهبی و زیرساختی استفاده شده و در قسمت مبانی نظری نیز مدل‌های برنامه‌ریزی مورد توجه قرار گرفته است.



## نتایج

۱. نتایج حاکی از وجود نابرابری بین شهرستان‌های استان کرمانشاه است.
۲. عدم مطالعه و برنامه‌ریزی دقیق و سرمایه‌گذاری‌های نامتعادل در سطح استان، باعث تفاوت در ناهمگونی شهرستان‌های استان به لحاظ توسعه منطقه‌ای است که این عوامل باعث ایجاد و تمرکز بیشتر امکانات و تسهیلات در چند شهرستان استان، به خصوص کرمانشاه شده است.
۳. در نهایت نیز راهکارهایی مانند ساماندهی و تقویت تشکلهای دولتی و غیردولتی در زمینه توسعه منطقه‌ای، استفاده از درآمدهای شهرستان‌های پردرآمد برای توسعه امکانات در مناطق محروم، توجه بیش از پیش مقامات دولتی و استانی به برنامه‌ریزی مناسب و توسعه منطقه‌ای.

شماره	عنوان مقاله	نویسندگان	محل انتشار
۲۶	تعیین و محاسبه درجه توسعه‌یافتگی استان‌های کشور طی دو مقطع (۱۳۷۵-۱۳۸۵)	سیفاله اسلامی - معاون دفتر تحقیقات و سیاست‌های بخش‌های تولیدی	مجله اقتصادی، ماهنامه بررسی مسائل و سیاست‌های اقتصادی، ش ۱، فروردین ۱۳۹۱، صص ۴۱-۶۸
روش تحقیق: تاکسونومی عددی - تاپسیس			

در این مطالعه درجه توسعه‌یافتگی مناطق کشور طی دو مقطع ۱۳۷۵ - ۱۳۸۵ محاسبه شده است. بدین منظور از شاخص‌های اقتصادی، آموزشی، بهداشتی و اجتماعی استفاده شده است.

## نتایج

۱. مطابق نتایج به دست آمده از این مطالعه، در سال ۱۳۷۵ بالاترین میزان درجه توسعه‌یافتگی متعلق به استان تهران و پایین‌ترین درجه توسعه‌یافتگی (محروم‌ترین استان) مربوط به استان سیستان و بلوچستان بوده است.
۲. نتایج محاسبات در سال ۱۳۸۵ نیز نشان می‌دهد که بالاترین درجه توسعه‌یافتگی در این سال مربوط به استان تهران و پایین‌ترین درجه توسعه مربوط به استان سیستان و بلوچستان بوده است.
۳. براساس نتایج به دست آمده درجه توسعه‌یافتگی تمام استان‌های کشور در سال ۱۳۸۵ نسبت به سال ۱۳۷۵ بهبود یافته است.
۴. در پایان نیز نویسندگان مقاله پیشنهاد کرده‌اند که در راستای ماده (۱۸۰) قانون برنامه پنجم توسعه، که توجه به تعادل‌بخشی مناطق و توزان منطقه‌ای را مد نظر قرار داده است، می‌توان در بودجه استان‌ها و ردیف متمرکز با عنوان تعادل‌بخشی، توازن منطقه‌ای و ارتقای شاخص‌های روستایی، مبالغی را در بودجه سالیانه کشور پیش‌بینی کرده تا در امور عمران و آبادی استان‌ها و مناطقی که از نظر شاخص‌های توسعه‌یافتگی زیر متوسط توسعه‌یافتگی کشور هستند، هزینه و از این طریق فاصله این مناطق را با سطح متوسط توسعه‌یافتگی کشور کمتر کرد.

شماره	عنوان مقاله	نویسندگان	محل انتشار
۲۷	سنجش وضعیت توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان یزد با بهره‌گیری از رویکردهای تصمیم‌گیری با معیارهای چندگانه و تحلیل عاملی	صادق بختیاری- استاد اقتصاد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان مجید دهقانی‌زاده- کارشناس ارشد توسعه اقتصادی و برنامه‌ریزی علی‌رضا رعیتی- دانشجوی دکترای مدیریت مالی دانشگاه علامه طباطبایی	فصلنامه علمی- پژوهشی برنامه‌ریزی و بودجه، سال هفدهم، ش ۳، سال ۱۳۹۱، صص ۱۳۱-۱۵۹
روش تحقیق: تحلیل عاملی، نظام وزن‌دهی آنتروپی شانون، AHP			

در این مطالعه به منظور سنجش وضعیت توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان یزد از ۱۸۲ شاخص در سرفصل‌های اقتصاد کلان، کشاورزی، صنعت و معدن، بهداشت و درمان، آموزش، امور زیربنایی، عمران شهری و روستایی، بازرگانی و تعاون، فرهنگ، هنر و گردشگری و آمار حیاتی استفاده شده است.

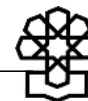
## نتایج

۱. نتایج پژوهش نشان می‌دهد شهرستان‌های بهاباد، طبس و خاتم به‌عنوان شهرستان‌های محروم، بافق و ابرکوه به‌عنوان شهرستان‌های نیمه‌محروم، تفت، صدوق و مهریز به‌عنوان شهرستان‌های نیمه‌برخوردار و شهرستان‌های یزد، اردکان و میبد به‌عنوان شهرستان‌های برخوردار استان مطرح هستند.

۲. بین شهرستان‌های برخوردار، به‌ویژه شهرستان یزد با سایر شهرستان‌ها اختلاف قابل توجهی در سطح توسعه‌یافتگی وجود دارد.

شماره	عنوان مقاله	نویسندگان	محل انتشار
۲۸	سطح‌بندی شاخص‌های توسعه سلامت استان‌های ایران	اصغر ضرابی- دانشجوی دکترای جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه اصفهان رعنا شیخ‌بیگلو- دکترای جغرافیا، دانشگاه اصفهان	فصلنامه علمی- پژوهشی رفاه اجتماعی، سال یازدهم، ش ۴۲، سال ۱۳۹۱، صص ۱۰۷-۱۲۸
روش تحقیق: تحلیلی- تحلیل عاملی			

این مطالعه با به‌کارگیری روش تحلیل عاملی و استفاده از ۳۲ شاخص توسعه سلامت به سطح‌بندی شاخص‌های توسعه سلامت استان‌های ایران می‌پردازد. مبانی نظری مورد تأکید در این مطالعه مربوط به توسعه پایدار و نابرابری‌های منطقه‌ای سلامت است.



## نتایج

۱. طبق نتایج به دست آمده استان‌های اصفهان، خراسان رضوی و تهران به عنوان استان‌های برخوردار شناسایی شده‌اند.
۲. استان‌های ایلام، کهگیلویه و بویراحمد، خراسان جنوبی، سیستان و بلوچستان، اردبیل و بوشهر به عنوان استان‌های محروم معرفی شده‌اند.

شماره	عنوان مقاله	نویسندگان	محل انتشار
۲۹	سطح‌بندی توسعه اقتصادی-اجتماعی شهرستان‌های آذربایجان غربی با استفاده از تحلیل‌های مکانی و قواعد تصمیم‌گیری GIS	بختیار فیضی‌زاده- دانشجوی دکتری سیستم اطلاعات جغرافیایی در دانشگاه سالزبورگ اتریش مجید رضایی بنفشه- دانشیار گروه جغرافیای طبیعی، دانشگاه تبریز میراسدا... حجازی- استادیار گروه جغرافیای طبیعی، دانشگاه تبریز	فصلنامه فضای جغرافیایی، ش ۴۰، زمستان ۱۳۹۱، صص ۱-۲۴
روش تحقیق: تحلیل سلسله مراتبی (AHP)، منطق بولین، WLC و SAW و با استفاده از GIS			

در این مطالعه وضعیت اقتصادی استان آذربایجان غربی با ارزیابی عملکرد شاخص‌های توسعه اقتصادی و با روش تحلیل سلسله مراتبی (AHP)، منطق بولین، WLC و SAW و با استفاده از GIS مورد بررسی قرار گرفته است.

شاخص‌های مورد استفاده در این مطالعه مربوط به صنایع، معادن، سپرده‌های بانکی، شبکه‌های ارتباطی، مشترکین برق، مشترکین گاز، مشترکین آب، مشترکین تلفن، تأمین اجتماعی، بهداشت و درمان، زراعت آبی و باغی، زراعت دیم، جمعیت شاغل و جمعیت باسواد بوده است.

## نتایج

نتایج به دست آمده از این مطالعه بیانگر این واقعیت مهم است که تفاوت‌های چشمگیری از نظر سطح توسعه اقتصادی و اجتماعی در شهرستان‌های استان آذربایجان غربی وجود دارد.

شماره	عنوان مقاله	نویسندگان	محل انتشار
۳۰	سطح‌بندی و سنجش درجه توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان مازندران با استفاده از مدل تحلیل عاملی و تحلیل خوشه‌ای	مسعود تقوایی- استاد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه اصفهان عیسی بهاری- دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی	مجله جغرافیا و برنامه‌ریزی محیطی، ش ۴۸، زمستان ۱۳۹۱، صص ۱۵-۳۸
روش تحقیق: تحلیلی- توصیفی، تحلیل عاملی و تحلیل خوشه‌ای			

این مطالعه به منظور سطح‌بندی درجه توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان مازندران از ۸۸ شاخص توسعه در زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی، آموزشی، بهداشتی و درمانی، کشاورزی و ... استفاده کرده است. همچنین در قسمت مبانی نظری، نظریه‌های رشد نامتعادل، رشد متعادل و قطب رشد مورد توجه قرار گرفته است.

## نتایج

۱. نتایج نشان می‌دهد که ۱۲/۵ درصد شهرستان‌ها در سطح بسیار برخوردار، ۱۸/۷۵ درصد در سطح برخوردار، ۱۸/۷۵ درصد در سطح نسبتاً برخوردار، ۳۷/۵ درصد در سطح محروم و ۱۲/۵ درصد در سطح بسیار محروم قرار گرفته‌اند.

شماره	عنوان مقاله	نویسندگان	محل انتشار
۳۱	نابرابری‌های منطقه‌ای در ایران	جمیله توکلی نیا- عضو هیئت علمی دانشگاه شهید بهشتی محمد شالی- دانشجوی دکترای جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری دانشگاه شهید بهشتی	فصلنامه جغرافیایی آمایش محیط، ش ۱۸، پاییز ۱۳۹۱، صص ۱-۱۵
روش تحقیق: تحلیل عاملی و تاکسونومی عددی			

در این مطالعه تلاش صورت گرفته است، با به‌کارگیری ۶۰ شاخص فرهنگی، اجتماعی، صنعتی، اقتصادی، جمعیتی، کالبدی، زیربنایی و بهداشتی- درمانی توسعه منطقه‌ای و نابرابری‌ها در کشور مورد بررسی قرار گیرد.

## نتایج

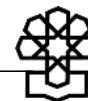
۱. نتایج نشان می‌دهد در سال ۱۳۸۵ از مجموع ۳۰ استان کشور، ۱ استان توسعه‌یافته، ۴ استان نسبتاً توسعه‌یافته، ۷ استان توسعه میانی، ۱۹ استان توسعه‌نیافته و ۱ استان محروم بوده است.

۲. نابرابری منطقه‌ای نسبت به گذشته تشدید شده است به گونه‌ای که استان تهران به‌عنوان توسعه‌یافته‌ترین استان و استان سیستان و بلوچستان به‌عنوان توسعه‌نیافته‌ترین استان کشور، طی این دوره اختلاف فاحشی از نظر توسعه با استان‌های دیگر پیدا کرده‌اند.

۳. تعداد استان‌های توسعه‌نیافته در طول دوره مورد بررسی، افزایش یافته است.

۴. الگوی حاکم بر سازمان فضایی کشور، حاکی از وجود الگوی مرکز- پیرامون در توسعه منطقه‌ای است به طوری که تمامی استان‌های توسعه‌نیافته و محروم در نواحی حاشیه‌ای، مرزی و کوهستانی واقع شده‌اند.





شماره	عنوان مقاله	نویسندگان	محل انتشار
۳۲	تحلیل فضایی و سطح‌بندی شاخص‌های توسعه خدمات بهداشتی-درمانی با استفاده از تحلیل عاملی و تکنیک خوشه‌ای (مطالعه موردی: شهرستان‌های استان گیلان)	احمد تقدیسی - عضو هیئت علمی گروه جغرافیای دانشگاه اصفهان سیامک پیری - دانش‌آموخته کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی دانشگاه اصفهان عیسی بهاری - دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه اصفهان	فصلنامه جغرافیایی آمایش محیط، ش ۱۸، پاییز ۱۳۹۱ صص ۱۷۶-۱۴۵
روش تحقیق: توصیفی-تحلیلی، تکنیک تحلیل عاملی و تحلیل خوشه‌ای			

این مطالعه با بهره‌گیری از ۲۶ شاخص بهداشتی به تحلیل و سطح‌بندی شاخص‌های بهداشتی-درمانی شهرستان‌های استان گیلان پرداخته است. این مطالعه در بخش مبانی نظری به نظریات اقتصاد نئوکلاسیک در ارتباط با رشد، نظریه توسعه منطقه‌ای هیرشمن و نظریه قطب رشد پرو می‌پردازد.

### نتایج

۱. نتایج حکایت از شکاف فاحش بین شهرستان‌های استان گیلان به لحاظ شاخص‌های بهداشت و درمان و توزیع نامتعادل امکانات بهداشتی دارد.
۲. نویسندگان مقاله برای برون‌رفت از مشکل فوق پیشنهادهایی از قبیل اولویت دادن به شهرستان‌های بسیار محروم برای توسعه فضایی، گسترش خدمات بهداشت و درمان و ... ارائه کرده‌اند.

شماره	عنوان مقاله	نویسندگان	محل انتشار
۳۳	بررسی مقایسه‌ای وضعیت توزیع درآمد استان مرکزی با کل کشور	سیده مریم حسینی - دانشجوی دکتری اقتصاد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان هادی غفاری - دکتری اقتصاد، دانشگاه پیام نور اراک	فصلنامه رفاه اجتماعی، ش ۴۶، پاییز ۱۳۹۱، صص ۱۸۳-۲۱۳
روش تحقیق: تحلیلی-توصیفی محاسبه ضریب جینی، شاخص تایل و ضریب اتکینسون			

در این مطالعه وضعیت توزیع درآمد استان مرکزی با کل کشور طی سال‌های ۱۳۶۳ تا ۱۳۸۹ به تفکیک مناطق روستایی و شهری بررسی شده است.

### نتایج

۱. یافته‌ها نشان می‌دهد توزیع درآمد در مناطق شهری استان مرکزی نسبت به مناطق روستایی استان مناسب‌تر است.
۲. توزیع درآمد در مناطق شهری استان نسبت به مناطق شهری کل کشور مناسب‌تر است.

شماره	عنوان مقاله	نویسندگان	محل انتشار
۳۴	رتبه‌بندی استان‌های کشور جمهوری اسلامی ایران از لحاظ دسترسی به شاخص‌های بخش بهداشت و درمان	محمد حسین طحاری مهرجردی - کارشناس ارشد مدیریت صنعتی، جهاد دانشگاهی یزد حمید بابایی میبیدی - مربی مدیریت صنعتی، دانشکده مدیریت، دانشگاه یزد علی مروتی شریف‌آبادی - استادیار اقتصاد و حسابداری دانشکده مدیریت دانشگاه یزد	دو ماهنامه مدیریت اطلاعات سلامت، ش ۲۵، مرداد و شهریور ۱۳۹۱، صص ۳۵۶ - ۳۶۹
روش تحقیق: پیمایشی - توصیفی، تکنیک تاکسونومی عددی و آنروپی شانون و تاپسیس			

این مطالعه به شناسایی وضعیت توسعه‌یافتگی و رتبه‌بندی استان‌های کشور از لحاظ دسترسی به شاخص‌های بخش بهداشت و درمان پرداخته شده است.

### نتایج

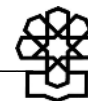
- از ۳۰ استان کشور در بخش بهداشت و درمان، ۱۲ استان توسعه‌یافته، ۹ استان نیمه توسعه‌یافته و ۹ استان دیگر توسعه نیافته‌اند.
- در بین استان‌های کشور از نظر شاخص‌های بخش بهداشت و درمان، اختلاف زیادی وجود دارد.

شماره	عنوان مقاله	نویسندگان	محل انتشار
۳۵	تحلیل تطبیقی سطح و میزان توسعه‌یافتگی اجتماعی شهرستان‌های استان هرمزگان	مسعود تقوایی - استاد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه اصفهان محمد صبوری - دانشجوی دکترای جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه اصفهان	مجله جغرافیا و برنامه‌ریزی محیطی، ش ۴۶، تابستان ۱۳۹۱، صص ۵۳ - ۶۸
روش تحقیق: اسنادی - تحلیلی، روش تحلیل عاملی			

در این مطالعه شهرستان‌های استان هرمزگان، با استفاده از روش تحلیل عاملی و با به‌کارگیری ۳۸ شاخص آموزشی، بهداشتی و درمانی، فرهنگی، زیربنایی و ارتباطی، از لحاظ میزان توسعه‌یافتگی رتبه‌بندی شده‌اند.

### نتایج

- نتایج نشان می‌دهد پراکنش سطوح توسعه نامتعادل بوده و بین شهرستان‌های استان هرمزگان از نظر توسعه‌یافتگی ناهمسانی دیده می‌شود.
- در میان شهرستان‌های استان هرمزگان، ابوموسی و جاسک به ترتیب در بالاترین و پایین‌ترین سطح توسعه‌یافتگی قرار دارند.



۳. بیشتر شهرستان‌های استان در سطح توسعه پایین یا محروم قرار دارند.

۴. نویسندگان این مقاله برنامه‌ریزی و اقدام برای تقویت و فراهم کردن تسهیلات و امکانات مربوط به شاخص‌های آموزشی، بهداشتی و رفاهی را به‌عنوان راهکاری برای برون‌رفت از مشکل نابرابری معرفی کرده‌اند.

شماره	عنوان مقاله	نویسندگان	محل انتشار
۳۶	تحلیل نابرابری‌های فضایی در استان خراسان رضوی	محمد رحیم رهنما - دانشیار گروه جغرافیا، دانشگاه فردوسی مشهد حسین آقاجانی - عضو هیئت علمی گروه برنامه‌ریزی شهری، جهاد دانشگاهی مشهد	فصلنامه مدرس علوم انسانی (برنامه‌ریزی و آمایش فضا)، ش ۷۵، بهار ۱۳۹۱، صص ۶۳-۸۸
روش تحقیق: اسنادی - تحلیلی، روش تحلیل عاملی			

هدف این مطالعه تبیین نابرابری‌های فضایی از نظر توسعه در استان خراسان رضوی است. بدین منظور از ۳۶ شاخص اجتماعی، اقتصادی و زیربنایی در سطح ۱۹ شهرستان استفاده شده است. همچنین در قسمت مبانی نظری، به برنامه‌ریزی فضایی و آمایش سرزمین اشاره شده است.

### نتایج

۱. طبق نتایج به‌دست آمده، تفاوت‌های بین شهرستانی در سطح استان به قدری شدید است که امکان تقسیم استان را به زیرمنطقه‌های همگون که دارای مجاورت فضایی باشند را ناممکن کرده است.
۲. شهرستان مشهد در استان دارای بالاترین سطح توسعه و شهرستان کلات پایین‌ترین سطح توسعه را داشته است.
۳. نیاز به سرمایه‌گذاری برای کاهش نابرابری در ابعاد اجتماعی، اقتصادی و زیربنایی احساس می‌شود.

شماره	عنوان مقاله	نویسندگان	محل انتشار
۳۷	سطح‌بندی توسعه منطقه‌ای در ایران (کاربرد رهیافت شاخص ترکیبی)	غلامحسین عبدا...زاده - استادیار توسعه روستایی و کشاورزی، دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی گرگان ابوالقاسم شریف‌زاده - استادیار ترویج و آموزش کشاورزی، دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی گرگان	فصلنامه مطالعات و پژوهش‌های شهری و منطقه‌ای، ش ۱۳، تابستان ۱۳۹۱، صص ۴۱-۶۲
روش تحقیق: تحلیلی - توصیفی با به‌کارگیری مدل AHP			

هدف از این مطالعه، تعیین شاخص ترکیبی توسعه در سطح ۳۰ استان ایران با استفاده از روش‌شناسی ساخت شاخص ترکیبی است. این شاخص برای رتبه‌بندی استان‌ها براساس سطوح

مختلف توسعه‌یافتگی به کار برده شده است. بدین منظور از ۴۱ شاخص در سه گروه «اجتماعی، جمعیتی و فرهنگی»، «اقتصادی» و «زیرساختی و خدماتی» استفاده شده است. همچنین در قسمت مبنای نظری به نظریات دوگانگی اقتصادی، همگرایی منطقه‌ای و رویکردهای قطبی شدن توسعه فضایی اشاره شده است.

## نتایج

۱. طبق نتایج این مطالعه، استان تهران در گروه شاخص‌های اجتماعی، جمعیتی و فرهنگی، استان خوزستان در گروه شاخص‌های اقتصادی و استان سمنان در گروه شاخص‌های زیرساختی و خدماتی بالاترین رتبه را دارا هستند. در تمامی موارد استان سیستان و بلوچستان پایین‌ترین رتبه را به خود اختصاص داده است.

۲. از نظر شاخص ترکیبی کل، استان‌های تهران، سمنان و اصفهان توسعه‌یافته‌ترین بودند و استان‌های کهگیلویه و بویراحمد، لرستان و سیستان و بلوچستان از پایین‌ترین سطح توسعه در کشور برخوردار بودند.

۳. الگوی فضایی به دست آمده براساس شاخص ترکیبی کل توسعه نیز در سه سطح توسعه‌یافتگی بالا (۹ استان)، متوسط (۱۶ استان) و پایین (۵ استان) بر مبنای تکنیک‌های سیستم اطلاعات جغرافیایی طبقه‌بندی شد.

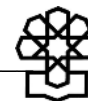
چنین الگویی وجود ساختار مرکز-پیرامون در توسعه اقتصادی فضایی ایران را تأیید می‌کند.

شماره	عنوان مقاله	نویسندگان	محل انتشار
۳۸	بررسی و تعیین شاخص‌های توسعه انسانی-آموزش در استان‌های کشور (در سال‌های ۱۳۸۷ و ۱۳۸۸)	رضا زینلزاده- عضو هیئت علمی گروه اقتصاد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمان صمد برزویان- دانشجوی دکترای تخصصی اقتصاد آموزش، دانشگاه بمبئی علیرضا ججری- عضو هیئت علمی گروه مهندسی صنایع، دانشگاه شهید باهنر کرمان	فصلنامه نگرش‌های نو در جغرافیای انسانی، سال چهارم، ش ۲، ۱۳۹۱، صص ۶۳-۸۱
روش تحقیق: توصیفی- اسنادی با استفاده از تکنیک‌های تاکسونومی عددی			

در این مقاله وضعیت استان‌های کشور از نظر شاخص توسعه انسانی در بُعد آموزش، با استفاده از ۱۶۱ شاخص و در دو مقطع زمانی ۱۳۷۵ و ۱۳۸۸ مورد ارزیابی و تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. ادبیات موضوع در این مطالعه معطوف به توسعه پایدار بوده است.

## نتایج

۱. نتایج نشان می‌دهد که در متوسط ضریب عدم برخورداری بین استان‌ها حدود ۲۲/۲ درصد بهبود به وجود آمده است، اما شدت نابرابری بین آنها افزایش یافته است.



۲. هم در سال ۱۳۷۵ و هم در سال ۱۳۸۸ از نظر ترکیب شاخص‌های اصلی توسعه انسانی، استان تهران در رتبه اول و استان‌های سیستان و بلوچستان در رتبه آخر قرار دارند.
۳. کمترین درجه توسعه انسانی مربوط به استان‌های سیستان و بلوچستان، کهگیلویه و بویر احمد، خراسان شمالی، آذربایجان غربی، لرستان، هرمزگان، گلستان، کردستان و ایلام بوده است.
۴. در نهایت یکی از پیشنهاد‌های نویسندگان به منظور رفع نابرابری‌های مذکور، تخصیص منابع به استان‌های محروم در برنامه‌ریزی‌های کوتاه‌مدت است.

شماره	عنوان مقاله	نویسندگان	محل انتشار
۳۹	بررسی سطح توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان لرستان به تفکیک بخش‌های مسکن و خدمات رفاهی- زیر بنایی، کشاورزی و صنعت	جمال محمدی- دانشیار گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری دانشگاه اصفهان اصغر عبدلی- دانشجوی دوره دکترای جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری دانشگاه اصفهان محمد فتحی بیرانوند- دانشجوی دوره دکترای جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری واحد علوم و تحقیقات	فصلنامه تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی، ش ۲۵، تابستان ۱۳۹۱، صص ۱۲۷-۱۵۰
روش تحقیق: توصیفی- تحلیلی و با استفاده از روش تحلیل عاملی و تاکسونومی عددی			

این مطالعه با استفاده از ۶۱ شاخص در سه بخش «مسکن و خدمات رفاهی و زیربنایی»، «کشاورزی» و «صنعت» به سنجش سطح توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان لرستان و سطوح برخورداری آنها می‌پردازد. همچنین در بخش مبانی نظری به نظریات رشد نامتوازن، قطب رشد، اثر تمرکز و اثر انتشار اشاره شده است.

## نتایج

۱. نتایج نشان می‌دهد نابرابری بین شهرستان‌های استان لرستان طی دوره زمانی مورد بررسی در بخش مسکن و خدمات رفاهی- زیربنایی افزایش و در بخش کشاورزی و صنعت کاهش یافته است.

شماره	عنوان مقاله	نویسندگان	محل انتشار
۴۰	تحلیلی بر روند تغییرات نابرابری‌های ناحیه‌ای و سطوح توسعه با استفاده از تکنیک‌های برنامه‌ریزی و تعیین سطوح توسعه یافتگی شهرستان‌های استان اردبیل (۱۳۸۵-۱۳۶۵)	محمدتقی معصومی- عضو هیئت علمی گروه جغرافیا دانشگاه آزاد اسلامی واحد اردبیل محمد اثنی عشری- کارشناس ارشد جغرافیای سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اردبیل	فصلنامه نگرش‌های نو در جغرافیای انسانی، سال چهارم، ش ۳، تابستان ۱۳۹۱، صص ۸۷-۱۰۶
روش تحقیق: توصیفی- تحلیلی، با استفاده از تکنیک‌های تاکسونومی عددی، ضریب تغییر و بلیامسون و ضریب آنتروپی			

هدف از این تحقیق بررسی وضعیت شهرستان‌های استان اردبیل از بُعد برخورداری از شاخص توسعه است. برای این منظور از ۴۰ شاخص اقتصادی، فرهنگی، زیربنایی و بهداشتی-درمانی استفاده شده است.

## نتایج

۱. نتایج نشان می‌دهد شهرستان اردبیل به دلیل مرکزیت اداری و سیاسی از لحاظ تمام شاخص‌های توسعه‌ای، برخوردارترین شهرستان بوده است و شهرستان مغان محروم‌ترین شهرستان استان بوده است.

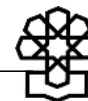
۲. در پایان نویسندگان مقاله، تحول در مدیریت استان و جلوگیری از تعصب‌های قومی و قبیله‌ای و استفاده از نظرات محققین و فعالان در عرصه برنامه‌ریزی را به‌عنوان راهکاری برای دستیابی به توسعه متوازن در استان معرفی می‌کنند.

شماره	عنوان مقاله	نویسندگان	محل انتشار
۴۱	تحلیلی بر سطح توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان کردستان با استفاده تطبیقی از تکنیک‌های SAW و PROMETHEE	محسن احدنژاد روشتی - استادیار گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه زنجان محمدجواد نوروزی - کارشناس ارشد گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه زنجان ایوب قادری - دانشجوی گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه زنجان مهدی چراغی - دانشجوی دکترای گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه تهران	فصلنامه آمایش جغرافیایی فضا، ش ۴، تابستان ۱۳۹۱، صص ۷۴-۵۷
روش تحقیق: توصیفی - تحلیلی، با استفاده از مدل SAW و PROMETHEE			

هدف این مطالعه تحلیل سطح توسعه‌یافتگی نقاط شهری شهرستان‌های استان کردستان و شناسایی مناطق توسعه‌یافته و در ادامه اولویت‌بندی برنامه‌های توسعه است. در این مطالعه از ۳۰ شاخص در ابعاد اقتصادی، اجتماعی، زیربنایی و کالبدی بهره‌گرفته شده است. همچنین مبانی نظری این مطالعه سیر تکاملی توسعه در طول زمان را در سه طبقه رشد همزمان با توزیع، نیازهای اساسی و توسعه پایدار، مورد بررسی قرار داده است.

## نتایج

۱. نتایج نشان می‌دهد شهرستان سنندج، سنقر و مریوان دارای بیشترین سطح توسعه‌یافتگی و شهرستان‌های سروآباد، دیواندره و کامیاران کمترین سطح توسعه‌یافتگی را دارند.



۲. در پایان نیز نویسندگان مقاله راهکارهایی مانند کشف استعدادهای ذاتی و نهفته در هر منطقه، گسترش تخصص‌گرایی، استفاده از متخصصان و کارشناسان بومی و ... را به‌عنوان راهکارهایی برای متعادل کردن توسعه در استان معرفی می‌کنند.

شماره	عنوان مقاله	نویسندگان	محل انتشار
۴۲	تحلیل نابرابری‌های توسعه ناحیه‌ای در ایران	مسعود تقوایی - دانشیار گروه جغرافیا، دانشگاه اصفهان حمیدرضا ورائی - دانشیار گروه جغرافیا، دانشگاه اصفهان رعنا شیخ بیگلر - دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه اصفهان	پژوهش‌های جغرافیای انسانی، ش ۷۸، سال ۱۳۹۰، صص ۱۵۳-۱۶۸
روش تحقیق: توصیفی-تحلیلی، فرآیند سلسله مراتبی (AHP)، روش TOPSIS			

این مطالعه در مقدمه بیان می‌کند، نابرابری‌های درون‌ناحیه‌ای و بین‌ناحیه‌ای از نمادهای آشکار کشورهای جهان سوم است که ناشی از شرایط اقتصادی، اجتماعی و سیاسی آنهاست و همگرایی در توسعه مناطق، زمانی محقق خواهد شد که مناطق محروم و کمتر توسعه‌یافته با شتاب بیشتری نسبت به مناطق دیگر، رشد و توسعه یابند. به نظر می‌رسد دو عامل «تفاوت‌های فزاینده در میزان توسعه‌یافتگی مناطق» و «توزیع نامتعادل امکانات و تسهیلات زندگی» همواره یکدیگر را تشدید می‌کنند. در قسمت مبانی نظری به توسعه قطبی مناطق اشاره شده است. در این مطالعه تعداد ۳۳۶ شهرستان مورد مطالعه قرار گرفته و برای این امر ۵۴ شاخص توسعه تدوین شده است. شاخص‌های مذکور در بخش‌های کشاورزی، اجتماعی، فرهنگی، آموزشی، درمانی، مسکن، اقتصادی و زیربنایی مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته است.

## نتایج

۱. براساس نتایج به‌دست آمده از این مطالعه، تنها ۳ شهرستان شمیرانات، تهران و دماوند در گروه بسیار توسعه‌یافته قرار گرفته‌اند.
۲. ناهمگنی چشمگیری میان شهرستان‌های طبقه بسیار توسعه‌یافته از نظر سطح توسعه‌یافتگی وجود دارد.
۳. نتایج حاصل از محاسبه ضریب پراکندگی نشان می‌دهد نابرابری در بخش کشاورزی در خور توجه است. میزان توسعه در این بخش تا اندازه زیادی متأثر از شرایط اقلیمی و محیطی است. با وجود این، ارتقای شاخص‌های مربوطه در مناطق محروم مستعد امری مهم است.
۴. ضریب پراکندگی بخش مسکن نیز قابل توجه بوده است و بیانگر وجود نابرابری آشکار در وضعیت

سکونت در شهرستان‌های کشور است. مطرح بودن مسکن به‌عنوان یکی از نیازهای اساسی انسان، ضرورت توجه به شاخص‌های مربوط به این بخش را افزایش می‌دهد.

۵. بیشتر شهرستان‌هایی که در این مطالعه به‌عنوان شهرستان‌های محروم و بسیار محروم شناخته شده‌اند، شهرستان‌های حاشیه‌ای مرزی هستند. از طرف دیگر، شهرستان‌های توسعه‌یافته بیشتر در مناطق مرکزی کشور قرار دارند یا مرکز استان مربوطه هستند.

۶. نتایج، حاکمیت یک نظام قوی مرکز-پیرامون را در ایران تأیید می‌کند و نمایانگر آن است که با وجود اتخاذ سیاست‌های توسعه منطقه‌ای در چند دهه گذشته، از جمله قطب‌های رشد در مناطق مختلف کشور، نابرابری‌های منطقه‌ای همچنان مشهود است.

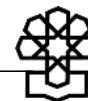
شماره	عنوان مقاله	نویسندگان	محل انتشار
۴۳	تحلیل مقایسه‌ای روش‌های رتبه‌بندی در اندازه‌گیری توسعه‌یافتگی (مطالعه موردی: شهرستان‌های استان خوزستان)	خدیجه نصرالهی - استادیار دانشکده علوم اداری و اقتصاد دانشگاه اصفهان نعمت‌ا... اکبری - دانشیار دانشکده علوم اداری و اقتصاد دانشگاه اصفهان مسعود حیدری - دانشجوی کارشناسی‌ارشد دانشکده اقتصاد دانشگاه اصفهان	مجله علمی - پژوهشی آمایش سرزمین، سال سوم، ش ۴، سال ۱۳۹۰، صص ۶۵-۹۳
روش تحقیق: توصیفی تحلیلی، تاکسونومی عددی، تحلیل عاملی و منطق فازی			

این مطالعه با استفاده از روش‌های تاکسونومی عددی، تحلیل عاملی و منطق فازی به بررسی توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان خوزستان می‌پردازد. از دیدگاه نویسندگان این مقاله، توسعه و برنامه‌ریزی ماهیتی چندبعدی دارد و نمی‌توان برخی از ابعاد توسعه را به خاطر جنبه‌های دیگر نادیده گرفت، بلکه باید بین اهداف و ابعاد گوناگون آن سازگاری لازم را برقرار کرد. مبانی نظری مورد بررسی در این مقاله بیشتر معطوف به توسعه پایدار بوده است. بنابراین در انتخاب شاخص‌های مورد مطالعه به مسائل توسعه پایدار (اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی) توجه شده است.

از نظر پدیدآورندگان این اثر شاخص‌ها باید ویژگی‌ها و شرایط زیر را داشته باشند:

۱. با توجه به اینکه در بحث توسعه اصولاً انسان مطرح است و ارزیابی شاخص‌های مستقل از عناصر انسانی، بهره‌مندی‌ها و نابرابری‌ها را نشان نمی‌دهد، لذا تا حد امکان باید شاخص‌هایی انتخاب شود که به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم در ارتباط با افراد، خانوارها و یا گروه‌های اجتماعی هستند.
۲. در انتخاب شاخص‌ها باید هدف دنبال شود تا علت توسعه، یعنی تا حد امکان شاخص‌هایی مد نظر قرار گیرند که بیانگر آثار توسعه‌یافتگی هستند تا شاخص‌هایی که موجب توسعه‌یافتگی خواهند شد.
۳. شاخص‌ها نباید تحت تأثیر بزرگی منطقه باشند و باید به‌صورت نسبی بیان شوند.





۴. شاخص‌های آموزشی، فرهنگی، جمعیت و اشتغال، بهداشت (فیزیکی و نیروی انسانی)؛ خدمات اجتماعی، زیربنایی، کشاورزی، دامداری و صنعت به‌عنوان شاخص‌های اصلی اندازه‌گیری توسعه‌یافتگی به‌کارگرفته شده‌اند.

## نتایج

۱. رتبه‌بندی با استفاده از روش منطق فازی دقیق‌تر است.
۲. بسیاری از شهرستان‌های استان خوزستان در سال ۱۳۸۶ نسبت به سال ۱۳۷۹ تنزل رتبه داشته‌اند.

شماره	عنوان مقاله	نویسندگان	محل انتشار
۴۴	سنجش و تحلیل نابرابری‌های منطقه‌ای بازار کار در برنامه چهارم توسعه	علاءالدین ازوجی - معاون دفتر برنامه‌ریزی اقتصاد کلان و ارزیابی برنامه معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی ریاست‌جمهوری	فصلنامه علمی- پژوهشی برنامه‌ریزی و بودجه، سال شانزدهم، ش ۲، سال ۱۳۹۰، صص ۸۳-۱۰۶

روش تحقیق: اسنادی تحلیلی

هدف از این مطالعه سنجش و بررسی نابرابری‌های مناطق ۳۰ استان کشور به لحاظ بازار کار، در دوره برنامه چهارم توسعه (۱۳۸۸-۱۳۸۴) است. در قسمت مبانی نظری، این مطالعه بر روی نظریه دوگانگی اقتصادی، نظریه قطبی شدن و نظریه همگرایی منطقه‌ای تأکید شده است. متغیرهای اساسی پژوهش نیز نرخ مشارکت نیروی کار و نرخ بیکاری است. برای شناسایی و سنجش نابرابری‌های منطقه‌ای بازار کار در بین استان‌های کشور، از سنجه‌های نابرابری نظیر شاخص ضریب تغییرات، شاخص هیرشمن-هرفیندال، شاخص انحراف از میانگین نسبی، شاخص ویلیامسون و شاخص تایل استفاده شده است.

## نتایج

۱. طبق نتایج، شاخص نابرابری منطقه‌ای (نرخ بیکاری) نشان می‌دهد که این نابرابری‌ها همواره وجود دارند و روند آن به‌طور نسبی، کاهش یافته است و عدم کاهش حداکثر و حداقل نرخ بیکاری میان استان‌ها و عدم تغییرات نتایج سنجه‌های نابرابری منطقه‌ای، مؤید این موضوع است.
۲. برای اینکه نابرابری‌های مذکور به‌صورت کوتاه‌مدت کاهش یابند، ضرورت دارد سیاست‌های فعالی که موجب تحرک بخش بازار کار مناطق می‌شوند، با اولویت مناطق مورد نظر دولت، به‌طور هدفمند اجرا شوند.
۳. در بلندمدت نیز سیاست‌های توسعه اشتغال و سرمایه‌گذاری مبتنی بر برنامه‌ریزی مناطق، در قالب آمایش سرزمین انجام شود.

۴. اگر مناطق نتوانند متناسب با افزایش تخصص و دانش نیروی کار، زمینه ایجاد اشتغال را فراهم کنند، به‌طور طبیعی این نابرابری‌ها تشدید می‌شوند یا اینکه مهاجرت نیروی کار به سایر مناطق افزایش خواهد یافت.

۵. در میان بازارهای اقتصادی در ایران، بازار کار منطقه‌ای بیشتر از سایر بازارها از عدم تعادل‌ها برخوردار است.

۶. روند تغییرات نرخ بیکاری کل کشور و روند اختلاف بین حداکثر و حداقل نرخ بیکاری استان‌ها، با روند شاخص‌های نابرابری منطقه‌ای رابطه معکوس داشته است. به‌عبارت دیگر، سیاست‌های کلان اقتصادی برای ایجاد فرصت‌های شغلی و کاهش نرخ بیکاری، همواره به نفع کاهش نابرابری‌های نرخ بیکاری در استان‌های کشور نبوده است. این روند برای نرخ مشارکت نیروی کار بیشتر مشهود است. یعنی این نرخ نه تنها در کل کشور کاهش یافته، بلکه نابرابری‌های آن نیز تا حدودی بیشتر شده است و بر خلاف انتظار است.

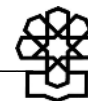
۷. پیشنهاد شده است که در توسعه مناطق و کاهش نابرابری‌های آنها، رویکردهای توسعه بازار کار، به لحاظ تقویت در عرصه نیروی کار، از طریق توسعه کیفی آموزش‌های رسمی، غیررسمی و کاربردی و هدفمندکردن پذیرش دانشگاه‌های دولتی و غیردولتی در مناطق مختلف کشور، می‌تواند به تحقق اهداف منطقه‌ای دولت کمک کنند.

شماره	عنوان مقاله	نویسندگان	محل انتشار
۴۵	اثر مهاجرت بر رشد اقتصادی و همگرایی منطقه‌ای در ایران	تیمور رحمانی - دانشیار گروه اقتصاد دانشگاه تهران ابراهیم حسن‌زاده - کارشناس ارشد اقتصاد دانشگاه تهران	فصلنامه تحقیقات و مدل‌سازی اقتصادی، ش ۵، سال ۱۳۹۰، صص ۱-۱۹
روش تحقیق: آزمون فرضیه همگرایی بتا و سیگما			

این مطالعه در پی پاسخ دادن به این سؤال است که آیا در بین استان‌های کشور همگرایی وجود دارد؟ و مهاجرت در بین استان‌های ایران چه تأثیری بر همگرایی در بین استان‌ها دارد؟ مبانی نظری این مطالعه بر مدل‌های نئوکلاسیکی که همگرایی در آن به وسیله سطح درآمد و نرخ رشد بررسی می‌شود تأکید دارد. برای محاسبات نیز از داده‌های مقطعی مربوط به تولید ناخالص سرانه استانی و خالص مهاجرت، برای ۲۸ استان ایران استفاده شده است.

## نتایج

۱. با توجه به نتایج به‌دست آمده، همگرایی بین استان‌های ایران وجود دارد و استان‌های فقیرتر با نرخ رشد



بیشتری به سوی تعادل بلندمدت حرکت می‌کنند. طبق نتایج، استان‌های ایران با سرعت ۰/۰۵۳ به تعادل بلندمدت نزدیک می‌شوند. با این سرعت، سالیانه ۵/۳ درصد از شکاف بین وضعیت اولیه استان‌ها و حالت تعادل بلندمدت آنها از بین می‌رود و در نهایت پس از حدود ۱۳ سال، شکاف نصف می‌شود.

۲. مهاجرت اثر منفی بر همگرایی دارد و همگرایی بین استان‌های ایران را کاهش می‌دهد. در ایران جریان مهاجرت به‌طور معمول از سوی استان‌های فقیر به استان‌های ثروتمند است. در این شرایط، با ورود مهاجران به استان‌های ثروتمند، نرخ رشد درآمد این استان‌ها افزایش می‌یابد و این به معنی واگرایی و شکاف بیشتر بین استان‌های کشور است.

شماره	عنوان مقاله	نویسندگان	محل انتشار
۴۶	ارزیابی برخی شاخص‌های ابعاد نابرابری منطقه‌ای در ایران	مرتضی توکلی - استادیار جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی دانشگاه زابل غریب فاضل‌نیا - استادیار جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی دانشگاه زابل یعقوب زارعی - دانشجوی کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی دانشگاه زابل مهران نیک‌آریا - دانشجوی کارشناسی ریاضی محض دانشگاه زابل	فصلنامه روستا و توسعه، سال ۱۴، ش ۱، سال ۱۳۹۰، صص ۱۰۱-۱۱۷
روش تحقیق: تحلیلی - توصیفی			

در این مطالعه عدالت اجتماعی با برابری در دسترسی به فرصت‌ها برای عموم تعریف شده و توسعه نابرابر و محرومیت به‌عنوان منشأ اصلی شکاف طبقاتی، اخلال در بخش کشاورزی، مهاجرت، بالا رفتن نرخ بیکاری، فقر، افزایش فساد و جرائم معرفی می‌گردد. از سوی دیگر بیان می‌شود که پدیده جهانی شدن موجب گسترش نابرابری‌ها در ایران شده است.

در این مقاله ۱۰ استان مرزی و مرکزی کشور در سال‌های ۱۳۶۵، ۱۳۷۵ و ۱۳۸۵ با مؤلفه‌های جمعیتی، بهداشتی، خدمات اساسی، بهداشتی و ارتباطات مورد بررسی قرار گرفته‌اند.

## نتایج

۱. در مقوله شاخص‌های زیرساختی (دسترسی به راه آسفالت، آب لوله‌کشی، برق) میانگین برخورداری در استان‌های مرزی در اکثر مواقع کمتر از استان‌های مرکزی است.

۲. در بررسی شاخص بهداشت (دسترسی به حمام، مراکز بهداشتی درمانی، خانه بهداشت، پزشک، دامپزشک و تکنسین دامپزشکی، بهیار و مامای روستایی) تنها ساکنان مناطق مرزی در دسترسی به بهیار و مامای روستایی وضعیت بهتری نسبت به مناطق مرکزی داشته‌اند و در عوض دسترسی به

پزشک و مراکز بهداشتی درمانی در ماطق مرزی بسیار پایین‌تر از مناطق مرکزی است. ۳. در مورد شاخص دسترسی به ارتباطات (دسترسی به صندوق پست، روزنامه و مجله، تلفن، وسیله نقلیه عمومی) مناطق مرکزی در دسترسی به صندوق پست، روزنامه، مجله و تلفن برتری شایانی نسبت به مناطق مرزی دارند و تنها دسترسی به وسیله نقلیه عمومی مناطق مرزی به مناطق مرکزی وضعیت بهتری دارد.

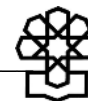
شماره	عنوان مقاله	نویسندگان	محل انتشار
۴۷	سنجش درجه توسعه‌یافتگی صنعتی در مناطق مرزی ایران (مطالعه موردی شمال غرب کشور، شهرستان‌های جنوبی استان آذربایجان غربی)	حسین حاتمی‌نژاد- دانشیار جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه تهران طاهر ابوبکری- کارشناس ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه تهران افسانه احمدی- کارشناس ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه تهران فرشته نایب‌زاده- کارشناس ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه تبریز	مجله پژوهش و برنامه‌ریزی شهری، سال دوم، ش ۶، سال ۱۳۹۰، صص ۱-۱۸
روش تحقیق: تاکسونومی عددی			

این مطالعه به سنجش درجه توسعه‌یافتگی صنعتی در مناطق مرزی ایران پرداخته است به این منظور نظریه‌های توسعه منطقه‌ای (نظریه مکانی، نظریه جغرافیایی، نظریه کالبدی و نظریه اقتصادی)، نظریه‌های مکان مرکزی، نظریه قطب رشد، نظریه مرکز- پیرامون و نظریه بازگشت تمرکز مورد توجه قرار گرفته است.

## نتایج

۱. نتایج این مطالعه نشان می‌دهد استان آذربایجان غربی در مقایسه با سایر استان‌های کشور توسعه نیافته‌تر است.
۲. همچنین اختلافات فاحشی بین شهرستان‌های جنوبی استان از نظر توسعه صنعتی مشاهده می‌شود.
۳. به دلیل دیدگاه امنیتی مسئولان، به مناطق حاشیه‌ای و مرزی توجه کمی صورت گرفته است.

شماره	عنوان مقاله	نویسندگان	محل انتشار
۴۸	بررسی روند تغییرات درجه توسعه یافتگی مناطق روستایی سیستان و بلوچستان با بهره‌گیری از تاکسونومی عددی طی دهه‌های ۱۳۸۵ و ۱۳۷۵	دکتر عیسی ابراهیم‌زاده- دانشیار جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه سیستان و بلوچستان کوهزاد رئیس‌پور- دانشجوی دکتری جغرافیا دانشگاه سیستان و بلوچستان	مجله جغرافیا و توسعه، ش ۲۴، سال ۱۳۹۰، صص ۵۱-۷۶
روش تحقیق: توصیفی- تحلیلی و تاکسونومی عددی			



هدف این مطالعه بررسی درجه توسعه‌یافتگی مناطق روستایی استان سیستان و بلوچستان بوده است. به این منظور ۳۵ شاخص توسعه در سرفصل‌های جمعیتی، زیربنایی، اقتصادی، فرهنگی و بهداشتی- درمانی به‌کارگرفته شده است.

### نتایج

۱. نتایج نشان می‌دهد در دهه ۱۳۷۵ اغلب روستاهای استان در طبقه مناطق نیمه توسعه‌یافته و توسعه نیافته قرار داشته‌اند.
۲. شکاف توسعه‌ای بین شهرستانی و بین‌بخشی نیز در دهه ۱۳۷۵ مشهود است.
۳. توسعه نواحی روستایی استان در مقطع زمانی ۱۳۸۵ بجز در شهرستان زابل و بخش‌های تابعه آن، در سایر شهرستان‌ها و بخش‌ها نشان‌دهنده آن است که این روند رو به رشد بوده است.
۴. تغییر جایگاه و رتبه توسعه‌یافتگی روستاها، عمدتاً شامل بخش‌های مرکزی شهرستان‌ها بوده است.

شماره	عنوان مقاله	نویسندگان	محل انتشار
۴۹	ارزیابی سطوح توسعه و نابرابری ناحیه‌ای با مدل تصمیم‌گیری چندمعیاره، مطالعه موردی: سکونتگاه‌های روستایی استان مازندران	جعفر میرکتولی- استادیار جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری دانشگاه گلستان محمدرضا کنعانی- دانشجوی دکترای جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری دانشگاه اصفهان	مجله مکان، فصلنامه جغرافیا و آمایش سرزمین، ش ۲، سال ۱۳۹۰، صص ۱۷-۳۶
روش تحقیق: تصمیم‌گیری چندمعیاره MCDM، آنالیز و تاپسیس			

این مقاله با هدف ارزیابی سطوح توسعه سکونتگاه‌های روستایی صورت گرفته است. برای این منظور از ۴۰ معیار توسعه در قالب شاخص‌های زیربنایی، بهداشتی- درمانی، آموزشی- فرهنگی، اقتصادی و جمعیتی استفاده شده است. در قسمت مبانی نظری نیز نظریه توسعه متوازن مورد توجه قرار گرفته است.

### نتایج

۱. مطابق نتایج به‌دست آمده از این مطالعه، برخورداری سکونت‌های روستایی هر یک از شهرستان‌های استان مازندران از معیارهای مورد بررسی به شکل همگن و یکنواخت نیست (وجود نابرابری).
۲. شهرستان ساری دارای کمترین فاصله با میزان ایدئال و در رتبه اول و شهرستان فریدونکنار با بیشترین فاصله در رتبه آخر شهرستان‌های استان به لحاظ توسعه‌یافتگی سکونتگاه‌های روستایی قرار دارند.

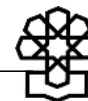
شماره	عنوان مقاله	نویسندگان	محل انتشار
۵۰	سطح‌بندی میزان برخورداری شهرستان‌های استان فارس به لحاظ شاخص‌های توسعه با استفاده از مدل HDI	محمد رضا رضایی - استادیار جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت محمد امین عطار - دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه محقق اردبیلی	فصلنامه برنامه‌ریزی منطقه‌ای، ش ۴، زمستان ۱۳۹۰، صص ۵۳-۶۸
روش تحقیق: تحلیلی- توصیفی، شاخص ترکیبی توسعه انسانی (HDI)			

در این مطالعه با استفاده از ۲۲ شاخص در زمینه‌های اقتصادی، زیرساختی، آموزشی، بهداشتی و خدماتی و با بهره‌گیری از شاخص ترکیبی توسعه انسانی (HDI)، سطوح برخورداری شهرستان‌های استان فارس تعیین و تحلیل شده است. در قسمت مبنای نظری نیز به نظریات توسعه قطب رشد، مرکز رشد و ... اشاره شده است.

### نتایج

۱. نتایج نشان می‌دهد که تفاوت‌ها و نابرابری‌های قابل توجهی در سطح توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان فارس وجود دارد.
۲. براساس نتایج مطالعات تنها در دو مجموعه شاخص آموزشی و زیرساختی، شهرستان‌های توسعه‌یافته در استان وجود دارند و در مابقی شاخص‌ها (بهداشتی، خدمات و اقتصادی) همه شهرستان‌ها دارای سطح نیمه‌توسعه‌یافته یا توسعه‌نیافته هستند.
۳. سطح توسعه‌یافتگی شهرستان‌ها در زمینه‌های مختلف با یکدیگر هماهنگ نیست و تفاوت زیادی را نشان می‌دهد.
۴. به لحاظ مکانی- فضایی اکثر شهرستان‌های شمالی و شرقی استان از شهرستان‌های جنوبی و غربی توسعه‌یافته‌تر هستند. این موضوع اولویت توسعه و ضرورت توجه بیشتر به نواحی جنوبی و غربی استان را در برنامه‌های آینده توسعه استان مشخص می‌کند.

شماره	عنوان مقاله	نویسندگان	محل انتشار
۵۱	تحلیلی بر درجه توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان آذربایجان شرقی (با استفاده از تکنیک AHP و TOPSIS)	علی زنگی آبادی - دانشیار گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه اصفهان جابر علی‌زاده - دانشجوی کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه اصفهان مهدي احمدیان - دانشجوی کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه اصفهان	فصلنامه نگرش‌های نو در جغرافیای انسانی، سال چهارم، ش ۱، زمستان ۱۳۹۰، صص ۶۹-۸۴
روش تحقیق: توصیفی- تحلیلی با استفاده از روش تاپسیس و تکنیک AHP			



در این مطالعه با استفاده از ۸ شاخص بهداشتی- درمانی بر پایه سرشماری آماری سال ۱۳۸۵، میزان نابرابری‌های موجود در بین شهرستان‌های استان آذربایجان شرقی تعیین شده است.

## نتایج

۱. نتایج به دست آمده نشان می‌دهد که شهرستان تبریز از لحاظ شاخص‌های بهداشتی- درمانی در رتبه اول و شهرستان ملکان در رتبه آخر قرار گرفته است.
۲. نویسندگان این مقاله راهکارهای مانند احداث مراکز بهداشت در روستاها و مناطق محروم، افزایش تعداد داروخانه‌ها، تجهیز مراکز بهداشتی و ... را برای بهبود وضعیت موجود پیشنهاد داده‌اند.

شماره	عنوان مقاله	نویسندگان	محل انتشار
۵۲	ارزیابی وضعیت توسعه‌یافتگی استان‌های کشور با استفاده از تکنیک‌های لاجیت و پروبیت	محمدحسین سرائی- دانشیار گروه جغرافیا دانشگاه یزد کبری سرخ کمال- کارشناس ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری دانشگاه یزد مریم بیرانوندزاده- مدرس دانشگاه آزاد اسلامی واحد بروجرد منصور مهینی‌زاده- عضو هیئت علمی گروه اقتصاد دانشگاه یزد	فصلنامه نگرش‌های نو در جغرافیای انسانی، سال سوم، ش ۳، تابستان ۱۳۹۰، صص ۷۹-۹۲
روش تحقیق: تحلیلی- کمی، با استفاده از مدل‌های تاکسونومی و موریس و تکنیک‌های لاجیت و پروبیت			

این مطالعه به بررسی میزان توسعه‌یافتگی استان‌های کشور پرداخته است.

## نتایج

۱. نتایج نشان می‌دهد در استان‌های مختلف کشور از نظر توسعه‌یافتگی نابرابری وجود دارد.
۲. علت نابرابری فوق‌الذکر، رویکرد حاکم بر نظام برنامه‌ریزی در کشور طی پنجاه سال گذشته است. چون معیارهای تصمیم‌گیری با الگوی مرکز- پیرامونی صورت گرفته است.
۳. شهرهای توسعه‌یافته اغلب در استان‌های مرکز کشور متمرکز شده است و در مقابل در مناطق جنوبی، جنوب غربی و جنوب شرقی با قطب‌های محرم از توسعه مواجه هستیم.
۴. نرخ شهرنشینی، نرخ باسوادی، نسبت شاغلین بخش صنعت به کل شاغلین هر استان و درصد اشتغال از جمله شاخص‌هایی هستند که با افزایش در سطح آنها، سطح توسعه‌یافتگی استان‌ها نیز افزایش می‌یابد.
۵. عامل تمرکز صنعتی در استان‌های توسعه‌یافته یکی از عواملی است که تأثیر زیادی بر افزایش نابرابری‌های موجود داشته است.

شماره	عنوان مقاله	نویسندگان	محل انتشار
۵۳	تحلیل درجه توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان اصفهان در شاخص‌های عمده بخش کشاورزی	حمید برقی - استادیار جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه اصفهان یوسف قنبری - استادیار جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه اصفهان احمد حجاریان - دانشجوی کارشناسی ارشد جغرافیای روستایی، دانشگاه اصفهان	فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی شهری، ش ۴، بهار ۱۳۹۰، صص ۱۱۳-۱۲۸
روش تحقیق: توصیفی - تحلیلی، روش موربیس			

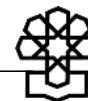
این پژوهش با استفاده از روش موربیس، به تعیین درجه توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان اصفهان در زمینه شاخص‌های عمده بخش کشاورزی پرداخته است. جامعه آماری تحقیق کل شهرستان‌های استان اصفهان را شامل می‌شود. ۱۴ شاخص مورد استفاده در این مطالعه نیز از سرشماری‌های عمومی کشاورزی ۱۳۸۲ و نفوس و مسکن ۱۳۸۵ استخراج شده‌اند. همچنین در قسمت مبانی نظری به نظریات قطبی شدن و نشت به پایین هیرشمن، آثار پخش و آثار واپس‌روی میردال و رشد یکپارچه نواحی از طریق قطب‌های رشد اشاره شده است.

## نتایج

۱. نتایج تحقیق حاکی از آن است که شکاف و نابرابری بین شهرستان‌ها در زمینه فعالیت‌های کشاورزی بسیار عمیق است.
۲. شهرستان‌های اصفهان، فلاورجان و نجف‌آباد در زمره شهرستان‌های توسعه‌یافته و خوانسار، چادگان و فریدون‌شهر از محروم‌ترین شهرستان‌ها از نظر شاخص‌های مورد بررسی این مطالعه بوده‌اند.
۳. نابرابری‌های منطقه‌ای در زمینه شاخص‌های کشاورزی، به ضعف و نامساعد بودن خاک و اقلیم محدود نمی‌شود و شیوه‌های مدیریتی نیز بسیار اثرگذار هستند.
۴. در نهایت نویسندگان این مقاله راهکارهایی مانند کشف استعدادهای ذاتی هر منطقه، گسترش تخصص‌گرایی در تولید و ... را برای کاهش نابرابری بین شهرستان‌های استان ارائه می‌دهند.

شماره	عنوان مقاله	نویسندگان	محل انتشار
۵۴	ارزیابی و تحلیل میزان توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان فارس	علی زنگی آبادی - دانشیار جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه اصفهان محمود اکبری - دانشجوی دکترای جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشکده ادبیات و علوم انسانی	فصلنامه محیط‌شناسی، ش ۵۹، پاییز ۱۳۹۰، صص ۱۱۳-۱۲۲
روش تحقیق: کمی - تحلیلی و استفاده از روش تحلیل عاملی			





این مطالعه به سطح‌بندی فضایی و تحلیلی میزان توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان فارس پرداخته است. برلی این منظور ۴۳ شاخص در زمینه‌های آموزشی، بهداشتی- درمانی، ارتباطی، مسکونی و فرهنگی مورد استفاده قرار گرفته است.

### نتایج

۱. سطح‌بندی‌ها نشان از آن دارد که شاخص‌های مورد بررسی در شهرستان‌های استان فارس دارای نابرابری فضایی هستند.

۲. شهر شیراز به دلیل داشتن مرکزیت سیاسی و برتری در زمینه‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و غیره و قطب رشد بودن آن در زمینه برخورداری از شاخص‌های مورد بررسی در این مطالعه، برتری خود را در استان حفظ کرده است.

۳. الگوی فضایی توسعه در استان فارس حکایت از مدل مرکز- پیرامون و قطب رشد دارد.

شماره	عنوان مقاله	نویسندگان	محل انتشار
۵۵	شناسایی مناطق محروم ایران با استفاده از رتبه‌بندی ترکیبی	رعنا شیخ بیگلو- استادیار جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه شیراز	فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی شهری، ش ۷، زمستان ۱۳۹۰، صص ۵۳-۷۰
روش تحقیق: تحلیلی با استفاده از روش‌های تاپسیس، تاکسونومی عددی و موریس			

این مقاله به بررسی سطح توسعه‌یافتگی استان‌های کشور از نظر ۴۰ شاخص مختلف پرداخته است. در قسمت مبانی نظری توسعه متوازن مورد توجه قرار گرفته است.

### نتایج

۱. براساس نتایج استان‌های تهران، اصفهان و مازندران به‌عنوان توسعه‌یافته‌ترین استان‌ها و استان‌های هرمزگان، خراسان جنوبی و سیستان و بلوچستان به‌عنوان محروم‌ترین استان‌های کشور قلمداد می‌شوند.

۲. این مطالعه تسلط شدید نظام مرکز- پیرامون را در کشور تأیید می‌کند.

شماره	عنوان مقاله	نویسندگان	محل انتشار
۵۶	بررسی مقایسه‌ای نابرابری هزینه‌های بهداشتی و درمانی خانوارهای استان‌های کشور	یدا... واقعی- استادیار گروه آمار، دانشگاه بیرجند سمانه نیک‌طینت- دانشجوی کارشناسی ارشد آمار، دانشگاه بیرجند غلامرضا محتشمی برزادران- دانشیار گروه آمار، دانشگاه فردوسی مشهد	مجله دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی، سال سوم، ش ۴، زمستان ۱۳۹۰، صص ۱-۱۴
روش تحقیق: تحلیلی- آماری			

در این مطالعه با استفاده از داده‌های «طرح آمارگیری از هزینه و درآمد خانوارها در سال ۱۳۸۷» میانگین و ضریب جینی هزینه‌های بهداشتی و درمانی خانوارها برای هر یک از استان‌های کشور محاسبه شده است.

## نتایج

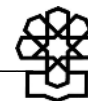
۱. در بین استان‌های کشور نابرابری وجود دارد و هر چه از سمت غرب به سمت شرق کشور حرکت می‌کنیم میانگین هزینه‌های بهداشتی به‌طور متوسط کاهش می‌یابد.
۲. در بین استان‌های کشور خراسان جنوبی کمترین میانگین هزینه و استان ایلام بیشترین میانگین هزینه بهداشتی و درمانی را دارا هستند.

شماره	عنوان مقاله	نویسندگان	محل انتشار
۵۷	قطب‌های رشد به مثابه رویکردی در عدم تعادل‌های ناحیه‌ای ایران	ابوالفضل قنبری- استادیار گروه پژوهش‌های جغرافیایی دانشگاه تبریز میرنجف موسوی- استادیار گروه جغرافیا، دانشگاه ارومیه	فصلنامه فضای جغرافیایی، ش ۳۴، تابستان ۱۳۹۰، صص ۵۰-۷۲
روش تحقیق: توصیفی			

این مطالعه به شناسایی قطب‌های رشد در ایران و نحوه شکل‌گیری آنها و همچنین تأثیرات ناشی از قطب‌های رشد بر نابرابری ناحیه‌ای پرداخته است. بدین منظور از ۵۴ شاخص فرهنگی و آموزشی، اقتصادی، بهداشتی و درمانی، زیربنایی، مسکن و ورزش استفاده شده است. همچنین در بخش مبانی نظری به نظریات قطب رشد، قطبی شدن، اثر انتشار و مرکز-پیرامون اشاره شده است.

## نتایج

۱. رشد شهرنشینی از سال ۱۳۴۰، به‌علت استعماری مرکز- پیرامون و توسعه برون‌زا که ناشی از دلارهای نفتی و راهبردهای جایگزینی واردات بوده است، موجب تقویت نظام تک‌شهری تهران شده که در نتیجه آن شهرهای پیرامون از امکانات و جمعیت تهی مانده است.
۲. اثرگذاری قطب‌های رشد مانند تهران، مشهد، اصفهان، تبریز و شیراز بر نواحی پیرامونی خویش با موفقیت همراه نبوده و نتوانسته‌اند موجب توسعه اقتصادی- اجتماعی نواحی پیرامون شوند.
۳. نویسندگان این اثر در پایان راهکارهای زیر را برای برون‌رفت از مشکل نابرابری ارائه می‌دهند:  
- تلاش برای رفع نارسایی نظام برنامه‌ریزی و انطباق آن با برنامه‌ریزی ناحیه‌ای، زیرا نظام برنامه‌ریزی کشور عمدتاً دارای ماهیت بخشی و تمرکزگرا بوده است.



- پر کردن خلأ و ضعف‌های قانونی، اصلاح و تعدیل برخی از قوانین در جهت تمرکززدایی از نظام تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی.

- تعادل بین نقاط شهری قطب شده با شهرهای میانی و کوچک.

- تقویت و گسترش توسعه در شهرهای کوچک و میانه.

شماره	عنوان مقاله	نویسندگان	محل انتشار
۵۸	مطالعه رابطه بین نابرابری درآمد و رشد اقتصادی در مناطق شهری و روستایی کشور	سیدابوالقاسم مرتضوی - استادیار کارشناسی ارشد اقتصاد کشاورزی، دانشکده کشاورزی دانشگاه تربیت مدرس فرزاد سراج‌زاده - دانشجوی کارشناسی ارشد اقتصاد کشاورزی، دانشکده کشاورزی دانشگاه تربیت مدرس مریم شکوهی - دانشجوی دکترای دانشکده اقتصاد و توسعه کشاورزی، دانشگاه تهران	مجله تحقیقات اقتصاد کشاورزی، ش ۹، ۱۳۹۰، صص ۱۶۵-۱۸۰
روش تحقیق: اقتصاد سنجی			

این مقاله به بررسی چگونگی تغییرات نابرابری درآمدی در مناطق شهری و روستایی تمامی استان‌های کشور در فرآیند رشد اقتصادی پرداخته است. دوره زمانی مورد بررسی مربوط به سال‌های ۱۳۷۹-۱۳۸۶ بوده و از داده‌های تابلویی در قالب منحنی کوزنتس استفاده شده است.

## نتایج

- نتایج نشان می‌دهد ۱ درصد افزایش در درآمد سرانه استان‌ها، به‌طور متوسط نابرابری درآمدی را در نقاط شهری ۰/۴۴ درصد افزایش می‌دهد، در حالی که همین میزان افزایش در درآمد سرانه استان‌ها باعث کاهش ۰/۴۱ درصدی نابرابری درآمد در مناطق روستایی می‌شود.
- بنابراین، همگام با دستیابی به رشد اقتصادی بالاتر، لزوم اجرای برنامه‌های مبارزه با فقر و کاهش نابرابری درآمدی در کشور و به‌خصوص در مناطق شهری پیشنهاد می‌شود.

شماره	عنوان مقاله	نویسندگان	محل انتشار
۵۹	بررسی و تحلیل روند توسعه‌یافتگی و نابرابری‌های فضایی در شهرستان‌های استان آذربایجان غربی	دکتر هاشم داداش‌پور - استادیار برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای دانشگاه تربیت مدرس بهرام علیزاده - کارشناس ارشد برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای دانشگاه تربیت مدرس بهاره مدنی - دانشجوی کارشناسی ارشد برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای، دانشگاه تربیت مدرس	فصلنامه علوم اجتماعی، ش ۵۳، تابستان ۱۳۹۰، صص ۱۷۳-۲۰۷
روش تحقیق: تحلیلی - تحقیقی، با استفاده از تکنیک‌های آماری تاکسونومی عددی، ضریب ویلیامسون و رگرسیون چندمتغیره			

این مقاله به بررسی نابرابری‌های فضایی و تحلیل روند توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان آذربایجان غربی در طی دوره‌های زمانی ۱۳۶۵ تا ۱۳۸۵ پرداخته است. برای بررسی موارد فوق‌الذکر از ۵ شاخص جمعیتی، بهداشتی، اجتماعی، اقتصادی و آموزشی استفاده شده است. همچنین در قسمت مبانی نظری، نظریات رشد نامتعادل، قطب رشد، الگوی مرکز-پیرامون و رشد متعادل مورد بررسی قرار گرفته است.

### نتایج

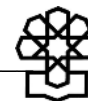
۱. نتایج نشان می‌دهد در دوره‌های زمانی ۱۳۶۵ تا ۱۳۸۵ از میزان توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان آذربایجان غربی کاسته شده و بر تعداد شهرستان‌های محروم این استان افزوده شده است.
۲. توزیع شاخص‌های زیرساختی توسعه در استان تحت تأثیر مدل مرکز-پیرامون بوده، به طوری که شهرستان ارومیه برخوردارترین شهرستان استان شناخته شده است.
۳. عدم توزیع مناسب شاخص‌های آموزشی و بهداشتی از دلایل اصلی ایجاد نابرابری‌های فضایی در استان آذربایجان غربی است.

شماره	عنوان مقاله	نویسندگان	محل انتشار
۶۰	رتبه‌بندی سطح رفاه اجتماعی شهرستان‌های استان زنجان با استفاده از تکنیک TOPSIS	دکتر غلامرضا لطیفی - استادیار برنامه‌ریزی دانشگاه علامه طباطبایی مجید سجاسی قیداری - دانشجوی کارشناسی ارشد برنامه‌ریزی رفاه اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی	فصلنامه برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی، ش ۷، تابستان ۱۳۹۰، صص ۱۶۵-۱۸۹
روش تحقیق: توصیفی-تحلیلی، با استفاده از تکنیک تاپسیس			

در این مقاله تلاش شده است وضعیت شهرستان‌های استان زنجان در مقوله رفاه اجتماعی مورد مطالعه قرار گیرد. لذا از ۳۰ شاخص در حوزه رفاه اجتماعی و مبانی نظری رفاه فیتزپاتریک<sup>۱</sup> استفاده شده است.

### نتایج

نتایج نشان می‌دهد شهرستان زنجان بالاترین رتبه و شهرستان خداآبنده پایین‌ترین رتبه را از نظر شاخص‌های رفاه اجتماعی داشته‌اند.



شماره	عنوان مقاله	نویسندگان	محل انتشار
۶۱	تعیین سطح توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان مازندران - رویکرد تحلیل‌عاملی	دکتر اصغر ضرابی - دانشیار، عضو هیئت علمی دانشگاه اصفهان، گروه جغرافیا نازنین تبریزی - دانشجوی دکترای جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه اصفهان	فصلنامه جغرافیایی آمایش محیط، ش ۱۲، بهار ۱۳۹۰، صص ۶۳-۷۷
روش تحقیق: کمی - تحلیلی، با استفاده از مدل‌های کمی			

این مقاله به شناخت میزان توسعه در استان مازندران و توسعه‌یافتگی شهرستان‌های این استان پرداخته است. برای این منظور از ۳۷ شاخص در زمینه‌های مختلف و مبنای نظری توسعه پایدار، توسعه متوازن و تعاریف سازمان ملل در ارتباط با توسعه و عدالت<sup>۱</sup> بهره‌گرفته شده است.

### نتایج

۱. نابرابری‌ها در توسعه و عدم تعادل منطقه‌ای در سطح شهرستان‌های استان به وضوح قابل مشاهده است.
۲. شهرستان‌های ساری، چالوس و رامسر با اختلاف قابل توجه نسبت به شهرستان‌های دیگر در سطح اول توسعه‌یافتگی قرار دارند.
۳. شهرستان گلوگاه با اختلاف فاحش نسبت به شهرستان‌های سطوح بالا، در سطح آخر توسعه جای دارد.
۴. تمام شهرستان‌های توسعه‌نیافته و محروم در نیمه شرقی استان استقرار یافته‌اند.

شماره	عنوان مقاله	نویسندگان	محل انتشار
۶۲	تعیین و تحلیل سطوح برخورداری شهرستان‌های استان بوشهر با استفاده از مدل اسکالوگرام	مسعود تقوایی - دانشیار جغرافیای دانشگاه اصفهان راضیه طهماسبی‌پور - دانشجوی کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه اصفهان نصرت مرادی هوسین - دانشجوی کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه اصفهان	فصلنامه آمایش جغرافیایی فضا، ش ۲، زمستان ۱۳۹۰، صص ۵۹-۷۴
روش تحقیق: تحلیلی - مدل اسکالوگرام			

این مطالعه با بهره‌گیری از مدل اسکالوگرام براساس ۳۵ شاخص در زمینه‌های جمعیتی، بهداشتی و درمانی، آموزشی، فرهنگی، بازرگانی و اقتصادی، ارتباطات و حمل‌ونقل، خدمات رفاهی و تأسیسات

۱. سازمان ملل شرایط خاصی را برای توسعه همراه با عدالت در نظر می‌گیرد: عدم حذف هیچ‌یک از بخش‌های جمعیت از قلمرو دگرگونی و توسعه، ایجاد نوعی دگرگونی ساختاری که به توسعه ارتقا بخشد و تمام بخش‌های جمعیت را به مشارکت در فرآیند توسعه ترغیب کند، تعقیب عدالت اجتماعی و تلاش برای توزیع عادلانه امکانات و تسهیلات و قائل شدن اولویت بالا برای توسعه توانایی‌های انسانی، تأمین فرصت‌های شغلی و برآوردن نیازهای کودکان.

شهری و با بهره‌گیری از مبانی نظری رشد متوازن، سطح برخورداری شهرستان‌های استان بوشهر را مورد بررسی قرار داده است.

## نتایج

۱. طبق نتایج به‌دست آمده توزیع فضایی امکانات و خدمات در استان بوشهر نامتوازن بوده و بین شهرستان‌های بوشهر و دشتستان با سایر شهرستان‌ها اختلاف قابل توجهی وجود دارد.

شماره	عنوان مقاله	نویسندگان	محل انتشار
۶۳	بررسی و رتبه‌بندی درجه توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان خراسان رضوی، با استفاده از تکنیک تاپسیس	کرامت‌ا... زیاری - استاد دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران سید محمود زنجیرچی - استادیار گروه مدیریت، دانشگاه یزد کبری سرخ‌کمال - کارشناس ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه یزد	پژوهش‌های جغرافیای انسانی، ش ۷۲، سال ۱۳۸۹، صص ۱۷-۳۰
روش تحقیق: رویکرد تحلیلی-توصیفی، تکنیک‌های تصمیم‌گیری چندمعیاره (MCDM)- روش تاپسیس			

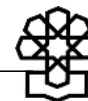
در این مطالعه مواردی نظیر تأمین اعتماد به نفس مردم، کاهش فقر و بیکاری، تعدیل ثروت و درآمد، افزایش رفاه اجتماعی، تأمین مشارکت مردم، تأمین آزادی بیشتر، تکوین و توسعه دموکراسی، بازسازی منش مستقل انسانی و ... به‌عنوان اهداف توسعه در مفهوم جدید آن معرفی می‌شوند.

در قسمت مبانی نظری، نظریات نئوکینزینی (موتور رشد و نیروی محرک اقتصاد منطقه را درآمد ناشی از صادرات تأمین می‌کند)، نظریه هال (مهمترین هدف سیاست اقتصاد ناحیه‌ای به منظور کاهش نابرابری‌های آن ایجاد اشتغال است، این امر موجب کاهش بیکاری و مهاجرفرستی منطقه شده و رشد و توسعه را بهبود می‌بخشد)، هیریشمن و میردال (نظریه قطب رشد، از طریق دستیابی به صرفه‌های مقیاس، تمایل به کارآیی اقتصاد دارد) و فریدمن (الگوی مرکز-پیرامون) مورد بررسی قرار گرفته است. در نهایت نیز نابرابری‌های منطقه‌ای حاکم در ایران را حاصل از حاکمیت قطب رشد و الگوی توسعه مرکز-پیرامون دانسته است.

در این مطالعه ۸۴ شاخص در قالب شاخص‌های زیربنایی، بهداشتی، فرهنگی، توسعه روستایی، جمعیتی، مسکن، کشاورزی، شاخص کلی (اقتصادی) و شاخص‌های آموزشی جمع‌آوری شده است.

## نتایج

۱. نتایج این تحقیق نشان‌دهنده وجود نابرابری سطوح توسعه در بین شهرستان‌های استان خراسان رضوی است.



۲. به علاوه نتایج مؤید این مطلب است که جمعیت شهرستان‌ها ارتباط مستقیمی با درجه توسعه‌یافتگی آنها ندارد.

۳. الگوی حاکم بر استان، الگوی مرکز- پیرامون است.

۴. در نهایت نیز بر لزوم توجه بر برنامه‌ریزی منطقه‌ای تأکید شده است.

شماره	عنوان مقاله	نویسندگان	محل انتشار
۶۴	چالش‌های و موانع برنامه‌ریزی توسعه منطقه‌ای در ایران	فرانک سیف‌الدینی - دانشیار دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران موسی پناهنده‌خواه - دانشجوی دکترای جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه تهران	پژوهش‌های جغرافیای انسانی، ش ۷۳، سال ۱۳۸۹، صص ۸۳-۸۹

روش تحقیق: توصیفی - تحلیلی

این مطالعه بیان می‌دارد اگرچه برنامه‌ریزی در ایران بیش از ۵۰ سال سابقه دارد، اما پس از گذشت این زمان هنوز هم مسیر توسعه در کشور پیموده نشده است. نویسندگان مقاله دلیل این امر را در موضوعاتی از قبیل تغییر و تحول در برنامه‌ریزی منطقه‌ای بر اثر مقتضیات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی، ساختار تمرکزگرایی روزافزون و تسلط رویه برنامه‌ریزی از بالا به پایین، ابهام در جایگاه قانونی و ضمانت اجرایی برنامه‌ریزی منطقه‌ای، عدم اعتقاد به برنامه‌ریزی و فقدان فرهنگ برنامه‌ریزی و برنامه‌پذیری در سطوح مختلف مدیریت کشور، نبود بسترهای لازم و مطلوب به منظور جلب مشارکت مردم و بخش خصوصی و نظایر اینها می‌داند.

در این مقاله روند برنامه‌ریزی در قبل و بعد از انقلاب مورد مطالعه قرار گرفته است. نکته جالب توجهی که در این مطالعه به آن اشاره شده این است که شاید اصلاً برنامه‌ریزی منطقه‌ای در ایران وجود نداشته است و بیشتر منطقه‌ای کردن برنامه‌های ملی مورد توجه بوده است.

در ادامه موانع و مسائل توسعه در ایران به صورت زیر معرفی شده‌اند:

۱. **چالش مفهومی:** به دلیل حاکمیت بینش معمارانه‌ای که برنامه‌ریزی منطقه‌ای را نوعی تداوم معماری در سطح تلقی می‌کند و یا نگرشی که آن را صرفاً سیاستی برای توسعه اقتصادی یا گسترش عدالت اجتماعی می‌داند، عملاً فضای برنامه‌ریزی منطقه‌ای در ایران به تبعیت از این دو گرایش، از تشخیص نیازها و اولویت‌های واقعی سطوح مختلف منطقه‌ای بازمانده و همین امر منجر به بروز ابهام و آشفتگی در شرح خدمات تهیه طرح‌های منطقه‌ای و تدوین اهداف آنها شده است. به علاوه در تعریف منطقه و حدود جغرافیایی آن هم همواره ابهاماتی وجود داشته است.

۲. **تمرکزگرایی سیاسی - اداری:** به علت وجود سیستم برنامه‌ریزی مرکزی و تسلط برنامه‌ریزی کلان اقتصادی، برنامه‌ریزی منطقه‌ای همواره تحت تأثیر برنامه‌های کلان و بخشی قرار داشته و در جهت آن هدایت می‌شده است.

**۳. بخشی‌نگری در برنامه‌ریزی‌ها:** غلبه نظام برنامه‌ریزی و اجرای بخشی و دیدگاه رشد اقتصادی در تهیه تمامی برنامه‌های میان‌مدت توسعه کشور طی ۵۰ سال گذشته مانعی بزرگ برای مشارکت برنامه‌های منطقه‌ای در روند تهیه برنامه بوده است. در نظام بخشی‌نگر، مناطق (استان‌ها) در تهیه و تنظیم برنامه‌های توسعه کشور مشارکت جدی و سازمان‌یافته ندارند. به همین دلیل برنامه‌های توسعه فارغ از توانمندی‌ها، ظرفیت‌ها و محدودیت‌های مناطق کشور تهیه شده‌اند و بنابراین، برنامه‌های مذکور، نمی‌توانند متضمن توسعه و رشد برای کشور باشند.

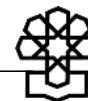
**۴. فقدان نظام مدیریت منطقه‌ای:** مهمترین عامل عدم اجرا و یا معطل ماندن پیشنهادهای طرح‌ها و برنامه‌های منطقه‌ای ایران، فقدان نظام مدیریت منطقه‌ای و عدم تعریف نهادها و سازمان‌های اجرایی مشخصی برای نظارت و کنترل بر توسعه فضایی و کالبدی منطقه‌ای بوده است.

**۵. ابهام در جایگاه قانونی برنامه‌ریزی منطقه‌ای:** برنامه‌ریزی منطقه‌ای در ایران، چه از جنبه نهادی و روند برنامه‌ریزی و چه از جنبه نظری و محصول برنامه‌ریزی، در پیوند با برنامه‌ریزی‌های ملی (عمدتاً با دیدگاه بخشی) و برنامه‌ریزی‌های محلی (عمدتاً با دیدگاه‌های کالبدی) دارای جایگاه قانونی و نقش کارآمدی نیست. ابهام در جایگاه قانونی، مسئولیت و نحوه تهیه و نظارت طرح‌های منطقه‌ای و آمایشی و فقدان تقسیم کار مشخص بین دستگاه‌های ذی‌ربط عملاً در برخورد با رقابت بین‌دستگاهی موجب شکل‌گیری حرکت موازی در تهیه طرح‌ها و برنامه‌های منطقه‌ای شده است، به نحوی که گاه با اهدافی نسبتاً مشترک و با صرف هزینه و نیروی فراوان، دو یا چند دستگاه، بدون ارتباط با یکدیگر و بی‌توجهی به نتایج طرح‌های تهیه شده یا در دست تهیه، طرح‌های منطقه‌ای واحدی تهیه کرده و هر یک به نتایج دلخواه خود رسیده‌اند.

**۶. وابستگی به درآمدهای نفتی:** وابستگی بخش اعظم درآمد ملی کشور به نفت و فرآورده‌های جانبی آن، باعث افزایش میزان آسیب‌پذیری نظام برنامه‌ریزی کشور شده است، به طوری که ماهیت، عملکرد و تحقق بسیاری از برنامه‌های توسعه اقتصادی و اجتماعی - چه قبل و چه بعد از انقلاب - به شدت تحت تأثیر نوسانات قیمت نفت در بازارهای جهانی بوده است. وابستگی به درآمدهای نفتی تا صرف درآمد نفت در بودجه جاری، صرف حقوق و مزایا، پاداش‌ها و اضافه‌های بی‌حساب و کتاب نیز پیش رفته است.

**۷. فقدان فرهنگ برنامه‌ریزی و برنامه‌پذیری در سطوح مدیریتی کشور:** برنامه‌ها از ظرف کارشناسی خارج می‌شود که تحت تأثیر عواملی چون خواست‌های مدیران یا مسائل سیاسی قرار می‌گیرد. یعنی اینکه هر بخش توقع دارد آنچه را که برای توفیق آن بخش می‌خواهد، در اختیار آن قرار گیرد. طبیعی است که اگر منابع ما محدود باشد، نمی‌توانیم همه امکانات را در اختیارش قرار دهیم. در نتیجه هر که زور بیشتری دارد، می‌خواهد امکانات بیشتری بگیرد.





۸. فقدان نظام جامع اطلاعاتی و بانک اطلاعات منطقه‌ای: نظام آماری کنونی، نظامی غیرمتمرکز است، بدین معنا که دستگاه‌های اجرایی کشور برای تأمین نیازهای آماری خود اقدام به تولید آمار می‌کنند، ولی تهیه ضوابط اجرا و توزیع فعالیت‌های عمده و اساسی آمارگیری و اطلاع‌رسانی آماری به صورت متمرکز صورت می‌گیرد. در قانون، اطلاع‌رسانی آماری به صورت متمرکز و به‌وسیله مرکز آمار پیش‌بینی شده است، ولی این امر تاکنون جز با انتشار سالنامه آماری که حاوی اطلاعات آماری در بخش‌های مختلف است تحقق نیافته است.

۹. کمبود نیروی متخصص و ضعف برنامه‌ها: در ایران، به دلیل فقدان یا تعطیلی نهادهای آموزش و پژوهش در برنامه‌ریزی منطقه‌ای و کمبود جدی افراد متخصص در این عرصه، عملاً شیوه‌ها و روش‌های سنتی یا کلیشه‌ای و شکل‌گرا مورد استفاده قرار گرفته است. در تحلیل نهایی نیز نظر کارشناس و یا سلیقه و ذوق طراح و برنامه‌ریز بیش از نتایج کاربردی الگوها و روش‌های تحلیل، کاربری عینی و عملی پیدا کرده است.

شماره	عنوان مقاله	نویسندگان	محل انتشار
۶۵	سنجش درجه توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان آذربایجان شرقی به روش (HDI)	دکتر کرامت‌ا... زیاری - عضو هیئت علمی دانشگاه تهران دکتر نوید سعیدی رضوانی - استادیار و عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد قزوین لیلا بقال صالح‌پور - کارشناس ارشد شهرسازی	فراسوی مدیریت، سال سوم، ش ۱۲، سال ۱۳۸۹، صص ۷۵-۹۵
روش تحقیق: توصیفی - تحلیلی و مدل شاخص ترکیبی (HDI)			

این مطالعه دلایل نابرابری‌های توسعه‌ای را مواردی از قبیل: دلایل تاریخی، طبیعی، دموگرافیکی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و ... می‌داند که موجب رشد ناهمگون و نامتعادل میان نواحی می‌گردد. همچنین بیان می‌شود در ایران سیاست‌های غیراصولی گذشته در مکان‌یابی صنعتی و خدماتی در قطب‌های رشد و روند تمرکزگرایی در تک‌شهر مسلط موجب اصلی این نابرابری‌ها بوده است. این نابرابری‌ها موجب پیدایش پدیده مهاجرت، گسترش حاشیه‌نشینی و ... می‌شود. همچنین افزایش نقش دولت مرکزی و کم‌رنگ بودن حضور مقامات محلی در اقتصاد، باعث افزایش بیشتر مشکلات، عدم توزیع بهینه امکانات، رفاه و ثروت می‌شود.

در این مطالعه از ۳۱ شاخص اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، آموزشی، زیرساختی، کشاورزی، بهداشتی و تسهیلات مسکن به منظور سنجش میزان توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان آذربایجان شرقی استفاده شده است.

## نتایج

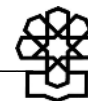
۱. بنابر نتایج حاصل از این مقاله، در سال ۱۳۸۵ شهرستان تبریز به‌عنوان مرکز و قطب رشد ناحیه به‌عنوان منطقه برخوردار و ۴۰ درصد شهرستان‌های استان به‌عنوان نواحی نیمه برخوردار و بقیه به‌عنوان نواحی محروم شناسایی شده‌اند.
۲. دوگانگی بازتاب و برآیند عوامل طبیعی، اقتصاد سیاسی، مسائل فرهنگی، نارسایی نظام برنامه‌ریزی، دوگانگی اقتصاد و قطب رشد است که عملکرد اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی مناطق را تحت تأثیر قرار داده و بر عقب‌ماندگی نواحی محروم افزوده است.
۳. الگوی فضایی مرکز- پیرامون بر استان حاکم بوده و مرکز رشد با جذب امکانات و خدمات از نواحی پیرامون رشد کرده و آثار انتشاراتی ضعیفی بر توسعه نواحی پیرامونی خود گذاشته است.
۴. با آگاهی و شناخت پتانسیل‌ها و نقاط قوت و ضعف مناطق پیرامون و سرمایه‌گذاری در استعداد‌های مناطق محروم، می‌توان گام اساسی در رشد و شکوفایی این مناطق برداشت.

شماره	عنوان مقاله	نویسندگان	محل انتشار
۶۶	مروری بر تهیه طرح‌های کالبدی منطقه‌ای در ایران	محمد مهدی قاجار خسروی - کارشناس ارشد شهرسازی دانشگاه تهران	فصلنامه مسکن و محیط روستا، سال ۱۳۸۹، صص: ۹۰-۱۰۱
روش تحقیق: توصیفی - تحلیلی			

این مطالعه با هدف بررسی طرح‌های کالبدی ملی و منطقه‌ای، سابقه آن در ایران و مراحل تهیه آن صورت گرفته است. بر طبق تعاریف مطالعات مربوط به طرح‌ریزی کالبدی در سطح ملی عبارت است از: مکان‌یابی گسترش آینده شهرها، تدوین سیاست اسکان جمعیت شهری و تعیین نوع کاربری زمین‌های کشور و مقررات استفاده از آنها نظیر ساخت‌وساز و سکونت. طرح‌های کالبدی منطقه‌ای به منظور دقیق‌تر کردن، کامل کردن و گسترده‌تر کردن دامنه مطالعات نسبت به مطالعات ملی صورت می‌گیرند. اصول و راهبردهای طرح‌های منطقه‌ای تنها در اصل محرومیت‌زدایی با طرح کالبدی ملی متفاوت است.

طرح‌های کالبدی مراحل مختلفی دارند که در زیر به آنها اشاره شده است:

۱. تهیه و آماده‌سازی نقشه پایه
۲. مطالعات موضوعی
۳. خلاصه‌سازی و تلفیق میان‌بخشی مطالعات موضوعی
۴. الگوسازی و تلفیق نهایی
۵. پایگاه اطلاعات طرح کالبدی منطقه‌ای



شماره	عنوان مقاله	نویسندگان	محل انتشار
۶۷	بررسی و تعیین درجه توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان کرمان	رخساره اسدی - عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهر بابک	فصلنامه جمعیت، ش ۷۲/۷۱، سال ۱۳۸۹، صص ۸۹-۱۰۲
روش تحقیق: اسنادی - تحلیلی - همبستگی و Z-Score			

هدف این مطالعه بررسی و تعیین درجه توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان کرمان بوده است به این منظور از ۴۲ نوع متغیر استفاده شده است.

### نتایج

- از مقایسه درجه توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان کرمان وجود ناهمبستگی و عدم تعادل از نظر توسعه اقتصادی و اجتماعی بین شهرستان‌های استان مشاهده می‌شود.
- شهرستان کرمان به‌عنوان برخوردارترین شهرستان استان بوده است.
- اکثر شهرستان‌های استان محرومند.

شماره	عنوان مقاله	نویسندگان	محل انتشار
۶۸	تحلیل فضایی نابرابری‌های ناحیه‌ای در استان آذربایجان شرقی	دکتر رحیم سرور - دانشیار، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهر ری دکتر میرنجف موسوی - استادیار، دانشگاه ارومیه امید مبارکی - دانشجوی دکترای جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری دانشگاه اصفهان	فصلنامه جغرافیا و برنامه‌ریزی منطقه‌ای، سال اول، ش دوم، سال ۱۳۸۹، صص ۴۰-۵۰
روش تحقیق: همبستگی، اسنادی - تحلیلی - مدل تاپسیس - تحلیل خوشه‌ای سلسله‌مراتبی			

این مطالعه به بررسی نابرابری‌های ناحیه‌ای در استان آذربایجان شرقی پرداخته است. بدین منظور ۴۴ شاخص در سرفصل‌های زیربنایی و ارتباطات، بهداشت و درمان، کشاورزی، جمعیتی و اقتصادی، فرهنگ و ورزش و آموزشی استفاده شده است. به‌علاوه در قسمتی از مقدمه نیز بر نظریات توسعه، قطب رشد و مدل توسعه مرکز-پیرامون تأکید شده است.

### نتایج

- مطابق نتایج این پژوهش تفاوت‌ها و نابرابری‌هایی در سطح توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان آذربایجان شرقی وجود دارد.
- می‌توان گفت شهرستان‌هایی که در غرب استان واقع شده‌اند نسبت به شهرستان‌های شرقی از لحاظ توسعه‌یافتگی وضعیت مناسب‌تری دارند.

۳. چند نقطه مشترک در شهرستان‌های توسعه‌یافته‌تر استان وجود دارد:

- در مسیر خطوط راه‌آهن قرار گرفته یا نزدیک به آن هستند.

- در جلگه وسیع استان به نام جلگه تبریز و مراغه قرار دارند.

- نسبت شهرنشینی در آنها بالاتر است.

۴. در نهایت نیز پیشنهادهای مبنی بر جلوگیری از مهاجرت روستایی- شهری، تسهیل سرمایه‌گذاری

بخش خصوصی، برنامه‌ریزی دولت در راستای کاهش نابرابری‌های منطقه‌ای و ... ارائه شده است.

شماره	عنوان مقاله	نویسندگان	محل انتشار
۶۹	ارزیابی کلاسیک کارآیی استان‌های کشور از لحاظ توسعه‌یافتگی با استفاده از روش DEA	کرامت‌ا... زیاری- استاد دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران کبری سرخ کمال- کارشناس ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه یزد سید محمود زنجیرچی- استادیار گروه مدیریت دانشگاه یزد	فصلنامه مدرس علوم انسانی، برنامه‌ریزی و آمایش فضا، دوره چهاردهم، سال ۱۳۸۹، ش ۳، صص ۲۷۳-۲۵۶
روش تحقیق: مدل تحلیل پوششی داده‌ها (DEA)			

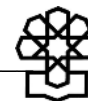
در این مطالعه با استفاده از مدل تحلیل پوششی داده‌ها و شاخص‌های درصد شهرنشینی، درصد اشتغال، سرانه پزشک به ازای هر ۱۰۰۰ نفر، نسبت زنان باسواد بالای شش سال، نسبت شاغلان بخش صنعت به کل شاغلان، اعتبارات توسعه استان در سال ۱۳۸۵، کارآیی استان‌های کشور از لحاظ توسعه‌یافتگی مورد بررسی قرار گرفته است.

## نتایج

۱. براساس نتایج به‌دست آمده ده استان آذربایجان شرقی، اصفهان، تهران، خراسان جنوبی، زنجان، سمنان، قزوین، قم، گیلان و یزد دارای کارآیی واحد شده و به‌عنوان استان‌های دارای عملکرد برتر در کشور از نظر حداکثر توسعه‌یافتگی با حداقل امکانات (کارآیی توسعه‌یافتگی) معرفی شده‌اند.

۲. از لحاظ میزان بودجه اختصاص یافته به هر استان، تهران بیشترین و سمنان کمترین میزان بودجه را دریافت کرده‌اند.

۳. در پایان نیز بیان شده است که راه‌حل اصلی رفع نابرابری‌ها و رساندن مناطق ناکارآ به مرز کارآیی، پیروی از موازین عدالت اجتماعی در همه ابعاد و الگو قرار دادن استان‌های کارآ از بعد توسعه‌یافتگی است تا از این راه، تصمیم‌گیری‌ها همسو با توسعه یکپارچه مناطق مختلف کشور باشد.



شماره	عنوان مقاله	نویسندگان	محل انتشار
۷۰	تحلیلی بر نابرابری‌های ناحیه‌ای و تعیین اولویت توسعه نقاط شهری استان آذربایجان شرقی	فیروز جمالی - استاد گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری دانشگاه تبریز محمد رضا پورمحمدی - استاد گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری دانشگاه تبریز ابوالفضل قنبری - دانشجوی دکترای جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری دانشگاه تبریز	نشریه جغرافیا و برنامه‌ریزی، ش ۳۳، پاییز ۱۳۸۹، صص ۸۳-۱۰۴
روش تحقیق: توصیفی- تحلیلی، با استفاده از مدل تحلیل خوشه‌ای، اقتصادسنجی			

در این مطالعه به منظور تحلیل نابرابری‌های ناحیه‌ای استان آذربایجان شرقی در سال ۱۳۸۵ از ۳۹ شاخص بهداشتی و درمانی، فرهنگی و آموزشی، اقتصادی، زیربنایی و مسکن و ورزشی استفاده شده و جهت پیش‌بینی اولویت توسعه نقاط شهری استان از مدل رگرسیونی بهره‌گرفته شده است.

### نتایج

۱. بر طبق نتایج به دست آمده خامنه و شبستر به‌عنوان برخوردارترین و کلوانق به‌عنوان محروم‌ترین نقاط شهری استان معرفی شده‌اند.

۲. رابطه رگرسیونی نشان می‌دهد که به ترتیب سهم شاخص‌های بهداشتی و درمانی، مسکن و زیربنایی، ورزشی و اقتصادی در پیشگویی درجه توسعه‌یافتگی و در نتیجه کاهش نابرابری‌های ناحیه‌ای بیشتر است.

شماره	عنوان مقاله	نویسندگان	محل انتشار
۷۱	نابرابری‌های منطقه‌ای در استان آذربایجان شرقی با استفاده از روش تاکسونومی و خوشه‌بندی	محمد شالی - دانشجوی دکترای جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری دانشگاه شهید بهشتی محمدتقی رضویان - دانشیار گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری دانشگاه شهید بهشتی	فصلنامه تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی، ش ۱۷، تابستان ۱۳۸۹، صص ۲۵-۴۰
روش تحقیق: تحلیلی- توصیفی، با استفاده از روش تاکسونومی عددی، تحلیل خوشه‌ای			

در این مطالعه برای نشان دادن نابرابری‌ها میان شهرستان‌های استان آذربایجان شرقی از ۶۱ شاخص توسعه در بخش‌های آموزش، فرهنگی- اجتماعی، جمعیتی- اقتصادی، بهداشتی- درمانی، زیربنایی- کالبدی و کشاورزی استفاده شده است. مبانی نظری مورد توجه در این مقاله مربوط به قطب رشد و قطبی شدن بوده است.

### نتایج

۱. بر طبق بررسی‌های صورت گرفته، در سال ۱۳۸۵ از مجموع ۱۹ شهرستان، یک شهرستان

- توسعه یافته، ۹ شهرستان نسبتاً توسعه یافته، ۶ شهرستان توسعه نیافته و ۳ شهرستان محروم است.
۲. فضای استان آذربایجان شرقی از نیمه توسعه یافته غربی و توسعه نیافته شرقی تشکیل شده است.
۳. نابرابری‌های فوق‌الذکر بازتاب و برآیند عوامل محیطی، اقتصاد سیاسی، نارسایی‌های نظام برنامه‌ریزی فضایی به ویژه قطب رشد (شهر تبریز) است.
۴. در نهایت نویسندگان مقاله برای برون‌رفت از مشکل نابرابری، سرمایه‌گذاری‌های دولتی و حمایت از بخش خصوصی براساس اصول عدالت اجتماعی را پیشنهاد می‌دهند.

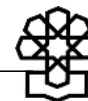
شماره	عنوان مقاله	نویسندگان	محل انتشار
۷۲	تحلیلی بر درجه توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان سیستان و بلوچستان	دکتر صفر قائد رحمتی - استادیار جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری دانشگاه یزد دکتر احمد خادم‌الحسینی - استادیار جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف‌آباد علی محمدی فرد - دانشجوی کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف‌آباد	فصلنامه جغرافیایی آمایش محیط، ش ۹، تابستان ۱۳۸۹، ص ۹۷
روش تحقیق: توصیفی - تحلیلی، با بهره‌گیری از مدل تاکسونومی			

این مقاله به شناسایی و تعیین درجه توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان سیستان و بلوچستان پرداخته و به این منظور از ۲۹ شاخص در بخش‌های آموزشی، بهداشت و درمان، خدمات رفاهی و زیربنایی استفاده کرده است. به علاوه در قسمت مبانی نظری به نظریه توسعه پایدار اشاره شده است.

## نتایج

۱. نتایج بیانگر عدم توسعه هماهنگ در شهرستان‌های استان سیستان و بلوچستان است. شهر زاهدان به‌عنوان قطب رشد شناسایی شده است.
۲. شهرستان‌های زاهدان و زابل توسعه یافته و شهرهای کنارک و زهک توسعه نیافته محسوب می‌شوند.
۳. در پایان نویسندگان مقاله به منظور فراهم‌سازی زمینه توسعه در استان، توجه به منابع متعدد طبیعی و انسانی، تنوع آب و هوا، وجود مرزهای مشترک و طولانی میان دو کشور افغانستان و پاکستان و همچنین وجود دریای عمان در جنوب استان را توصیه می‌کنند.

شماره	عنوان مقاله	نویسندگان	محل انتشار
۷۳	شاخص توسعه انسانی در استان‌های ایران	عبدالکازم نیسی - استادیار گروه بهداشت محیط، عضو هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی جندی شاپور اهواز	فصلنامه علوم بهداشتی جندی شاپور، سال دوم، ش ۲، بهار ۱۳۸۹، صص ۵۵-۶۲
روش تحقیق: توصیفی - تحلیلی			



هدف این مطالعه بررسی و تعیین وضعیت استان‌های مختلف کشور از نظر شاخص توسعه انسانی است. بنابراین از اطلاعات نتایج سرشماری سال ۱۳۸۵ بهره گرفته شده است. شاخص آموزش، امید به زندگی و تولید ناخالص داخلی اجزای تشکیل‌دهنده شاخص توسعه انسانی به شمار می‌آیند.

## نتایج

۱. کمترین امتیاز شاخص توسعه انسانی بدون احتساب نفت خام و گاز طبیعی مربوط به استان‌های سیستان و بلوچستان، کردستان، آذربایجان غربی و بیشترین امتیاز مربوط به استان‌های تهران، یزد و اصفهان بوده است.

شماره	عنوان مقاله	نویسندگان	محل انتشار
۷۴	اهمیت جمعیت‌شناسی در برنامه‌ریزی‌های آمایش سرزمین (با تأکید بر مطالعه مهاجرت‌های استانی)	فریبا زمانی - پژوهشگر مسائل اجتماعی و اقتصادی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی	فصلنامه جمعیت، ش ۷۰/۶۹، سال ۱۳۸۸، صص ۱۰۷-۱۳۲

روش تحقیق: اسنادی و توصیفی

در این مطالعه افزایش سریع و ناموزون جمعیت بدون توجه به شرایط متنوع اقلیمی و توزیع منابع در کشور، به‌عنوان عاملی مهم در شکل‌گیری مسائل و مشکلاتی مانند کمبود خدمات شهری، بیکاری، کمبود سرانه کالبدی، سکونتگاه‌های غیررسمی و حاشیه‌نشینی، آسیب‌پذیری ساکنان مناطق مختلف، بروز اختلافات قومی و ناهنجاری‌های اجتماعی شناخته شده است. همچنین با استفاده از آمار مربوط به مهاجرت بین استانی و مبانی نظری جمعیت‌شناسی و مسائل مربوط به جمعیت، آمایش سرزمین و توسعه نامتوازن بر لزوم استفاده از برنامه آمایش سرزمین در تهیه برنامه‌های توسعه تأکید می‌شود. در ادامه بیان می‌شود برنامه‌ریزی آمایش سرزمین بدون برنامه‌ریزی منطقه‌ای عملاً کاربردی نخواهد داشت. به بیان دیگر، هدف اساسی از برنامه‌ریزی آمایش سرزمین، برنامه‌ریزی منطقه‌ای و پیوند دادن آن با برنامه ملی است. به‌علاوه از مهاجرت به‌عنوان یکی از مهم‌ترین پیامدهای توسعه نامتوازن نام برده شده است و با آمار سرشماری نشان داده شده است که سهم بزرگی از این مهاجران را افرادی تشکیل داده‌اند که در سن کار و فعالیت بوده‌اند.

## نتایج

۱. نتایج این مطالعه بر روی روند مهاجرت‌ها نشان می‌دهد:

سال	تعداد مهاجران (میلیون نفر)	سهم از جمعیت	شهر مهاجرپذیر
۱۳۳۵	۲	۱۱	مرکزی
۱۳۴۵	۳/۲	۱۳/۱	مرکزی،* خوزستان و مازندران
۱۳۶۵	۱۱	۲۲	مهاجرت بیشتر در داخل استان‌ها بوده و مراکز استان‌ها به صورت جاذب جمعیت عمل کرده‌اند
۱۳۷۵	۸	۱۳/۵	اغلب مهاجرت‌ها به مناطق شهری
۱۳۸۵	۱۲		تهران،** خراسان رضوی، فارس، خوزستان، مازندران

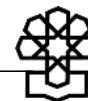
\* استان تهران فعلی در آن زمان در محدوده استان مرکزی واقع شده بوده و ۶۷ درصد کل مهاجران را به خود اختصاص داده است.  
\*\* ۴۱ درصد از مهاجرت‌ها از استان به استان بوده که تهران بیشترین سهم را داشته است و ۵۹ درصد مهاجرت‌ها داخل استان‌ها شکل گرفته است.

طی سال‌های ۱۳۷۵-۱۳۸۵ تغییر جهت در فرآیند مهاجرت‌ها از مهاجرت‌های «درون‌استانی» به مهاجرت‌های «بین‌استانی» دیده می‌شود که دلیل عمده آن می‌تواند تحصیل و پیدا کردن شغل باشد. اهمیت تهران به‌عنوان مقصد مهاجرت در طی زمان روند افزایشی داشته است. در گذشته مهاجرت‌ها معمولاً از روستا به شهرهای کوچک بوده که با گذشت زمان مهاجرت‌ها از شهرهای کوچک به شهرهای بزرگ نیز افزایش یافته که می‌تواند دلیل افزایش رشد شهرنشینی باشد. در این مطالعه از افزایش درآمدهای نفتی به‌عنوان عاملی یاد شده که موجب به انزوا کشیده شدن سایر صنایع شده است. در نتیجه فضایی کاملاً قطبی از لحاظ فعالیت و جمعیت در کشور به وجود آمده است. در شکل‌گیری سازمان فضایی کشور دو نوع عامل مؤثرند: ۱. شرایط طبیعی و جغرافیایی و ۲. مجموعه‌ای از برنامه‌ها و سیاست‌های دولت و مقتضیات داخلی و خارجی.

شماره	عنوان مقاله	نویسندگان	محل انتشار
۷۵	برنامه‌ریزی توسعه منطقه‌ای در ایران	میزگرد دکتر شیخی، دکتر لطیفی، دکتر جمعه‌پور و دکتر خاکساری	کتاب ماه علوم اجتماعی، سال ۱۳۸۸، ش ۱۷
روش تحقیق: میزگرد			

این مطالعه حاصل از مصاحبه با اساتید دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی است که در آن سؤالاتی در ارتباط با تعریف برنامه‌ریزی منطقه‌ای، موانع و مشکلات پیش‌روی آن، تعامل با سایر رشته‌ها، ابعاد برنامه‌ریزی منطقه‌ای، مفاهیم کلیدی در این رشته و... از اساتید پرسیده شده است. از نظر آن اساتید برنامه‌ریزی منطقه‌ای سه ضلع دارد: یکی فضای جغرافیایی و بستر





زیست‌محیطی، دیگری اقتصاد و آخرین ضلع اجتماع. در ادامه نیز به مسائل و مشکلات ایجاد این رشته اشاره شده و بر لزوم توسعه این رشته در سایر دانشگاه‌ها تأکید شده است.

شماره	عنوان مقاله	نویسندگان	محل انتشار
۷۶	تحلیلی بر روند نابرابری در نقاط شهری استان‌های ایران (۱۳۶۵-۱۳۸۵)	فیروز جمالی - استاد گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی دانشگاه تبریز محمد رضا پورمحمدی - استاد گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری دانشگاه تبریز ابوالفضل قنبری - استادیار گروه پژوهشی جغرافیا، دانشگاه تبریز	فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، دوره ۲۴، ش ۹۵، سال ۱۳۸۸، صص ۱-۲۸
روش تحقیق: توصیفی تحلیلی، تحلیل عاملی و تحلیل خوشه‌ای			

در این مطالعه اقتصاد کشورهای جهان سوم به دو بخش سنتی و مدرن تقسیم می‌شود. بخش مدرن برای ترویج مصرف‌گرایی در داخل کشورها و تولید شرکت‌های فراملیتی فعالیت می‌کند و بخش سنتی نیز که در دست اقشار محروم جامعه است، رو به نابودی است. مهاجرت، نتیجه چنین اقتصاد راکدی است که به رشد برخی شهرها و به زیان شهرهای دیگر منجر شده است. در نتیجه آن، اینگونه شهرها امکانات، تسهیلات و سایر زیرساخت‌ها را به خود جذب کرده و سایر نواحی را از رشد و توسعه بازداشته است. در این میان، علاوه بر عوامل اقتصادی، عوامل دیگری نظیر: عوامل طبیعی، فرهنگی، سیاسی، قومی، نژادی، مذهبی و ... تأثیر بسزایی در نابرابری منطقه‌ای دارند.

شاخص‌های مورد بررسی در این مطالعه عبارتند از:

- شاخص‌های فرهنگی و آموزشی،
- شاخص‌های بهداشتی و درمانی،
- شاخص‌های زیربنایی و مسکن،
- شاخص‌های اقتصادی (اشتغال، بیکاری، نرخ مشارکت، ارزش افزوده، بیمه و ...)،
- شاخص‌های ورزشی،

در این مطالعه ۵۴ شاخص در سرفصل‌های کلی بالا مورد بررسی قرار گرفته است.

## نتایج

۱. نابرابری در بیشتر زمینه‌ها وجود دارد.
۲. در نقاط شهری استان‌های ایران این نابرابری تا حدودی کم است و گرایش به همگرایی دارند.
۳. نقاط شهری استان‌های مرکزی کشور به دلیل مرکزیت اداری - سیاسی، مسائل اقتصاد سیاسی، تمرکزگرایی، بخش‌گرایی و جز آن، در برخی موارد با وجود نبود توان‌های طبیعی توانسته‌اند

سرمایه‌گذاری‌ها و زیرساخت‌های اقتصادی را به خود جذب کنند. بنابراین، با این شرایط نابرابری‌های ناحیه‌ای و گسترش روزافزون آن دور از انتظار نخواهد بود.

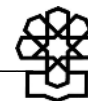
۴. نتایج نشان می‌دهد که به غیر از استان‌های تهران و سمنان، سرمایه‌گذاری‌های اقتصادی در نقاط شهری استان‌های کشور از حالت یکنواختی برخوردار بوده و یا شاید گویای آن است که توسعه چندانی در هیچ یک از نواحی صورت نگرفته و نوعی حالت رکود در میان آنها حاکم بوده است.

۵. با ادامه چنین روندی کمتر می‌توان به شکوفایی استان‌های محروم امیدوار بود، چنانچه اگر نابرابری‌های ناحیه‌ای با روند فعلی تداوم یابد به تضعیف وحدت و حاکمیت ملی می‌انجامد و در آینده نابسامانی‌های بیشتر، به ویژه در نواحی مرزی دور از انتظار خواهد بود.

شماره	عنوان مقاله	نویسندگان	محل انتشار
۷۷	برنامه‌های توسعه اقتصادی - اجتماعی و تأثیر آن بر واگرایی و همگرایی گروه‌های قومی در ایران	دکتر سیفاله سیفاللهی - دانشیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات دکتر حمیرا حافظ امینی - دانش‌آموخته دکترای واحد علوم و تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی	پژوهشنامه علوم اجتماعی، سال سوم، ش ۲، سال ۱۳۸۸، صص ۷۰-۱۰۳
روش تحقیق: اسنادی			

در این مطالعه بیان می‌شود که به‌رغم شصت سال برنامه‌ریزی در ایران، توجه به ترکیب جمعیتی - قومی همچنان در برنامه‌های توسعه با موانع گوناگونی مواجه است. معمولاً مناطقی که گروه‌های قومی در آن ساکن هستند، توسعه نیافته‌اند که این باعث تشدید نابرابری‌های اجتماعی شده است. بنابراین این مقاله سعی دارد تأثیر برنامه‌های توسعه اقتصادی، اجتماعی و انسانی قبل و بعد از انقلاب اسلامی را بر واگرایی گروه‌های قومی در جامعه ایران و پیامدهای این روند، نشان دهد. همچنین در قسمت مبانی نظری بر نظریه نوسازی، نظریه وابستگی، نظریه نظام جهانی، نظریه همانندسازی و نظریه کثرت‌گرایی تأکید می‌شود.

نویسندگان مقاله بر این باورند مسائلی از قبیل تمرکزگرایی شدید مدیریت سیاسی، ایجاد و گسترش تشکیلات متمرکز دولتی، تهیه برنامه‌های متمرکز توسعه اقتصادی، اجتماعی و انسانی، امحای گروه‌های قومی در گروه قومی فارس‌زبان، عدم مشارکت گروه‌های قومی در برنامه‌های توسعه، توسعه اقتصادی، اجتماعی نابرابر میان مناطق قومی و مناطق مرکزی، توسعه انسانی ناپایدار و نامتوازن میان گروه‌های قومی منجر به واگرایی اجتماعی و فرهنگی گروه‌های قومی شده است.



## نتایج

۱. برای تهیه برنامه‌های توسعه نیازمند بررسی و مطالعه کلان و استراتژیک ساختار نظام اجتماعی هستیم.
۲. برنامه‌ریزی توسعه جامعه باید براساس راهبرد مشخص، مدون و طی سه برنامه توسعه اقتصادی، اجتماعی و انسانی تدوین شود. برنامه کوتاه‌مدت (پاسخگویی به مسائل حاد و بحرانی)، برنامه میان‌مدت، برنامه بلندمدت با دورنگری‌های ۲۵ تا ۳۰ ساله.
۳. اولویت فائل شدن به عاملان توسعه (تکنولوژی و انسان) در برنامه توسعه.

شماره	عنوان مقاله	نویسندگان	محل انتشار
۷۸	بررسی حساب‌های اقتصادی استان فارس و مقایسه آن با استان‌های کشور	ابوطالب آزاده- معاون پشتیبانی سازمان امور اقتصادی و دارایی فارس	مجله اقتصادی، ماهنامه بررسی مسائل و سیاست‌های اقتصادی، ش ۹۳ و ۹۴، سال ۱۳۸۸، صص ۹۱-۱۰۱
روش تحقیق: توصیفی			

در این مطالعه با استفاده از آمار مربوط به حساب‌های اقتصادی استان فارس، مقایسه‌ای با سایر استان‌های صورت گرفته است. نتایج نشان می‌دهد که استان فارس در اکثر شاخص‌ها از وضعیت نسبتاً مطلوبی برخوردار بوده است.

شماره	عنوان مقاله	نویسندگان	محل انتشار
۷۹	تحلیل و طبقه‌بندی شاخص‌ها و تعیین اولویت‌های توسعه در استان‌های کشور با استفاده از روش تحلیل عاملی و تحلیل خوشه‌ای	سعید ملکی- استادیار گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری دانشگاه شهید چمران اهواز حجت شیخی	نشریه جغرافیا و برنامه‌ریزی، ش ۲۹، پاییز ۱۳۸۸، صص ۶۱-۸۵
روش تحقیق: تحلیلی- توصیفی، براساس روش تحلیلی عاملی و تحلیل خوشه‌ای			

در این مطالعه استان‌های مختلف کشور از نظر شاخص‌های اقتصادی، فرهنگی، بهداشتی و درمانی، خدماتی، رفاهی و کالبدی- شهرسازی مورد بررسی و مقایسه قرار گرفته و از نظر سطح توسعه‌یافتگی رتبه‌بندی شده‌اند. همچنین در مقدمه به نظریات توسعه اشاره شده است.

## نتایج

۱. براساس نتایج رتبه اول توسعه‌یافتگی به استان تهران تعلق دارد و استان‌های خراسان رضوی، اصفهان، فارس، آذربایجان شرقی، مازندران، خوزستان، کرمان و گیلان در مراتب بعدی هستند.
۲. استان‌های آذربایجان غربی، یزد، مرکزی، همدان و کرمانشاه دارای رتبه‌های نسبتاً پایین و سایر استان‌ها در رتبه‌های بسیار پایین قرار می‌گیرند.
۳. نتایج مبین نابرابری منطقه‌ای در کشور است.

شماره	عنوان مقاله	نویسندگان	محل انتشار
۸۰	مقایسه نابرابری توزیع درآمد در استان فارس و کل کشور برحسب مناطق شهری و روستایی (۱۳۶۰-۱۳۸۳)	زهرا افشاری- استاد دانشگاه الزهرا زهرا خورده‌پر- کارشناس ارشد توسعه اقتصادی و برنامه‌ریزی	فصلنامه برنامه‌ریزی و بودجه، ش ۱۰۸، بهار و تابستان ۱۳۸۸، صص ۷۵-۹۹
روش تحقیق: تحلیلی- توصیفی، محاسبه ضریب جینی			

در این مطالعه روند نابرابری هزینه در استان فارس و کل کشور به تفکیک مناطق شهری و روستایی، در دوره زمانی ۱۳۶۰-۱۳۸۷ با در نظر گرفتن مبانی نظری رشد اقتصادی محاسبه شده است.

### نتایج

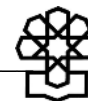
۱. نتایج نشان می‌دهد که بین میزان نابرابری اقتصادی مناطق شهری و روستایی استان فارس و نیز بین میزان نابرابری در مناطق شهری و روستایی کل کشور، به لحاظ آماری اختلاف معناداری وجود نداشته است.

۲. ضریب جینی به دست آمده از اطلاعات هزینه ناخالص فردی، بیانگر وجود اختلاف معنادار بین میزان نابرابری اقتصادی در مناطق شهری و روستایی استان فارس با همین مناطق در کل کشور است. به طوری که نابرابری در مناطق شهری و روستایی استان فارس، کمتر از مناطق شهری و روستایی کل کشور است.

۳. طبق یافته‌های پژوهش، پیشنهاد شده است که در سیاست‌های فقرزدایی کشور به عوامل کاهش‌دهنده میزان نابرابری به تفکیک مناطق شهری و روستایی توجه شود.

شماره	عنوان مقاله	نویسندگان	محل انتشار
۸۱	تحلیلی بر روند تغییرهای سطوح توسعه و نابرابری‌های ناحیه‌ای در نقاط شهری استان آذربایجان شرقی در سال‌های ۱۳۶۵، ۱۳۷۵ و ۱۳۸۵	فیروز جمالی- استاد گروه جغرافیا، دانشگاه تبریز محمدرضا پورمحمدی- استاد گروه جغرافیا، دانشگاه تبریز ابوالفضل قنبری- دانشجوی دکترای جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه تبریز	مجله جغرافیا و برنامه‌ریزی محیطی، ش ۳۵، پاییز ۱۳۸۸، صص ۲۱-۴۴
روش تحقیق: توصیفی- تحلیلی، با استفاده از روش‌های تحلیل عاملی، موریس و تحلیل خوشه‌ای			

هدف این مقاله، تعیین درجه توسعه‌یافتگی نقاط شهری استان آذربایجان شرقی و تحلیل روند نابرابری‌های ناحیه‌ای در استان، طی سال‌های ۱۳۶۵، ۱۳۷۵ و ۱۳۸۵ است. بدین منظور از ۳۹ شاخص بهداشتی- درمانی، فرهنگی- آموزشی، اقتصادی، زیربنایی و مسکن و ورزشی استفاده کرده است.



## نتایج

۱. نتایج نشان می‌دهد، بین نقاط شهری استان توسعه نامتعادل وجود دارد.
۲. شکاف و واگرایی بین ناحیه‌ای در سال ۱۳۸۵ نسبت به سال ۱۳۶۵ تا حدودی کاسته شده است.
۳. بر طبق رابطه رگرسیونی، سهم شاخص‌های بهداشتی و درمانی، مسکن و زیربنایی، ورزشی و اقتصادی در پیشگویی درجه توسعه‌یافتگی و در نتیجه، کاهش نابرابری‌های ناحیه‌ای بیشتر است.
۴. مواردی نظیر تقویت و گسترش امکانات و زیرساخت‌های آموزشی، فرهنگی، اقتصادی و ...، تمرکززدایی از شهر تبریز، توسعه شبکه‌های حمل‌ونقل، گسترش روابط ملی و فراملی و ... می‌تواند در کاهش نابرابری‌ها مؤثر باشد.

شماره	عنوان مقاله	نویسندگان	محل انتشار
۸۲	تحلیلی از نابرابری و عدم تعادل فضایی توسعه در استان اصفهان	دکتر مهدی مؤمنی - دانشیار گروه جغرافیای دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف‌آباد	فصلنامه جغرافیا و مطالعات محیطی، ش ۱، پاییز ۱۳۸۸، صص: ۳۵-۴۲
روش تحقیق: اسنادی- آماری، با استفاده از مدل اسکالوگرام			

در این مطالعه شیوه‌های برنامه‌ریزی قطبی در استان اصفهان مورد بررسی قرار گرفته است. بدین منظور از سیزده متغیر با جنبه‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی استفاده شده است. همچنین نظریات مرتبط با توسعه در قسمت مقدمه مورد توجه قرار گرفته است.

## نتایج

۱. برنامه‌ریزی قطبی و نوع سیاستگذاری‌ها باعث نابرابری و عدم تعادل فضایی در استان اصفهان گردیده است.
۲. برای کاهش عدم تعادل‌های ناحیه‌ای توصیه شده است مطالعاتی در زمینه برنامه‌ریزی فضایی و آمایش صورت گیرد.

شماره	عنوان مقاله	نویسندگان	محل انتشار
۸۳	سطح‌بندی شهرستان‌های استان گلستان از نظر شاخص‌های توسعه‌یافتگی با استفاده از روش تحلیل عاملی	دکتر مهین نسترن - استادیار برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه هنر اصفهان سارا فتاحی - دانشجوی کارشناسی ارشد برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه هنر اصفهان	فصلنامه جغرافیا و مطالعات محیطی، ش ۱، پاییز ۱۳۸۸، صص ۴۳-۶۲
روش تحقیق: کمی - تحلیلی، تحلیل عاملی			

این مطالعه به سطح‌بندی شهرستان‌های استان گلستان از منظر توسعه‌یافتگی می‌پردازد. به این منظور از ۳۸ شاخص جمعیتی، اقتصادی، صنعت و معدن، کشاورزی، زیربنایی، آموزشی، فرهنگی، کالبدی، زیربنایی، بهداشتی و درمانی مربوط به سال ۱۳۸۵، استفاده شده است.

## نتایج

- نتایج این مطالعه نشان می‌دهد امکانات و خدمات در شهرستان‌های استان گلستان به صورت ناهماهنگ توزیع شده است.
- شهرستان گرگان به‌عنوان برخوردارترین و شهرستان آق‌قلا به‌عنوان محروم‌ترین شهرستان‌های استان شناسایی شده‌اند.

شماره	عنوان مقاله	نویسندگان	محل انتشار
۸۴	بررسی وضعیت نابرابری منطقه‌ای در استان خراسان رضوی	دکتر مجید یاسوری - دانشیار گروه جغرافیای دانشگاه گیلان	دوفصلنامه جغرافیا و توسعه ناحیه‌ای، ش ۱۲، بهار و تابستان ۱۳۸۸، صص ۲۰۱-۲۲۳
روش تحقیق: توصیفی، با استفاده از تکنیک تاکسونومی عددی			

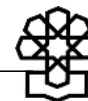
این مقاله به شناخت وضعیت توسعه‌یافتگی مناطق استان خراسان رضوی پرداخته است. برای تحقق این هدف، معیارهای برخورداری در زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و زیربنایی مورد توجه قرار گرفته است.

## نتایج

- یافته‌های تحقیق حکایت از عدم تعادل شدید بین نواحی استان به ویژه شهرستان مشهد دارد.
- الگوی توسعه استان نامتوازن بوده که حاصل بخشی‌نگری در برنامه‌های گذشته و نبود ارتباط بین سرمایه‌گذاری و شاخص‌های توسعه است.

شماره	عنوان مقاله	نویسندگان	محل انتشار
۸۵	مقایسه درجه توسعه‌یافتگی بخش کشاورزی استان‌های کشور در دو مقطع ۱۳۷۲ و ۱۳۸۲	محمدحسن فطرس - دانشیار دانشگاه بوعلی‌سینا همدان محمود بهشتی‌فر - کارشناس ارشد اقتصاد	فصلنامه اقتصاد کشاورزی و توسعه، سال هفدهم، ش ۶۵، بهار ۱۳۸۸
روش تحقیق: توصیفی - تحلیلی، استفاده از روش تحلیل عاملی و تاکسونومی عددی			

این مقاله به بررسی سطح توسعه کشاورزی استان‌های کشور طی سال‌های ۱۳۷۲ تا ۱۳۸۲ بوده است. برای این منظور از ۷۸ شاخص توسعه کشاورزی استفاده کرده است.



## نتایج

۱. نتایج این مطالعه نشان می‌دهد طی دوره مورد بررسی، سطح توسعه‌یافتگی کشاورزی استان‌ها افزایش یافته و دوگانگی بین آنها کاهش یافته است.

شماره	عنوان مقاله	نویسندگان	محل انتشار
۸۶	نقش شهرهای کوچک در توسعه منطقه‌ای	دکتر مسعود تقوایی - استاد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه اصفهان	دوماهنامه بنا، ش سی‌وهفتم، سال ۱۳۸۷
روش تحقیق: توصیفی - تحلیلی			

در این مطالعه بیان می‌شود با تقویت شهرهای کوچک می‌توان توسعه را به سایر قسمت‌های منطقه تزریق کرد و به نوعی توازن و تعادل در منطقه دست یافت. در ادامه انواع عملکردهای شهرهای کوچک در راستای تحقق توسعه منطقه‌ای به شرح زیر ارائه شده است:

۱. شهرهای کوچک می‌توانند با توسعه‌ای متعادل و متوازن با شرایط محیطی خود، علاوه بر کاهش تفاوت‌های اقتصادی - اجتماعی درون منطقه‌ای به ایجاد عوامل و زمینه‌های توسعه پایدار کمک کنند.

۲. در کشورهای در حال توسعه، شهرهای کوچک با جذب مهاجرین روستایی می‌توانند ضمن جلوگیری از مهاجرت به شهرهای بزرگ، تعادل و توازن را در سیستم سکونتگاهی این کشورها برقرار نموده و در واقع باعث تمرکززدایی منطقه‌ای شوند.

۳. شهرهای کوچک می‌توانند در گسترش و تراوش توسعه به نواحی تحت نفوذ خود (به‌ویژه روستاها) نقش مفید و مؤثری را ایفا نموده و توسعه روستایی را به بهترین شکل ممکن سازند.

۴. با تقویت شهرهای کوچک می‌توان از مهاجرت روستاییان به سمت کلان شهرها، جلوگیری نموده و تا حدود زیادی مانع از زاغه‌نشینی و حاشیه‌نشینی گردید.

۵. در پایان نیز نویسندگان پیشنهاداتی نظیر تقویت شهرهای کوچک با هدف کاهش جریان‌های مهاجرتی، توسعه و تجهیز صنایع کوچک محلی، ایجاد اشتغال گسترده و بازار کار در مراکز شهری کوچک جهت سرویس‌دهی به خود شهر و تقویت نظام مدیریت شهری را به منظور بهبود روند توسعه، ارائه می‌کند.

شماره	عنوان مقاله	نویسندگان	محل انتشار
۸۷	خلاصه مدیریتی گزارش تحقیقاتی «ویژگی‌های استان‌های کشور» ۱۳۸۵-۱۳۸۳	دکتر رؤیا طباطبایی یزدی - دانشکده اقتصاد دانشگاه علامه طباطبایی	مجمع تشخیص مصلحت نظام، مرکز تحقیقات استراتژیک، سال ۱۳۸۶
روش تحقیق: توصیفی			

این مطالعه خلاصه‌ای از گزارش تحقیقاتی در مورد ویژگی‌های استان‌های کشور است که در قسمت اول ویژگی‌های عمومی (مانند تعداد جمعیت، میزان شهرنشینی، میزان باسوادی و ...) استان‌ها، در قسمت دوم ویژگی‌های اقتصادی (مانند نرخ بیکاری، تولید ناخالص داخلی و ...) استان‌ها و در قسمت سوم امکانات و محدودیت‌ها (مانند امکانات کشاورزی، آموزشی، درمانی و ...) استان‌های کشور در مقایسه با یکدیگر بررسی شده‌اند.

بر طبق آمار موجود در این مطالعه، نابرابری در بین استان‌های کشور و استان تهران به وضوح قابل مشاهده است. البته در این گزارش تنها به توصیف وضعیت موجود پرداخته شده است و راهکار مشخصی جهت کاهش نابرابری‌ها ارائه نشده است.

شماره	عنوان مقاله	نویسندگان	محل انتشار
۸۸	مقایسه درجه توسعه‌یافتگی بخش خدمات و رفاه اجتماعی استان‌های ایران طی سال‌های ۱۳۷۳ و ۱۳۸۳	محمد مولایی - دکترای اقتصاد، عضو هیئت علمی دانشگاه بوعلی سینا	فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، سال ششم، ۱۳۸۶، ش ۲۴، صص ۲۴۱-۲۵۸
روش تحقیق: توصیفی تحلیلی، روش تحلیل عاملی و تاکسونومی عددی			

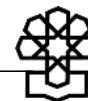
این مطالعه به بررسی درجه توسعه‌یافتگی استان‌های کشور در بخش خدمات و رفاه اجتماعی می‌پردازد. در قسمت مبانی نظری این مطالعه بر تئوری‌های رشد متوازن، رشد نامتوازن، قطب رشد، اثر تمرکز و اثر انتشار تأکید شده است. همچنین جهت محاسبات از ۵۴ شاخص خدمات و رفاه اجتماعی استفاده شده است.

## نتایج

۱. در سال ۱۳۷۳ در بخش خدمات و رفاه اجتماعی، استان‌های گیلان، اصفهان، کرمان، فارس، تهران، مازندران، یزد و مرکزی توسعه‌یافته، استان‌های آذربایجان شرقی، خراسان، آذربایجان غربی، زنجان، همدان و خوزستان نسبتاً توسعه‌یافته، استان‌های کرمانشاه، هرمزگان، ایلام، کردستان و چهارمحال و بختیاری کمتر توسعه‌یافته و استان‌های لرستان، کهگیلویه و بویراحمد، بوشهر، سیستان و بلوچستان و اردبیل توسعه‌نیافته محسوب می‌شوند.

۲. در بین سال‌های ۱۳۷۳-۱۳۸۳ درصد تغییرات توسعه‌یافتگی استان‌های کشور در بخش خدمات و رفاه اجتماعی به‌طور متوسط به میزان ۱۰۰ درصد افزایش یافته است و ضریب شدت نابرابری در این بخش به میزان ۷۳ درصد افزایش یافته است. لذا می‌توان نتیجه گرفت که نابرابری بین استان‌های کشور در بخش خدمات و رفاه اجتماعی به میزان قابل توجهی افزایش یافته است.





شماره	عنوان مقاله	نویسندگان	محل انتشار
۸۹	بررسی روند شتاب توسعه‌یافتگی فضاهای سیاسی-اداری کشور مطالعه موردی: استان‌های ایران در برنامه‌های اول تا سوم توسعه (۱۳۶۸-۱۳۸۳)	دکتر زهرا احمدی‌پور- استادیار جغرافیای سیاسی، دانشگاه تربیت مدرس حسین مختاری هشی- دانشجوی دکتری جغرافیای سیاسی- دانشگاه تربیت مدرس دکتر عبدالرضا رکن‌الدین افتخاری- دانشیار جغرافیا، دانشگاه تربیت مدرس نرگس وزین- کارشناس ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه تربیت مدرس	فصلنامه ژئوپلیتیک- سال هشتم، ش اول، بهار ۱۳۸۶، صص ۲۲-۴۹
روش تحقیق: تحلیلی- توصیفی			

این مقاله به بررسی شتاب توسعه‌یافتگی استان‌های کشور در دوره زمانی سه برنامه اول، دوم و سوم توسعه پرداخته است. بدین منظور ۱۷ شاخص در دو گروه اقتصادی- زیربنایی و اجتماعی- فرهنگی به کار گرفته شده است. همچنین در قسمت مبانی نظری بر توسعه پایدار و نظریه هانتینگتون درباره زمینه آثار متقابل عدم وجود توسعه سیاسی و اقتصادی تأکید شده است.

### نتایج

۱. در طی برنامه اول، از ۲۴ استان کشور، ۲۲ استان از شتاب توسعه‌یافتگی مثبت و ۲ استان از شتاب توسعه‌یافتگی منفی برخوردار بوده‌اند. همچنین در این مقطع استان تهران دارای بیشترین شتاب توسعه‌یافتگی مثبت و استان سیستان و بلوچستان دارای بیشترین شتاب توسعه‌یافتگی منفی است.

۲. در طول برنامه دوم توسعه ۹ استان دارای شتاب توسعه‌یافتگی مثبت و ۱۵ استان دارای شتاب توسعه‌یافتگی منفی بوده‌اند. در این مقطع استان خراسان دارای بیشترین شتاب توسعه‌یافتگی مثبت و استان زنجان دارای بیشترین شتاب توسعه‌یافتگی منفی بوده‌اند.

۳. در طول برنامه سوم توسعه، از بین ۲۸ استان ۱۱ استان دارای شتاب توسعه‌یافتگی مثبت و ۱۷ استان نیز دارای شتاب توسعه‌یافتگی منفی بوده‌اند. در این مقطع استان مرکزی دارای بیشترین شتاب توسعه‌یافتگی مثبت و استان خوزستان دارای بیشترین شتاب توسعه‌یافتگی منفی بوده‌اند.

شماره	عنوان مقاله	نویسندگان	محل انتشار
۹۰	تعیین سطح توسعه‌یافتگی استان‌های کشور و نابرابری بین آنها طی سال‌های ۱۳۷۳ و ۱۳۸۳	محمدحسن فطرس- دانشیار دانشگاه بوعلی سینا، همدان محمود بهشتی‌فر- کارشناس ارشد اقتصاد دانشگاه بوعلی سینا، همدان	فصلنامه علمی- پژوهشی مفید، ش ۵۷، سال ۱۳۸۵، صص ۱۰۱-۱۲۲
روش تحقیق: توصیفی- تحلیلی، تکنیک‌های تحلیل عاملی و تاکسونومی عددی			

این مطالعه سطح توسعه‌یافتگی و نابرابری بین استان‌ها را طی سال‌های ۱۳۷۳ (آغاز برنامه دوم توسعه) تا ۱۳۸۳ (پایان برنامه سوم توسعه) مورد مطالعه قرار می‌دهد. مبانی نظری مورد بررسی در این مطالعه بر «نظریه رشد متوازن» و «نظریه رشد نامتوازن»، معروف‌ترین راهبرد تئوری رشد نامتوازن «قطب رشد»، «اثر تمرکز» و «اثر پخش» و نظریه رشد نئوکلاسیک تأکید دارد. شاخص‌های توسعه اقتصادی-اجتماعی مورد بررسی در این مطالعه عبارتند از:

#### – شاخص‌های بخش صنعت و معدن

##### • شاخص بخش کشاورزی

۱. شاخص‌های زراعت

۲. شاخص‌های باغبانی

۳. شاخص‌های دامپروری

۴. شاخص‌های خدمات کشاورزی

##### • شاخص‌های بخش خدمات اقتصادی، اجتماعی (شهری و روستایی)

۱. شاخص‌های بخش آموزش و فرهنگ

۲. شاخص‌های بخش بهداشت و درمان

۳. شاخص‌های بهزیستی و تأمین اجتماعی

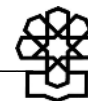
۴. شاخص‌های زیربنایی و ارتباطات

در این مطالعه به‌طور کلی ۹۰ شاخص در سرفصل‌های کلی فوق مورد بررسی قرار گرفته‌اند.

#### نتایج

۱. نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که به‌طور متوسط سطح توسعه‌یافتگی استان‌های کشور طی سال‌های مورد مطالعه به میزان ۲۵۰ درصد افزایش یافته است. ولی نابرابری بین آنها طی سال‌های مورد مطالعه، به میزان ۴/۵۶ درصد افزایش داشته است.

شماره	عنوان مقاله	نویسندگان	محل انتشار
۹۱	بررسی آثار سرمایه اجتماعی درون و برون‌گروهی بر رشد اقتصادی استان‌های ایران	میثم امیری- دانشجوی کارشناسی ارشد دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران دکتر تیمور رحمانی- عضو هیئت علمی دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران	دوفصلنامه علمی- پژوهشی جستارهای اقتصادی، سال سوم، ش ۶، سال ۱۳۸۵، صص ۳۳۹-۳۸۲
روش تحقیق: اقتصادسنجی			



این مطالعه تلاش دارد آثار سرمایه اجتماعی را بر رشد اقتصادی استان‌ها مورد مطالعه قرار دهد. در قسمت مبانی نظری، تعاریف مرتبط با سرمایه اجتماعی کلمن<sup>۱</sup> و بوردیو<sup>۲</sup> مورد توجه قرار گرفته است.

### نتایج

۱. در این مطالعه تأثیر سرمایه اجتماعی درون‌گروهی و برون‌گروهی بر رشد اقتصادی استان‌های کشور بررسی و این نتیجه حاصل شد که سرمایه اجتماعی برون‌گروهی با افزایش تعاملات باعث افزایش اعتماد و کاهش هزینه‌های مبادلاتی از جمله رانت‌جویی می‌شود که از این طریق اثر مثبت بر رشد اقتصادی دارد و همچنین با توجه به محدود بودن زمان افراد برای تعاملات اجتماعی، تعاملات اجتماعی درون‌گروهی و ارتباطات محدود با دوستان و خانواده به علت اینکه اثر منفی بر تعاملات اجتماعی برون‌گروهی و تعامل افراد با خارج از محیط بسته دارد باعث کاهش رشد اقتصادی می‌شود.

شماره	عنوان مقاله	نویسندگان	محل انتشار
۹۲	بررسی شاخص‌های توسعه در مناطق روستایی استان‌های کشور با استفاده از روش اسکالوگرام	مسعود تقوایی - عضو هیئت علمی گروه جغرافیای دانشگاه اصفهان شهره نیلی پورطباطبایی - دانشجوی کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی دانشگاه اصفهان	فصلنامه اقتصاد کشاورزی و توسعه، ش ۵۶، زمستان ۱۳۸۵، صص ۱۰۹-۱۴۱
روش تحقیق: اسنادی- آماری، با استفاده از مدل اسکالوگرام			

در این مقاله میزان برخورداری مناطق روستایی استان‌های کشور با استفاده از ۶۷ شاخص توسعه در حوزه‌های جمعیتی، آموزشی، بهداشتی- درمانی، تأسیساتی- زیربنایی، سیاسی- اداری، اطلاع‌رسانی و اجتماعی، رفاهی و سهم هر یک از شاخص‌ها و تأثیر آنها در توسعه تعیین شده است.

### نتایج

۱. نتایج این مطالعه نشان می‌دهد اختلاف و شکاف زیادی بین استان‌های مختلف کشور وجود دارد.  
۲. از لحاظ شاخص‌های توسعه، مناطق روستایی استان مازندران بهترین رتبه و مناطق روستایی استان سمنان کمترین رتبه را کسب کرده‌اند.

شماره	عنوان مقاله	نویسندگان	محل انتشار
۹۳	آسیب‌شناسی مدیریت توسعه در ایران	یوسف ترابی - عضو هیئت علمی دانشگاه علوم نظامی	دوفصلنامه دانش سیاسی، ش ۲، سال ۱۳۸۴
روش تحقیق: توصیفی- تحلیلی			

در بخش مقدمه این مقاله دلایل مختلفی از جمله نبود مکتب فکری منسجم توسعه و عدم نهادینه شدن آن، ماهیت شخصیت نخبگان سیاسی ایران و خمیرمایه فرهنگ ایرانی را برای تأخیر در توسعه قلمداد می‌کند. در ادامه نویسنده بیان می‌دارد که پدیده مدیریت توسعه کشور و آسیب‌شناسی توسعه از جمله مواردی است که در امر توسعه اثرگذار بوده و به آن کمتر توجه شده است. سپس فرآیند و چرخه توسعه را در سرفصل‌های اهداف، سیاست‌ها، منابع و سازمان‌ها ارائه شده است. در مبانی نظری نیز بر مکاتب نوسازی، وابستگی و نظام جهانی تأکید شده است. آسیب‌های مدیریت توسعه کشور در این مطالعه به دو دسته کلان: ۱. آسیب‌های نظری، ۲. آسیب‌های عملی (اجرایی) تقسیم‌بندی شده‌اند.

### ۱. آسیب‌های نظری

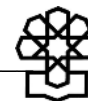
۱. نبود مکتب فکری معین علمی.
۲. انتخاب مکاتب نظری نامطمئن برای توسعه کشور توسط سیاستگذاران و تصمیم‌گیرندگان (مدیران).
۳. عدم اجماع نظر نخبگان سیاسی و تصمیم‌گیرندگان کشور.

### ۲. آسیب‌های عملی

۱. ضعف، کاستی و خامی در برنامه‌ریزی.
۲. عدم کارایی لازم برخی مدیران و تصمیم‌گیرندگان.
۳. سازمان دولتی ضعیف و وجود فساد اداری.
۴. ضعف در نظارت و کنترل.
۵. نبود سازوکار حل منازعه در میان نخبگان سیاسی کشور.
۶. تضعیف بخش خصوصی و فساد اقتصادی.

شماره	عنوان مقاله	نویسندگان	محل انتشار
۹۴	بررسی نقش سیاست‌های دولت در همگرایی منطقه‌ای در استان‌های ایران با به‌کارگیری روند سپرده دیداری	دکتر تیمور رحمانی - عضو هیئت علمی دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران حشمت‌الله عسگری - دانشجوی دکتری اقتصاد دانشگاه علامه طباطبایی	مجله تحقیقات اقتصادی، ش ۶۹، سال ۱۳۸۴، صص ۱۲۹-۱۵۴
روش تحقیق: الگوهای متعارف اقتصادسنجی و مدل همگرایی بارو و سالا-آی-مارتین			

این مطالعه به دنبال جواب دادن به دو سؤال اساسی است. اول اینکه آیا در بین استان‌های ایران روند همگرایی وجود دارد یا خیر؟ دوم اینکه آیا سیاست‌های منطقه‌ای دولت در تسریع همگرایی موفق بوده‌اند یا خیر؟ بدین منظور از داده‌های مربوط به سپرده دیداری، جمعیت، مهاجرت، تعداد دانشجویان



در حال تحصیل (سرمایه انسانی) و بیکاران جویای کار استفاده شده است. همچنین در قسمت مبانی نظری بر همگرایی در مدل‌های رشد تأکید شده است.

## نتایج

بر طبق نتایج به دست آمده، نوعی از همگرایی شرطی در بین استان‌های ایران وجود دارد و سیاست‌های دولت هر چند در رشد منطقه‌ای مؤثر بوده است، اما در راستای تسریع همگرایی نبوده‌اند.

شماره	عنوان مقاله	نویسندگان	محل انتشار
۹۵	برآورد و ارزیابی سازگاری شاخص‌های نابرابری اقتصادی با استفاده از ریزداده‌ها در ایران	اسمعیل ابونوری - دانشیار اقتصادسنجی و آمار اجتماعی، بخش اقتصاد دانشگاه مازندران اسماعیل اسناوندی - کارشناس ارشد علوم اقتصادی	مجله تحقیقات اقتصادی، ش ۷۱، سال ۱۳۸۴، صص ۱۷۱-۲۱۰

روش تحقیق: برآورد شاخص‌های نابرابری با استفاده از ریزداده‌ها

هدف این مطالعه بررسی توزیع درآمد و نابرابری‌های درآمدی در ایران (به تفکیک مناطق شهری و روستایی) طی سال‌های ۱۳۷۵-۱۳۸۰ بوده است. برای این منظور هفت شاخص نابرابری مهم مانند ضریب تغییرات، انحراف از میانگین نسبی، انحراف از میانه نسبی، واریانس لگاریتم درآمدها، ضریب جینی، شاخص تایلر و شاخص اتکینسن با استفاده از ریزداده‌های مرکز آمار ایران برآورد شده‌اند. در قسمت ادبیات و مبانی نظری به شاخص‌های نابرابری درون‌توزیعی و نابرابری بین‌توزیعی، اصل انتقال (اصل پیگو-دالتون)، اصل عدم حساسیت نسبت به تغییر متناسب کلیه درآمدها (اصل استقلال از میانگین درآمد جامعه)، اصل حساسیت نسبت به تغییر برابر کلیه درآمدها، اصل عدم حساسیت نسبت به تغییر متناسب تعداد افراد کلیه گروه‌ها و سطوح درآمدی، اصل تقارن، ارزیابی شاخص‌های نابرابری درون‌توزیعی و ... اشاره شده است.

## نتایج

۱. روند نابرابری در مناطق شهری از سال ۱۳۷۵ تا سال ۱۳۷۷ کاهش یافته و پس از آن تا سال ۱۳۸۰ روند افزایشی داشته است.
۲. روند نابرابری در مناطق روستایی بیانگر سیر صعودی نابرابری در سال‌های ۱۳۷۵ تا ۱۳۷۷ و سپس کاهش نابرابری تا سال ۱۳۸۰ بوده است.
۳. پدیده قابل توجه آن است که نابرابری در مناطق روستایی در دوره مورد مطالعه، همواره بیشتر از نابرابری در مناطق شهری بوده است.

۴. میانگین ضریب جینی مناطق شهری در دوره (۱۳۷۹-۱۳۸۰) در مقایسه با دوره (۱۳۷۵-۱۳۷۸) به‌طور معناداری افزایش یافته است.

شماره	عنوان مقاله	نویسندگان	محل انتشار
۹۶	بررسی همگرایی درآمد سرانه بین استان‌های کشور (یک رهیافت اقتصادسنجی فضایی)	دکتر نعمت‌الله اکبری - عضو هیئت علمی دانشگاه اصفهان رزیتا مؤیدفر - دانشجوی دکتری اقتصاد دانشگاه اصفهان	فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی، ش ۱۳، سال ۱۳۸۳، صص ۲-۱۲
روش تحقیق: اقتصادسنجی فضایی			

در این مقاله نویسندگان تلاش می‌کنند روند نرخ رشد واقعی درآمد سرانه در ایران را با رویکرد منطقه‌ای مورد بررسی قرار داده و شکاف رشد اقتصادی را در استان‌های ایران طی سال‌های ۱۳۷۰-۱۳۸۰ اندازه‌گیری کنند. مبانی نظری این مطالعه بر فرضیه همگرایی در درآمد سرانه، برگرفته از الگوی رشد برونزای نئوکلاسیک تأکید دارد.

### نتایج

۱. بر طبق نتایج به‌دست آمده از محاسبات این مقاله، به‌طور کلی استان‌های ایران با سرعت ۳۱ درصد در سال به سمت نقطه تعادل پایدار در رشد اقتصادی همگرا هستند و نیمی از شکاف رشد اقتصادی موجود بین آنها در ۲/۵ سال از بین می‌رود.

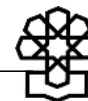
۲. در رشد اقتصادی استان‌ها آثار وابستگی فضایی و وجود همگرایی معنادار است.

شماره	عنوان مقاله	نویسندگان	محل انتشار
۹۷	رشد اقتصادی و همگرایی منطقه‌ای در ایران	دکتر تیمور رحمانی - عضو هیئت علمی دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران	مجله تحقیقات اقتصادی، ش ۶۶، سال ۱۳۸۳، صص ۱۵۰-۱۸۰
روش تحقیق: اقتصادسنجی			

این مقاله شباهت‌های زیادی با مقاله کد ۳۱، با عنوان بررسی نقش سیاست‌های دولت در همگرایی منطقه‌ای در استان‌های ایران با به‌کارگیری روند سپرده دیداری دارد. در قسمت مبانی نظری این مطالعه به فرضیه همگرایی اشاره شده است.

### نتایج

۱. نتایج مقاله حاکی از آن است که همگرایی منطقه‌ای یا همگرایی استانی برای اقتصاد ایران مورد تأیید قرار نمی‌گیرد و فرآیند رشد اقتصادی منطقه‌ای ایران یک فرآیند همگرا نیست. در واقع همگرایی



چه به صورت مطلق و چه به صورت شرطی برای سپرده‌های دیداری سرانه استان‌ها تأیید نمی‌شود. ۲. یافته‌های این تحقیق می‌تواند به این معنا باشد که یا دولت سیاست‌هایی برای کاهش نابرابری منطقه‌ای در پیش نگرفته است یا سیاست‌های در پیش گرفته شده ناموفق بوده است.

شماره	عنوان مقاله	نویسندگان	محل انتشار
۹۸	توزیع متعادل منابع مالی به روش سطح‌بندی توسعه مناطق	مهدی جدیدی میان‌دشتی - کارشناس ارشد سازمان شهرداری‌های کشور	فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی، ش ۱۱ و ۱۲، سال ۱۳۸۳
روش تحقیق: توصیفی تحلیلی، سطح‌بندی توسعه استان‌ها با استفاده از شاخص‌های مربوطه			

هدف از این مطالعه ارائه راه‌حلی برای توزیع اعتبارات ماده (۳۸) فصل عمران شهری است. در این مقاله بیان می‌شود کاهش تفاوت‌های استانی با چهار رویکرد کمک به شهرهای تازه‌تأسیس، توانمندسازی شهرهای کوچک، حمایت از شهرهای متوسط و حمایت از برخی پروژه‌های مهم و اضطراری در شهرهای بزرگ صورت می‌پذیرد. در قسمت روش‌های سطح‌بندی مناطق به تجزیه و تحلیل خوشه‌ای، تحلیل عاملی، روش دسته‌بندی، روش بخش‌بندی و تحلیل تاکسونومی اشاره شده است.

### نتایج

بر طبق نتایج به‌دست آمده استان‌های تهران، خراسان، اصفهان، کرمان، یزد، فارس و قم به ترتیب استان‌های توسعه‌یافته و استان‌های کهگیلویه و بویراحمد، ایلام، سیستان و بلوچستان، کرمانشاه و بوشهر استان‌های توسعه‌نیافته بوده‌اند.

شماره	عنوان مقاله	نویسندگان	محل انتشار
۹۹	توسعه انسانی و تفاوت‌های منطقه‌ای در ایران: الگوی سیاستی	فرهاد نوربخش - دکترای اقتصاد توسعه، رئیس دانشکده اقتصاد و مرکز مطالعات توسعه دانشگاه گلاسکو (اسکاتلند)	فصلنامه پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی، سال ۱۳۸۲، ش ۲۸، صص ۳-۳۰
روش تحقیق: محاسبه شاخص توسعه انسانی تعدیل شده منطقه‌ای			

در این مقاله استدلال می‌شود که آینده شاخص توسعه انسانی منتشر شده در سازمان ملل متحد به این بستگی دارد که به‌طور موفقیت‌آمیزی عملیاتی شود. داده‌ها، ۱۶ شاخص اجتماعی-اقتصادی مربوط به ۲۶ استان ایران را پوشش می‌دهد.

## نتایج

بر طبق نتایج به دست آمده از این مطالعه، استان‌های تهران، قم، اصفهان، یزد و سمنان در رتبه‌های نخست شاخص توسعه انسانی منطقه‌ای قرار دارند. همچنین استان‌های سیستان و بلوچستان و کردستان از منظر شاخص فوق در رتبه‌های پایانی قرار گرفته‌اند.

شماره	عنوان مقاله	نویسندگان	محل انتشار
۱۰۰	تحلیلی مقایسه‌ای از توسعه صنعتی استان‌های مختلف کشور	دکتر صادق بختیاری - دانشیار اقتصاد دانشگاه اصفهان	پژوهشنامه بازرگانی، سال ۶، ش ۲۲، سال ۱۳۸۱، صص ۱۵۷-۱۸۶
روش تحقیق: تاکسونومی عددی			

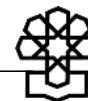
به طور کلی، این مطالعه در راستای شناخت جایگاه استان‌های مختلف کشور در بخش صنعت کشور، در جهت تحقق اهداف توسعه ملی و منطقه‌ای تلاش می‌کند تا سطح توسعه صنعتی استان‌های کشور را تعیین کرده و جایگاه آنها را از طریق انجام مقایسه بین منطقه‌ای ارزیابی کند. به منظور تعیین سطح توسعه صنعتی مناطق مختلف کشور عوامل متعددی از قبیل: عوامل طبیعی، جمعیتی، زیربنایی و اقتصادی انتخاب شده‌اند.

مبانی نظری این مطالعه بر نظریات مسلط رشد اقتصادی (هیرشمن، میردال، رودن و ...) که توسعه نامتوازن را به عنوان مرحله گذار به سوی تعادل منطقه‌ای قلمداد می‌کردند و معتقد بودند که به کمک آثار «رخنه به پایین»<sup>۱</sup> فضای محدود توسعه گسترش و در نهایت به تعادل منطقه‌ای منجر خواهد شد تأکید دارد. همچنین در ادامه به نظریه عدالت در توزیع (فرانک، پریبش و ...) که اولویت را به عدالت توزیع می‌دهند و بازدارنده اصلی توسعه متوازن را مناسبات ساختاری بین مناطق مرکز و پیرامون می‌دانند اشاره شده است.

## نتایج

۱. فاصله بین سطح توسعه صنعتی استان‌های چهارمحال و بختیاری، ایلام، کرمانشاه، هرمزگان، کهگیلویه و بویراحمد، سیستان و بلوچستان با سایر استان‌های کشور بسیار قابل توجه و وسیع است.
۲. اختلاف فاحشی در سطح توسعه صنعتی مناطق مختلف کشور وجود دارد. به طوری که تعداد زیادی از استان‌های کشور در سه گروه نسبتاً توسعه یافته، کمتر توسعه یافته و توسعه نیافته قرار گرفته‌اند.
۳. اگرچه نابرابری‌های موجود برای برخی از مناطق کشور مزیت‌هایی را خلق کرده است، اما در بلندمدت نابرابری‌ها به عنوان یک معیار دوگانگی و توسعه نیافتگی معرفی می‌گردند.





شماره	عنوان مقاله	نویسندگان	محل انتشار
۱۰۱	تجزیه و تحلیل نابرابری‌های منطقه‌ای اشتغال در استان‌های کشور	مجید صباغ کرمانی - استادیار دانشگاه تربیت مدرس	فصلنامه علمی- پژوهشی مدرس علوم انسانی، ش ۱۹، سال ۱۳۸۰، صص ۱-۲۰
روش تحقیق: اقتصادسنجی			

این تحقیق به دنبال یافتن شناخت تغییرات نابرابری‌های منطقه‌ای در اشتغال استان‌های منتخب کشور بوده است و در این راستا از چندین روش و شاخص نابرابری، استفاده کرده است. مبانی نظری مورد توجه در این مطالعه بر روی رشد نامتوازن، قطب‌های رشد، تئوری U برعکس کوزنتز و نظریات ویلیامسون در مورد تعمیم نابرابری درآمدی به مناطق تأکید داشته است. دوره زمانی مورد مطالعه مربوط به سال ۱۳۵۳-۱۳۷۲ است.

### نتایج

۱. تعیین وضعیت نسبی و بالاخره شاخص‌های نابرابری مورد محاسبه قرار گرفته مؤید این مطلب بوده‌اند که نابرابری بین استان‌های صنعتی و غیرصنعتی (در طی دوره مورد مطالعه) در حال کاهش است.
۲. بررسی سهم ارزش‌افزوده ناخالص داخلی، نشان می‌دهد، استان‌هایی که در سال ۱۳۵۳ جزء استان‌های صنعتی محسوب می‌شدند، جای خود را به سایر استان‌های غیرصنعتی در سال ۱۳۶۵ داده‌اند یا حداقل در رده‌بندی، وضعیت بدتری را نسبت به سال ۱۳۵۳ پیدا کرده‌اند.
۳. استان‌هایی که صنعتی‌تر بوده‌اند در طی زمان، روند رشد کمتری نسبت به سایر استان‌ها داشته‌اند.

شماره	عنوان مقاله	نویسندگان	محل انتشار
۱۰۲	بررسی همگرایی استان‌های ایران (آزمون نظریه سولو و سوان)	دکتر زهرا افشاری - استاد اقتصاد دانشگاه الزهرا	پژوهشنامه بازرگانی، ش ۱۳، سال ۱۳۷۸، صص ۱-۱۸
روش تحقیق: اقتصادسنجی			

در این مقاله تلاش شده است همگرایی تولید ناخالص داخلی استان‌های کشور مورد بررسی قرار گیرد. همچنین در قسمت ادبیات موضوع این مطالعه به نظریات همگرایی اشاره شده است.

### نتایج

۱. بر طبق نتایج به‌دست آمده، همگرایی در درون تمامی استان‌ها مورد تأیید قرار می‌گیرد.
۲. در همگرایی نوع  $\beta$ ، سرعت همگرایی بین استان‌های کشور ۰/۰۱۵۷ برآورد شده است. به عبارت

دیگر هر سال ۱/۵۷ درصد از شکاف GDP سرانه استانی کاسته می‌شود. لذا همگرایی کامل ۶۴ سال طول خواهد کشید. از آنجا که توسعه استانی بر توسعه ملی اثر مستقیم دارد، رشد متوازن مناطق باید در اولویت سیاست‌های اقتصادی دولت قرار گیرد.

۳. بدیهی است که سیاست‌های کلان کشور در مورد مکان‌یابی صنایع، توزیع مراکز مهم صنعتی، تجاری، اقتصادی و سیاسی در سطح کشور می‌تواند موجب شتاب بخشیدن به رشد مناطق محروم کشور گردد.

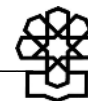
۴. چگونگی توزیع اعتبارات عمرانی دولت نیز بر توسعه مناطق اثر می‌گذارد. همچنین، توزیع خدمات آموزشی، بهداشتی و ... می‌تواند عامل مهمی در رشد مناطق اقتصادی باشد که باید در اولویت تحقیقات آینده قرار گیرد.

شماره	عنوان مقاله	نویسندگان	محل انتشار
۱۰۳	جایگاه برنامه‌ریزی منطقه‌ای در ایران ضرورت‌ها، مشکلات و طرح چند پیشنهاد	محمد شیخی - دانشجوی دکترای شهرسازی دانشکده هنرهای زیبا تهران	اطلاعات سیاسی - اقتصادی، ش ۱۲۱ و ۱۲۲، سال ۱۳۷۶، صص ۱۸۲-۱۸۹
روش تحقیق: تحلیلی - توصیفی			

این مقاله بحث خود را با نظر به سابقه ۵۰ ساله برنامه‌ریزی در کشور شروع می‌کند و در ادامه بیان می‌دارد که با وجود سابقه طولانی ایران در امر برنامه‌ریزی هنوز در عمل توفیق چندانی نداشته است. از نظر نویسنده مقاله، برنامه‌ریزی منطقه‌ای در ایران از اهمیت بالایی برخوردار است و دلایل ضرورت توجه به این نوع برنامه‌ریزی را به صورت زیر ارائه می‌دهد:

- وسعت کشور و تنوع طبیعی، جغرافیایی، اجتماعی، قومی و فرهنگی.  
- توسعه نامتعادل، شکاف توسعه بین مناطق و عدم تعادل منطقه‌ای: یکی از مهم‌ترین دلایل آن تزریق دلارهای نفتی به اقتصاد بوده است. در برنامه‌ریزی منطقه‌ای، هدف به حداقل رساندن عدم تعادل از راهکارهای زیر است:

۱. در نظر داشتن بُعد فضایی - مکانی تصمیمات اقتصادی و نگرش فضایی به توسعه ملی.
۲. اولویت دادن به انسجام و تعادل درون‌سیستمی مجموعه ملی بر بازدهی اقتصادی سریع کوتاه‌مدت.
۳. شناسایی پتانسیل‌های مختلف مناطق و راه‌های بهره‌برداری از آنها.
۴. تنظیم روابط عملکردی بین مناطق و ایجاد و توسعه ظرفیت‌های رشد و توسعه در مناطق بازمانده از توسعه.
۵. بازسازی مناطق آسیب‌دیده از جنگ و سوانح طبیعی.



۶. کنترل و مدیریت شهرنشینی و ساماندهی نظام شهری.
۷. توجه ویژه به مناطق دورافتاده و از یادرفته.
۸. کنترل رشد فیزیکی بی‌رویه و تعیین میزان و جهات بهینه توسعه فیزیکی شهرها.
- در ادامه مشکلات برنامه‌ریزی منطقه‌ای در ایران به شرح زیر ارائه شده است:
- مسئله تشخیص اهداف، روش‌شناسی، روش‌ها و فنون و نحوه نگرش برنامه‌ریزی منطقه‌ای در ایران.
  - فقدان تقسیم کار مشخص بین دستگاه‌های مرتبط با برنامه‌ریزی منطقه‌ای و مشکل روند گردش کار طرح‌های منطقه‌ای.
  - مشکل تضاد بین برنامه‌ریزی بخشی و برنامه‌ریزی فضایی.
  - مشکل نظام اطلاعاتی و اطلاعات مورد نیاز برنامه‌ریزی منطقه‌ای.
  - فقدان آموزش‌های دانشگاهی - حرفه‌ای لازم در رابطه با برنامه‌ریزی منطقه‌ای.
  - در پایان نیز نویسنده در راستای برطرف کردن مشکلات و موانع فوق راهکارهایی مانند تقویت نظام آموزشی، بهره‌گیری از توان مشاوره‌ای بخش خصوصی و از این دست موارد ارائه داده است.

شماره	عنوان مقاله	نویسندگان	محل انتشار
۱۰۴	پویایی‌شناسی توسعه و نابرابری استان‌ها در ایران (۱۳۳۵-۱۳۶۳)	هوشنگ امیراحمدی - استاد و رئیس دانشکده برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای در دانشگاه رانگرز مترجم: علی طایفی	اطلاعات سیاسی و اقتصادی، ش ۱۰۹ و ۱۱۰، سال ۱۳۷۵، صص ۱۵۴-۱۷۱
روش تحقیق: توصیفی تحلیلی، معیارهای آماری ضریب تعیین، تحلیل روندها و رتبه‌ها			

در این مطالعه از ۱۳ شاخص اقتصادی - اجتماعی استفاده شده است. براساس اطلاعات ارائه شده در این مطالعه ویژگی‌های کلی گروه‌های استانی ایران در سال ۱۳۵۵ را می‌توان به صورت زیر خلاصه کرد:

ویژگی‌ها	ایران	استان‌های نسبتاً توسعه یافته	استان‌های میانی	استان‌های زیر خط فقر
جمعیت (درصد از کل کشور)	۱۰۰	۴۱/۵	۴۱/۴	۱۷/۱
مساحت (درصد از کل کشور)	۱۰۰	۳۱/۷	۲۲/۸	۲۵/۵
تراکم (در هر کیلومتر مربع)	۲۵/۵	۲۶/۸	۱۹/۷	۱۳/۶
شهرنشینی (به درصد)	۲۷/۱	۶۶/۹	۳۵/۱	۲۷/۸

## نتایج

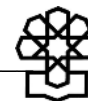
۱. بر طبق نتایج در طول دوره‌های ۱۳۳۵-۱۳۵۵ و ۱۳۵۵-۱۳۶۳، نابرابری‌های حاد میان استان‌های ایران آشکار می‌شود.
۲. اگرچه در طول دوره ۱۳۶۳-۱۳۵۵ نابرابری‌های موجود میان استان‌ها در زمینه بسیاری از متغیرهای اقتصادی، اجتماعی و جمعیتی کاهش یافته است، ولی تصویر کلی تغییر چندانی نکرده است.
۳. بر طبق نظریه نعل اسب وارونه (U برعکس) دوره ۱۳۳۵-۱۳۵۵ مراحل اولیه توسعه ایران بوده است. براساس نظریه مزبور نابرابری‌های منطقه‌ای در مراحل اولیه توسعه افزایش می‌یابد، با توسعه بیشتر به سمت هم می‌گراید. اما در این مقاله نابرابری بین استانی در زمینه بیشتر متغیرهای اجتماعی کاهش یافته است، ولی در متغیرهایی با درونمایه اقتصادی‌تر نظیر هزینه‌های مصرفی خانوارهای شهری و روستایی این تفاوت بین استانی یا افزایش یافته و یا بدون تغییر باقی مانده است.

شماره	عنوان مقاله	نویسندگان	محل انتشار
۱۰۵	تمرکز سیاسی- اداری و مراحل رشد اقتصادی	دکتر مرتضی اسدی- عضو هیئت علمی دانشگاه علوم اقتصادی	فصلنامه تحقیقات اقتصادی، ش ۴۶، سال ۱۳۷۱، صص ۷۶-۵۵
روش تحقیق: تحلیلی- توصیفی			

در این مطالعه بیان می‌شود، در کشورهای کمتر توسعه یافته، تمرکز اداری - سیاسی در مراکز رشد، با رشد ناهمگون اقتصادی همراه است. در نتیجه، عوامل تولید منقول به این مراکز سرازیر می‌شود. افزایش قدرت اقتصادی و نفوذ سیاسی دولت به رشد بی‌رویه دیوانسالاری منجر می‌شود. همچنین رشد حمایتی در اغلب کشورهای در حال توسعه با رشد بی‌رویه و ناهماهنگ بروکراسی نیز همراه است که موجب اختلال در قیمتگذاری و تخصیص بهینه منابع و تمرکز تصمیم‌گیری می‌شود. در کشور ما که مرکز، منابع را از مناطق پیرامونی جذب کرده (بدون آنکه قدرت ایجاد ظرفیت‌های تولیدی و یا انتشار توسعه را به پیرامون داشته باشد) دوگانگی بین مرکز و پیرامون به صورت متعارض وجود خواهد داشت.

## نتایج

۱. دلایل تاریخی تمرکز اقتصادی در کشور ما عبارتند از: تمرکز اداری، عواید نفتی دولت، شکل حکومتی، آثار بازدارندگی «رشد و فقدان آثار انتشار» رشد از مرکز به نواحی پیرامونی به دلیل ظرفیت جذب نازل این نواحی، وجود اقتصاد خارجی ناشی از تمرکز امکانات عمومی و بازار مصرفی و بالاخره



اتخاذ استراتژی رشد درونگرا، حمایتی و دوگانگی اقتصادی است.

۲. از آنجا که تمرکز قدرت در کشور طی یک پروسه طولانی تاریخی ایجاد شده، تمرکززدایی نیز نیازمند استراتژی هدفمند با سیاست‌های هماهنگ، در عرصه‌های اداری-سیاسی و اقتصادی است.

شماره	عنوان مقاله	نویسندگان	محل انتشار
۱۰۶	رشد نامتوازن و دوگانگی اقتصادی ایران	دکتر مرتضی اسدی- عضو هیئت علمی دانشگاه علوم اقتصادی	فصلنامه تحقیقات اقتصادی، ش ۴۲، سال ۱۳۶۹، صص ۸۸-۱۰۳
روش تحقیق: تحلیلی- توصیفی			

این مطالعه بیان می‌دارد که در بسیاری از کشورهای در حال توسعه، رشد سریع و نامتوازن موجب تشدید پراکندگی‌های منطقه‌ای و سطح توسعه‌یافتگی بخش‌های اقتصادی شده است. این پدیده در کشورهای نفتی یا تک‌پایه‌ای که بخش پیشرو فاقد ارتباط پیشین و پسین قوی با اقتصاد ملی است، به خوبی دیده می‌شود.

### نتایج

۱. تجربیات رشد نامتوازن در ایران حاکی است، توسعه سریع صنعتی در بلندمدت نه تنها مستلزم توجه خاص به مسائل مربوط به توسعه کشاورزی و بهبود وضعیت مناطق محروم است، بلکه در عین حال نیازمند به کار بستن ضوابط کارآیی اقتصادی-اجتماعی است و باید حداقل هدف‌های مربوط به اختلاف درآمد شهر و روستا و تعادل بین منطقه، جهت پیشبرد اهداف صنعتی نیز تعیین گردد.

۲. ایجاد قطب‌های توسعه منطقه‌ای بر مبنای منابع موجود محلی می‌تواند راهگشا باشد. بر این اساس ۶ قطب منطقه‌ای پیشنهاد می‌شود که شامل قطب کشاورزی و صنایع وابسته در شمال، قطب دامپروری و صنایع دامی (مثل نساجی و چرم) در غرب، قطب صنایع تولید کالاهای بادوام، شیمیایی و نساجی در مرکز، قطب تجارت آزاد، صنایع کشاورزی و صید در جنوب و جنوب شرقی، قطب صنایع انرژی‌بر و مشتقات نفتی در جنوب غربی و قطب معادن و فلزات در جنوب و مرکز است.

۳. ایجاد مراکز رشد متنوع، از آثار بازدارنده مهاجرت ناشی از توسعه‌نیافتگی روستا و مناطق محروم و آثار تهییج‌کننده مهاجرت ناشی از تمرکز هزینه‌های عمرانی در مرکز، خواهد کاست و به تمرکززدایی منجر خواهد شد.

۴. اهداف توسعه از طریق منابع موجود می‌تواند با درون‌گرایی بیشتر، اولویت به اشتغالزایی سریع عوامل تولید سرگردان از طریق تولید کالاهای اساسی که به سرعت به مرحله تولید می‌رسند، داده شود. این سرمایه‌گذاری‌ها بدون در نظر گرفتن اولویت‌بخشی، باید اشتغالزا، متکی به منابع محلی و با

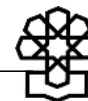
چشم‌انداز صادراتی باشد.

۵. برای رسیدن به اهداف بلندمدت رشد همگون و مداوم باید به امر تخصص، بهداشت و درمان و دیگر اقدامات زیربنایی چون ارتباطات، اسکله و راهسازی در مناطق محروم بهای کافی داده شود.
۶. با امکانات زیربنایی حاصل و اشباع بازار داخلی از نظر مایحتاج اولیه، بر درجه برون‌گرایی افزوده می‌شود و صنایع انرژی‌بر و ... گسترش می‌یابند.
۷. موارد یاد شده در بالا برای رفع دوگانگی اقتصادی مستلزم گسترش همکاری‌های منطقه‌ای و بین‌المللی، تثبیت سیاست‌های منعطف اقتصادی برای رشد مداوم و کنترل تورم، ایجاد جو اطمینان برای سرمایه‌گذاری خصوصی داخلی و خارجی، تضمین تشویق‌های پولی و مالی و بالا بردن استاندارد زندگی قشرهای محروم جامعه است.

این مطالعه مواردی نظیر استراتژی مدرنیزه کردن صنایع و توسعه جانشینی واردات، کاهش ارتباط ارگانیک بین بخش صنعت و کشاورزی، اولویت سیاست‌های حمایتی برای تولید کالاهای مصرفی بادوام، افزایش هزینه‌های شهرنشینی، افزایش مهاجرت نیروی کار جوان و فعال از روستا به شهر، کاهش تولیدات روستایی، مرکزیت سیاسی، اداری و اقتصادی تهران، تشکیل قطب تصمیم‌گیری و حکومتی در تهران، تجمع سرمایه و درآمد در تهران، رشد و نفوذ اشرافیت (وابسته به هزار فامیل که عموماً در حول مرکزیت سیاسی به سر می‌برند و امکانات حمایتی دولت برای سرمایه‌گذاری در مرکز به آنها تفویض می‌شد) را به‌عنوان دلایل ایجادکننده نابرابری‌های منطقه‌ای عنوان کرده و در قسمت نتایج راهبردهای پیشنهادی جهت رفع این مشکل را ارائه می‌کند.

شماره	عنوان مقاله	نویسندگان	محل انتشار
۱۰۷	نگرشی بر طرح‌های ملی- منطقه‌ای	محمد شیخی- دانشجوی دکترای شهرسازی دانشکده هنرهای زیبا تهران	اطلاعات سیاسی- اقتصادی، ش ۳۸، سال ۱۳۶۹، صص: ۴۸-۵۸
روش تحقیق: توصیفی- تحلیلی			

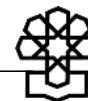
در این مطالعه ابتدا مروری بر تاریخچه تفکر برنامه‌ریزی منطقه‌ای در ایران داشته است. نکته قابل توجه در زمینه وجود نابرابری‌های منطقه‌ای نتایج طرح مطالعاتی میسر است که بیان می‌کند اقتصاد کشور به سمت قطبی شدن شدید کشانده شده است. در ادامه طرح‌های ستیران و طرح‌های آمایش بعد از انقلاب از منظر روش کار مورد مطالعه قرار گرفته‌اند.



۱. «برنامه‌ریزی توسعه منطقه‌ای در ایران»، میزگرد، کتاب ماه علوم اجتماعی، ش ۱۷، ۱۳۸۸.
۲. «نقش بازارچه‌های مرزی در رونق تجارت و اشتغال»، ماهنامه بررسی‌های بازرگانی، ش ۱۱۹، ۱۳۷۶.
۳. ابراهیم‌زاده، عیسی و رئیس‌پور، کوهزاد. «بررسی روند تغییرات درجه توسعه‌یافتگی مناطق روستایی سیستان و بلوچستان با بهره‌گیری از تاکسونومی عددی طی دهه‌های ۱۳۸۵ و ۱۳۷۵»، مجله جغرافیا و توسعه، ش ۲۴، ۱۳۹۰.
۴. ابراهیم‌زاده، عیسی، محمود، اکبری، و سیدعلی، موسوی. «تحلیل فضایی شاخص‌های توسعه و وضعیت‌سنجی نماگرهای آن در استان خوزستان»، فصلنامه علمی- پژوهشی فضای جغرافیایی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهر، سال سیزدهم، ش ۴۲، ۱۳۹۲.
۵. ابراهیم‌زاده، عیسی، میرنجف، موسوی و شمس‌الله، کاظمی‌زاد. «تحلیل فضایی نابرابری‌های منطقه‌ای میان مناطق مرزی و مرکزی ایران»، فصلنامه ژئوپلیتیک، سال هشتم، ش اول، ۱۳۹۱.
۶. ابونوری، اسمعیل و اسماعیل، اسناوندی. «برآورد و ارزیابی سازگاری شاخص‌های نابرابری اقتصادی با استفاده از ریزداده‌ها در ایران»، مجله تحقیقات اقتصادی، ش ۷۱، ۱۳۸۴.
۷. احدنژادروشتی، محسن و دیگران. «تحلیلی بر سطح توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان کردستان با استفاده تطبیقی از تکنیک‌های PROMETHEE و SAW»، فصلنامه آمایش جغرافیایی فضا، ش ۴، ۱۳۹۱.
۸. احمدی‌پور، زهرا و دیگران. «بررسی روند شتاب توسعه‌یافتگی فضاها سیاسی- اداری کشور مطالعه موردی: استان‌های ایران در برنامه‌های اول تا سوم توسعه (۱۳۶۸-۱۳۸۳)»، فصلنامه ژئوپلیتیک، سال هشتم، ش اول، ۱۳۸۶.
۹. ازوجی، علاءالدین. «سنجش و تحلیل نابرابری‌های منطقه‌ای بازار کار در برنامه چهارم توسعه»، فصلنامه علمی- پژوهشی برنامه‌ریزی و بودجه، سال شانزدهم، ش ۲، ۱۳۹۰.
۱۰. اسدی، رخساره. «بررسی و تعیین درجه توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان کرمان»، فصلنامه جمعیت، ش ۷۲/۷۱، ۱۳۸۹.
۱۱. اسدی، مرتضی. «رشد نامتوازن و دوگانگی اقتصادی ایران»، فصلنامه تحقیقات اقتصادی، ش ۴۲، ۱۳۶۹.
۱۲. اسدی، مرتضی. «تمرکز سیاسی- اداری و مراحل رشد اقتصادی»، فصلنامه تحقیقات اقتصادی، ش ۴۶، ۱۳۷۱.
۱۳. اسلامی، سیف‌الله. «تعیین و محاسبه درجه توسعه‌یافتگی استان‌های کشور طی دو مقطع (۱۳۷۵-۱۳۸۵)»، ماهنامه بررسی مسائل و سیاست‌های اقتصادی، ش ۱، ۱۳۹۱.
۱۴. افشاری، زهرا. «بررسی همگرایی استان‌های ایران (آزمون نظریه سولو و سوان)»، پژوهشنامه بازرگانی، ش ۱۳، ۱۳۷۸.
۱۵. افشاری، زهرا. «مقایسه نابرابری توزیع درآمد در استان فارس و کل کشور برحسب مناطق شهری و روستایی (۱۳۶۰-۱۳۸۳)»، فصلنامه برنامه‌ریزی و بودجه، ش ۱۰۸، ۱۳۸۸.
۱۶. اکبری، نعمت‌الله و رزیتا مؤیدفر. «بررسی همگرایی درآمد سرانه بین استان‌های کشور (یک رهیافت اقتصادسنجی فضایی)»، فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی، ش ۱۳، ۱۳۸۳.

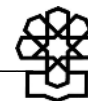
۱۷. امانپور، سعید، اعظم، اسماعیلی و سجاد، جوکار. «تعیین درجه توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان خوزستان از نظر شاخص آموزشی با استفاده از روش تاکسونومی عددی»، فصلنامه جغرافیایی آمایش محیط، ش ۱۷، ۱۳۹۱.
۱۸. امیراحمدی، هوشنگ. «پویایی‌شناسی توسعه و نابرابری استان‌ها در ایران (۱۳۳۵-۱۳۶۳)»، اطلاعات سیاسی و اقتصادی، ش ۱۰۹ و ۱۱۰، ۱۳۷۵.
۱۹. امیری، میثم و تیمور، رحمانی. «بررسی آثار سرمایه اجتماعی درون و برون‌گروهي بر رشد اقتصادی استان‌های ایران»، دوفصلنامه علمی- پژوهشی جستارهای اقتصادی، سال سوم، ش ۶، ۱۳۸۵.
۲۰. ایزانلو، بلال و مجتبی، حبیبی. «کاربرد فراتحلیل در تحقیقات علوم اجتماعی و رفتاری: مروری بر مزایا، تنگناها و روش‌شناسی»، دوماهنامه تحقیقات علوم رفتاری، دوره ۹، ش ۱، ۱۳۹۰.
۲۱. ایزانلو، قاسم و مهدی خداپرست مشهدی. «مدیریت بخش عمومی: چالش استراتژیک توسعه منطقه‌ای ایران»، همایش بهبود فضای کسب‌وکار در ایران، ۱۳۹۰.
۲۲. آزرده، ابوطالب. «بررسی حساب‌های اقتصادی استان فارس و مقایسه آن با استان‌های کشور»، مجله اقتصادی، ماهنامه بررسی مسائل و سیاست‌های اقتصادی، ش ۹۳ و ۹۴، ۱۳۸۸.
۲۳. بختیاری، صادق. «تحلیلی مقایسه‌ای از توسعه صنعتی استان‌های مختلف کشور»، پژوهشنامه بازرگانی، سال ۶، ش ۲۲، ۱۳۸۱.
۲۴. بختیاری، صادق، مجید، دهقانی‌زاده و علیرضا رعیتی. «سنجش وضعیت توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان یزد با بهره‌گیری از رویکردهای تصمیم‌گیری با معیارهای چندگانه و تحلیل‌عاملی»، فصلنامه علمی- پژوهشی برنامه‌ریزی و بودجه، سال هفدهم، ش ۳، ۱۳۹۱.
۲۵. بختیاری، صادق، مجید دهقانی‌زاده، و علیرضا رعیتی. «سنجش وضعیت توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان یزد با بهره‌گیری از رویکردهای تصمیم‌گیری با معیارهای چندگانه و تحلیل‌عاملی»، فصلنامه برنامه‌ریزی و بودجه، ش ۱۱۸، ۱۳۹۱.
۲۶. برقی، حمید، یوسف قنبری و احمد، حجاربان. «تحلیل درجه توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان اصفهان در شاخص‌های عمده بخش کشاورزی»، فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی شهری، ش ۴، ۱۳۹۰.
۲۷. پوراصغر سنگاچین، فرزاد، اسماعیل صالحی و مرتضی دیناروندی. «سنجش سطح توسعه‌یافتگی استان‌های کشور ایران با رویکرد تحلیل‌عاملی»، مجله علمی- پژوهشی آمایش سرزمین، دوره چهارم، ش دوم، ۱۳۹۱.
۲۸. پورمحمدی، محمدرضا و دیگران. «تحلیل توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان کرمانشاه»، مجله علمی تخصصی برنامه‌ریزی فضایی، سال دوم، ش ۱، ۱۳۹۱.
۲۹. پوست‌فروش تهرانی، ایمان. «مروری بر تحول برنامه‌ریزی در ایران و چند کشور منتخب»، دفتر مطالعات برنامه و بودجه، شماره مسلسل: ۹۳۴۱، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۷.
۳۰. تبریزی، جلال، اکرم قاسمی و سهراب مؤذن. «تحلیل عدم تعادل فضایی خدمات اقتصادی، اجتماعی شهرستان‌های استان زنجان»، مجله پژوهش و برنامه‌ریزی شهری، سال چهارم، ش سیزدهم، ۱۳۹۲.
۳۱. ترابی، یوسف. «آسیب‌شناسی مدیریت توسعه در ایران»، دوفصلنامه دانش سیاسی، ش دوم، ۱۳۸۴.
۳۲. تغییر نگرش به نظامات برنامه‌ریزی (برخی ضرورت‌ها و راهکارها)، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، شماره مسلسل ۲۲۰۱۳۸۲۶.





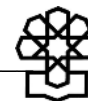
۳۳. تقدیسی، احمد، و سیامک پیری. «تحلیل فضایی و سطح‌بندی شاخص‌های توسعه خدمات بهداشتی-درمانی با استفاده از تحلیل عاملی و تکنیک خوشه‌ای (مطالعه موردی: شهرستان‌های استان گیلان)»، فصلنامه جغرافیایی آمایش محیط، ش ۱۸، ۱۳۹۱.
۳۴. تقوایی، مسعود و عیسی بهاری. «سطح‌بندی و سنجش درجه توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان مازندران با استفاده از مدل تحلیل عاملی و تحلیل خوشه‌ای»، مجله جغرافیا و برنامه‌ریزی محیطی، ش ۴۸، ۱۳۹۱.
۳۵. تقوایی، مسعود و مریم رضایی. «نقش شهرهای کوچک در توسعه منطقه‌ای»، دوفصلنامه بنا، ش ۳۷، ۱۳۸۷.
۳۶. تقوایی، مسعود و مریم صالحی. «سنجش سطوح توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان همدان (با تأکید بر رویکرد تحلیل منطقه‌ای)»، فصلنامه علمی- پژوهشی برنامه‌ریزی منطقه‌ای، سال سوم، ش ۱۱، ۱۳۹۲.
۳۷. تقوایی، مسعود و محمد صبوری. «تحلیل تطبیقی سطح و میزان توسعه‌یافتگی اجتماعی شهرستان‌های استان هرمزگان»، مجله جغرافیا و برنامه‌ریزی محیطی، ش ۴۶، ۱۳۹۱.
۳۸. تقوایی، مسعود و شهره نیلی‌پور طباطبایی. «بررسی شاخص‌های توسعه در مناطق روستایی استان‌های کشور با استفاده از روش اسکالوگرام»، فصلنامه اقتصاد کشاورزی و توسعه، ش ۵۶، ۱۳۸۵.
۳۹. تقوایی، مسعود، راضیه طهماسبی‌پور، و نصرت مرادی هوسین. «تعیین و تحلیل سطوح برخورداری شهرستان‌های استان بوشهر با استفاده از مدل اسکالوگرام»، فصلنامه آمایش جغرافیایی فضا، ش ۲، ۱۳۹۰.
۴۰. تقوایی، مسعود، حمیدرضا، ورائی و رعنا، شیخ‌بیگللو. «تحلیل نابرابری‌های توسعه ناحیه‌ای در ایران»، پژوهش‌های جغرافیای انسانی، ش ۷۸، ۱۳۹۰.
۴۱. توکلی، جعفر. «سنجش توسعه‌یافتگی کشاورزی شهرستان‌های استان کرمانشاه»، جغرافیا و پایداری محیط، ش ۵، ۱۳۹۱.
۴۲. توکلی، جعفر. «ارزیابی بسترهای طبیعی- مدیریتی توسعه در شهرستان‌های استان کرمانشاه»، فصلنامه علمی- پژوهشی فضای جغرافیایی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهر، سال سیزدهم، ش ۴۲، ۱۳۹۲.
۴۳. توکلی، مرتضی، غریب، فاضل‌نیا و یعقوب، زارعی. «ارزیابی برخی شاخص‌های ابعاد نابرابری»، فصلنامه روستا و توسعه، سال ۱۴، ش ۱، ۱۳۹۰.
۴۴. توکلی‌نیا، جمیله و محمد، شالی. «نابرابری‌های منطقه‌ای در ایران»، فصلنامه جغرافیایی آمایش محیط، ش ۱۸، ۱۳۹۱.
۴۵. جدیدی‌میان‌دشتی، مهدی. «توزیع متعادل منابع مالی به روش سطح‌بندی توسعه مناطق»، فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی، ش ۱۱ و ۱۲، ۱۳۸۳.
۴۶. جمالی، فیروز، محمدرضا، پورمحمدی و ابوالفضل، قنبری. «تحلیلی بر روند تغییرهای سطوح توسعه و نابرابری‌های ناحیه‌ای در نقاط شهری استان آذربایجان شرقی در سال‌های ۱۳۶۵، ۱۳۷۵ و ۱۳۸۵»، مجله جغرافیا و برنامه‌ریزی محیطی، ش ۳۵، ۱۳۸۸.
۴۷. جمالی، فیروز، محمدرضا، پورمحمدی و ابوالفضل، قنبری. «تحلیلی بر روند نابرابری در نقاط شهری استان‌های ایران (۱۳۶۵-۱۳۸۵)»، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، دوره ۲۴، ش ۹۵، ۱۳۸۸.
۴۸. جمالی، فیروز، محمدرضا، پورمحمدی و ابوالفضل، قنبری. «تحلیلی بر نابرابری‌های ناحیه‌ای و تعیین اولویت توسعه نقاط شهری استان آذربایجان شرقی»، نشریه جغرافیا و برنامه‌ریزی، ش ۳۳، ۱۳۸۹.

۴۹. جمعه‌پور، محمود. «تحلیل سطح توسعه منطقه‌ای و عدم تعادل نواحی در استان تهران با تأکید بر نقش شهرهای کوچک و میانی»، فصلنامه علوم اجتماعی، ش ۶۱، ۱۳۹۲.
۵۰. حاتمی‌نژاد، حسین و دیگران. «سنجش درجه توسعه‌یافتگی صنعتی در مناطق مرزی ایران (مطالعه موردی شمال غرب کشور، شهرستان‌های جنوبی استان آذربایجان)»، مجله پژوهش و برنامه‌ریزی شهری، سال دوم، ش ۶، ۱۳۹۰.
۵۱. حسینی، سیده‌مریم و هادی، غفاری. «بررسی مقایسه‌ای وضعیت توزیع درآمد استان مرکزی با کل کشور»، فصلنامه رفاه اجتماعی، ش ۴۶، ۱۳۹۱.
۵۲. حسینی، محمدحسن و دیگران. «راهبرد قطب‌های رشد در برنامه‌ریزی منطقه‌ای مطالعه موردی تجربه یونان در این زمینه»، هشتمین سمپوزیوم پیشرفت‌های علوم و تکنولوژی، مشهد، ۱۳۹۲.
۵۳. داداش‌پور، هاشم، بهرام، علیزاده و بهاره، مدنی. «بررسی و تحلیل روند توسعه‌یافتگی و نابرابری‌های فضایی در شهرستان‌های استان آذربایجان غربی»، فصلنامه علوم اجتماعی، ش ۵۳، ۱۳۹۰.
۵۴. درویشی، باقر و محمدنبی، شهیکی‌تاش. «سنجش نابرابری درآمدی در بین استان‌های ایران (رویکرد عینی و قیاسی از شاخص‌های ایستای ناپارامتریک)»، مجله نامه مفید، ش ۹۶، ۱۳۹۲.
۵۵. رحمانی، تیمور. «رشد اقتصادی و همگرایی منطقه‌ای در ایران»، مجله تحقیقات اقتصادی، ش ۶۶، ۱۳۸۳.
۵۶. رحمانی، تیمور و ابراهیم، حسن‌زاده. «اثر مهاجرت بر رشد اقتصادی و همگرایی منطقه‌ای در ایران»، فصلنامه تحقیقات و مدل‌سازی اقتصادی، ش ۵، ۱۳۹۰.
۵۷. رحمانی، تیمور و حشمت‌الله، عسگری. «بررسی نقش سیاست‌های دولت در همگرایی منطقه‌ای در استان‌های ایران با به‌کارگیری روند سپرده دیداری»، مجله تحقیقات اقتصادی، ش ۶۹، ۱۳۸۴.
۵۸. رضایی، محمدرضا و محمدامین، عطار. «سطح‌بندی میزان برخورداری شهرستان‌های استان فارس به لحاظ شاخص‌های توسعه با استفاده از مدل HDI»، فصلنامه برنامه‌ریزی منطقه‌ای، ش ۴، ۱۳۹۰.
۵۹. رضائیان، محسن. «واژه‌نامه توصیفی فراتحلیل‌ها»، مجله ایرانی آموزش در علوم پزشکی، ش ۵، ۱۳۸۴.
۶۰. رهنما، محمدرحیم و حسین، آقاجانی. «تحلیل نابرابری‌های فضایی در استان خراسان رضوی»، فصلنامه مدرس علوم انسانی (برنامه‌ریزی و آمایش فضا)، ش ۷۵، ۱۳۹۱.
۶۱. زمانی، فریبا. «اهمیت جمعیت‌شناسی در برنامه‌ریزی‌های آمایش سرزمین (با تأکید بر مطالعه مهاجرت‌های استانی)»، فصلنامه جمعیت، ش ۷۰/۶۹، ۱۳۸۸.
۶۲. زنگی‌آبادی، علی و محمود، اکبری. «ارزیابی و تحلیل میزان توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان فارس»، فصلنامه محیط‌شناسی، ش ۵۹، ۱۳۹۰.
۶۳. زنگی‌آبادی، علی، جابر، علی‌زاده و مهدی، احمدیان. «تحلیلی بر درجه توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان آذربایجان شرقی (با استفاده از تکنیک AHP و TOPSIS)»، فصلنامه نگرش‌های نو در جغرافیای انسانی، سال چهارم، ش ۱، ۱۳۹۰.
۶۴. زیاری، کرامت‌الله، سیدمحمود، زنجیرچی و کبری، سرخ‌کمال. «بررسی و رتبه‌بندی درجه توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان خراسان رضوی، با استفاده از تکنیک تاپسین»، پژوهش‌های جغرافیای انسانی، ش ۷۲، ۱۳۸۹.



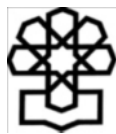
۶۵. زیاری، کرامت‌الله، کبری، سرخ‌کمال و سیدمحمود، زنجیرچی. «ارزیابی کلاسیک کارآیی استان‌های کشور از لحاظ توسعه‌یافتگی با استفاده از روش DEA»، فصلنامه مدرس علوم انسانی، برنامه‌ریزی و آمایش فضا، دوره چهاردهم، ش ۳، ۱۳۸۹.
۶۶. زیاری، کرامت‌الله، نوید، سعیدی رضوانی و لیلا، بقال‌صالح‌پور. «سنجش درجه توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان آذربایجان شرقی به روش (HDI)»، فراسوی مدیریت، سال سوم، ش ۱۲، ۱۳۸۹.
۶۷. زینل‌زاده، رضا، صمد، برزویان و علیرضا، قجری. «بررسی و تعیین شاخص‌های توسعه انسانی-آموزش در استان‌های کشور (در سال‌های ۱۳۸۷ و ۱۳۸۸)»، فصلنامه نگرش‌های نو در جغرافیای انسانی، سال چهارم، ش ۲، ۱۳۹۱.
۶۸. زیویار، پروانه و امین، فرجی‌ملائی. «برنامه‌ریزی منطقه‌ای و تعادل شبکه شهری در ایران»، فصلنامه علمی- پژوهشی جغرافیا (برنامه‌ریزی منطقه‌ای) سال دوم، ش ۲، ۱۳۹۱.
۶۹. سرائی، محمدحسین و دیگران. «ارزیابی وضعیت توسعه‌یافتگی استان‌های کشور با استفاده از تکنیک‌های لاجیت و پروبیت»، فصلنامه نگرش‌های نو در جغرافیای انسانی، سال سوم، ش ۳، ۱۳۹۰.
۷۰. سرور، رحیم، میرنجف، موسوی و امید، مبارکی. «تحلیل فضایی نابرابری‌های ناحیه‌ای در استان آذربایجان شرقی»، فصلنامه جغرافیا و برنامه‌ریزی منطقه‌ای، سال اول، ش دوم، ۱۳۸۹.
۷۱. سیاهپوش، امیر. «فرا تحلیل مطالعات سرمایه اجتماعی در ایران»، فصلنامه راهبرد و فرهنگ، ش سوم، ۱۳۸۷.
۷۲. سیف‌الدینی، فرانک و موسی، پناهنده‌خواه. «چالش‌ها و موانع برنامه‌ریزی توسعه منطقه‌ای در ایران»، پژوهش‌های جغرافیای انسانی، ش ۷۳، ۱۳۸۹.
۷۳. سیف‌اللهی، سیف‌اله و حمیرا حافظ‌امینی. «برنامه‌های توسعه اقتصادی- اجتماعی و تأثیر آن بر واگرایی و همگرایی گروه‌های قومی در ایران»، پژوهشنامه علوم اجتماعی، سال سوم، ش دوم، ۱۳۸۸.
۷۴. شالی، محمد و محمدتقی، رضویان. «نابرابری‌های منطقه‌ای در استان آذربایجان شرقی با استفاده از روش تاکسونومی و خوشه‌بندی»، فصلنامه تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی، ش ۱۷، ۱۳۸۹.
۷۵. شهیکی‌تاش، محمدنبی، مجتبی، شهیکی‌تاش و الهام، شیوایی. «سنجش رفاه استان‌های ایران: رهیافت تابع رفاه غیرپارتویی و تجزیه‌پذیر نسبت به جمعیت»، فصلنامه مدل‌سازی اقتصادی، ش ۲۳، ۱۳۹۲.
۷۶. شیخ‌بیگللو، رعنا، مسعود، تقوایی و حمیدرضا، وارثی. «تحلیل فضایی محرومیت و نابرابری‌های توسعه در شهرستان‌های ایران»، فصلنامه علمی- پژوهشی رفاه اجتماعی، سال دوازدهم، ش ۴۶، ۱۳۹۱.
۷۷. شیخ‌بیگللو، رعنا. «شناسایی مناطق محروم ایران با استفاده از رتبه‌بندی ترکیبی»، فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی شهری، ش ۷، ۱۳۹۰.
۷۸. شیخی، محمد. «نگرشی بر طرح‌های ملی- منطقه‌ای»، اطلاعات سیاسی- اقتصادی، ش ۳۸، ۱۳۶۹.
۷۹. شیخی، محمد. «جایگاه برنامه‌ریزی منطقه‌ای در ایران ضرورت‌ها، مشکلات و طرح چند پیشنهاد»، اطلاعات سیاسی- اقتصادی، ش ۱۲۱ و ۱۲۲، ۱۳۷۶.
۸۰. صادقی‌فر، جمیل و دیگران. «تعیین درجه توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان بوشهر از نظر شاخص‌های بهداشتی درمانی با استفاده از روش تاکسونومی عددی»، مجله علوم پزشکی رازی، دوره ۲۱، ش ۱۱۸، ۱۳۹۳.
۸۱. صباغ‌کرمانی، مجید. «تجزیه و تحلیل نابرابری‌های منطقه‌ای اشتغال در استان‌های کشور»، فصلنامه علمی- پژوهشی مدرس علوم انسانی، ش ۱۹، ۱۳۸۰.

۸۲. صرافی، مظفر. «مبانی برنامه‌ریزی توسعه منطقه‌ای»، انتشارات سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، دفتر آمایش و برنامه‌ریزی منطقه‌ای، ۱۳۷۹.
۸۳. صرافی، مظفر. «مبانی برنامه‌ریزی توسعه منطقه‌ای»، تهران: سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، مرکز مدارک علمی و انتشارات، ۱۳۷۹.
۸۴. صفری، رباب و مقصود، بیات. «تعیین سطوح توسعه‌یافتگی نواحی روستایی استان آذربایجان شرقی با استفاده از تکنیک آماری تحلیل عاملی و تحلیل خوشه‌ای»، نشریه تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی، سال سیزدهم، ش ۲۸، ۱۳۹۲.
۸۵. ضرابی، اصغر و نازنین، تبریزی. «تعیین سطح توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان مازندران - رویکرد تحلیل عاملی»، فصلنامه جغرافیایی آمایش محیط، ش ۱۲، ۱۳۹۰.
۸۶. ضرابی، اصغر و رENA، شیخ‌بیگللو. «سطح‌بندی شاخص‌های توسعه سلامت استان‌های ایران»، فصلنامه علمی - پژوهشی رفاه اجتماعی، سال یازدهم، ش ۴۲، ۱۳۹۱.
۸۷. طباطبایی‌یزدی، رؤیا. «خلاصه مدیریتی گزارش تحقیقاتی (ویژگی‌های استان‌های کشور) ۱۳۸۳-۱۳۸۵»، مجمع تشخیص مصلحت نظام، مرکز تحقیقات استراتژیک، ۱۳۸۶.
۸۸. طحاری مهرجردی، محمدحسین و حمید، بابایی میبیدی. «رتبه‌بندی استان‌های کشور جمهوری اسلامی ایران از لحاظ دسترسی به شاخص‌های بخش بهداشت و درمان»، دو ماهنامه مدیریت اطلاعات سلامت، ش ۲۵، ۱۳۹۱.
۸۹. عبدالله‌زاده، غلامحسین و ابوالقاسم، شریف‌زاده. «سطح‌بندی توسعه منطقه‌ای در ایران (کاربرد رهیافت شاخص ترکیبی)»، فصلنامه مطالعات و پژوهش‌های شهری و منطقه‌ای، ش ۱۳، ۱۳۹۱.
۹۰. فرهنگ، شکوفه، سیدکمیل، طیبی و محسن، کریمی. «اثر تولید و رشد بخشی بر فقر و رفاه اجتماعی در استان‌های ایران (۱۳۷۹-۱۳۸۶)»، فصلنامه جامعه‌شناسی کاربردی، ش ۵۰، ۱۳۹۲.
۹۱. فطرس، محمدحسن و محمود، بهشتی‌فر. «تعیین سطح توسعه‌یافتگی استان‌های کشور و نابرابری بین آنها طی سال‌های ۱۳۷۳ و ۱۳۸۳»، فصلنامه علمی - پژوهشی مفید، ش ۵۷، ۱۳۸۵.
۹۲. فیضی‌زاده، بختیار، مجید، رضایی‌بنفشه و میراسدالله، حجازی. «سطح‌بندی توسعه اقتصادی - اجتماعی شهرستان‌های استان آذربایجان غربی با استفاده از تحلیل‌های مکانی و قواعد تصمیم‌گیری GIS»، فصلنامه فضای جغرافیایی، ش ۴۰، ۱۳۹۱.
۹۳. قاجارخسروی، محمدمهدی. «مروری بر تهیه طرح‌های کالبدی منطقه‌ای در ایران»، فصلنامه مسکن و محیط روستا، ۱۳۸۹.
۹۴. قائدرحمتی، صفر، احمد، خادم‌الحسینی و علی، محمدی‌فرد. «تحلیلی بر درجه توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان سیستان و بلوچستان»، فصلنامه جغرافیایی آمایش محیط، ش ۹، ۱۳۸۹.
۹۵. قائدرحمتی، صفر، رضا، مستوفی‌الممالکی و مهدی، برابری. «تحلیل شاخص‌های توسعه و سطح‌بندی دهستان‌های استان یزد»، فصلنامه جغرافیا و توسعه، ش ۳۰، ۱۳۹۲.
۹۶. قنبری، ابوالفضل و میرنجف، موسوی. «قطب‌های رشد به مثابه رویکردی در عدم تعادل‌های ناحیه‌ای ایران»، فصلنامه فضای جغرافیایی، ش ۳۴، ۱۳۹۰.
۹۷. لطیفی، غلامرضا و مجید، سجاسی قیداری. «رتبه‌بندی سطح رفاه اجتماعی شهرستان‌های استان زنجان با استفاده از تکنیک TOPSIS»، فصلنامه برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی، ش ۷، ۱۳۹۰.



۹۸. محمدی، جمال، اصغر، عبدلی و محمد، فتحی بیرانوند. «بررسی سطح توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان لرستان به تفکیک بخش‌های مسکن و خدمات رفاهی-زیر بنایی، کشاورزی و صنعت»، فصلنامه تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی، ش ۲۵، ۱۳۹۱.
۹۹. محمودزاده، محمود و سیامک، علمی. «نابرابری و رشد اقتصادی در استان‌های کشور»، فصلنامه پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی، سال بیستم، ش ۶۴، ۱۳۹۱.
۱۰۰. مرتضوی کاخکی، مرتضی، ایمان، حقیقی و محمدحسین، مهدوی عادل. «رابطه برابری فرصت و برابری درآمد در مناطق ایران: مدلسازی تعادل عمومی»، دو فصلنامه اقتصاد و توسعه منطقه‌ای، ش ۵، ۱۳۹۲.
۱۰۱. مرتضوی، سیدابوالقاسم، فرزاد، سراج‌زاده و مریم، شکوهی. «مطالعه رابطه بین نابرابری درآمد و رشد اقتصادی در مناطق شهری و روستایی کشور»، مجله تحقیقات اقتصاد کشاورزی، ش ۹، ۱۳۹۰.
۱۰۲. مردانی، یاسر و آیت‌اله، کرمی. «بررسی نابرابری درآمدی در مناطق روستایی ایران»، مجله تحقیقات اقتصاد کشاورزی، ش ۱۷، ۱۳۹۲.
۱۰۳. مسیبی، سمانه و احمد، تقدیسی. «تحلیل فضایی و سطح‌بندی شاخص‌های اشتغال در استان‌های کشور (با به کارگیری تحلیل عاملی و خوشه‌ای)»، دو فصلنامه آمایش سرزمین، سال پنجم، ش ۲، ۱۳۹۲.
۱۰۴. معصومی، محمدتقی و محمد، اثنی‌عشری. «تحلیلی بر روند تغییرات نابرابری‌های ناحیه‌ای و سطوح توسعه با استفاده از تکنیک‌های برنامه‌ریزی و تعیین سطوح توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان اردبیل (۱۳۶۵-۱۳۸۵)»، فصلنامه نگرش‌های نو در جغرافیای انسانی، سال چهارم، ش ۳، ۱۳۹۱.
۱۰۵. ملکی، سعید. «تحلیل و طبقه‌بندی شاخص‌ها و تعیین اولویت‌های توسعه در استان‌های کشور با استفاده از روش تحلیل عاملی و تحلیل خوشه‌ای»، نشریه جغرافیا و برنامه‌ریزی، ش ۲۹، ۱۳۸۸.
۱۰۶. مولایی، محمد. «مقایسه درجه توسعه‌یافتگی بخش خدمات و رفاه اجتماعی استان‌های ایران طی سال‌های ۱۳۷۳ و ۱۳۸۳»، فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، سال ششم، ش ۲۴، ۱۳۸۶.
۱۰۷. مؤمنی، مهدی. «تحلیلی از نابرابری و عدم تعادل فضایی توسعه در استان اصفهان»، فصلنامه جغرافیا و مطالعات محیطی، ش ۱، ۱۳۸۸.
۱۰۸. میرکتولی، جعفر و محمدرضا، کنعانی. «ارزیابی سطوح توسعه و نابرابری ناحیه‌ای با مدل تصمیم‌گیری چند معیاره، مطالعه موردی: سکونت‌گاه‌های روستایی استان مازندران»، مجله مکان، فصلنامه جغرافیا و آمایش سرزمین، سال اول، ش دوم، ۱۳۹۰.
۱۰۹. نسترن، مهین و سارا، فتاحی. «سطح‌بندی شهرستان‌های استان گلستان از نظر شاخص‌های توسعه‌یافتگی با استفاده از روش تحلیل عاملی»، فصلنامه جغرافیا و مطالعات محیطی، ش ۱، ۱۳۸۸.
۱۱۰. نصرالهی، خدیجه، نعمت‌الله، اکبری و مسعود حیدری. «تحلیل مقایسه‌ای روش‌های رتبه‌بندی در اندازه‌گیری توسعه‌یافتگی (مطالعه موردی: شهرستان‌های استان خوزستان)»، مجله علمی-پژوهشی آمایش سرزمین، سال سوم، ش چهارم، ۱۳۹۰.
۱۱۱. نظم‌فر، حسین و بهزاد، پادروندی. «بررسی و تحلیل سطح برخورداری شهرستان‌های استان چهارمحال و بختیاری از شاخص‌های توسعه با استفاده از مدل تاپسیس فازی»، فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی شهری، ش ۱۴، ۱۳۹۲.
۱۱۲. نوربخش، فرهاد. «توسعه انسانی و تفاوت‌های منطقه‌ای در ایران: الگوی سیاستی»، فصلنامه پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی، ش ۲۸، ۱۳۸۲.
۱۱۳. نیسی، عبدالکاظم. «شاخص توسعه انسانی در استان‌های ایران»، فصلنامه علوم بهداشتی جندی‌شاپور، سال دوم، ش ۲، ۱۳۸۹.

۱۱۴. واقعی، یدالله، سمانه، نیک‌طینت و غلامرضا، محتشمی‌برزادران. «بررسی مقایسه‌ای نابرابری هزینه‌های بهداشتی و درمانی خانوارهای استان‌های کشور»، مجله دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی، سال سوم، ش ۴، ۱۳۹۰.
۱۱۵. هادی‌زنوز، بهروز. «بررسی نظام برنامه‌ریزی اقتصادی در ایران: دوره قبل از انقلاب اسلامی»، تهران: مجلس شورای اسلامی، مرکز پژوهش‌ها، ۱۳۸۹.
۱۱۶. یاسوری، مجید. «بررسی وضعیت نابرابری منطقه‌ای در استان خراسان رضوی»، دوفصلنامه جغرافیا و توسعه ناحیه‌ای، ش ۱۲، ۱۳۸۸.
117. Zhang.J, Pang.X, Zhang.L, Medina. A, Rozelle.S, " Gender Inequality in Education in China: A Meta-Regression Analysis", Rural Education Action Project, 2012.
118. Jackson, Jeffrey L; O'malley, Patrick; Wei, Gina; etal. Meta analysis. Society of General Internal Medicine, 2004.



مرکز پژوهش‌ها  
مجلس شورای اسلامی

شناسنامه گزارش

شماره مسلسل: ۱۴۰۳۹

عنوان گزارش: مجموعه مطالعات منطقه‌ای و آمایش سرزمین در ایران (۱) فراتحلیل نابرابری منطقه‌ای در ایران

نام دفتر: مطالعات اقتصادی (گروه توسعه و برنامه‌ریزی)

تهیه و تدوین: زهرا ذاکری

ناظران علمی: محمد قاسمی، ابوالفضل پاسبانی، میکائیل عظیمی

همکاران: ایمان تهرانی، زهرا ترابی

متقاضی: معاونت پژوهش‌های اقتصادی

ویراستار تخصصی: ابوالفضل پاسبانی

ویراستار ادبی: ———

واژه‌های کلیدی:

۱. نابرابری منطقه‌ای

۲. توسعه و برنامه‌ریزی

۳. ایران



تاریخ انتشار: ۱۳۹۳/۹/۲۳